

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۳۴ صفحه

۹۴

# بیکار

بها ۳۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۵۹

## در صفحات دیگر این شماره:

- در تظاهرات ۷۰ هزار نفری کرمان شعارهای انقلابی و کمونیستی طنین افکن بود  
صفحه ۹
- قیام ۲۹ بهمن تبریز، پیش در آمد قهر انقلابی زحمتکشان علیه سرمایه داری وابسته  
صفحه ۱۳
- پیرامون جنبش زنان زحمتکش  
صفحه ۱۹
- خسرو گل سرخی: سرود جوان انقلاب تا آخرین قطره خون  
صفحه ۲۳

## بزرگداشت سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن زیر پرچم سرخ گمونیست‌ها

صفحه ۱۳



## الهام سرمقاله

### بر آلترناتیو گمونیستی پافشاری کنیم!

در پی دعوت سازمان ما و سازمان رزمندگان آزادی طلبه کارگران و دانشجویان رفقای "گومله" جهت برگزاری مراسم دومین سالگرد قیام خونین بهمن در تهران و شهرستانها نظماً هرات با شکوهی در تهران با شرکت هزاران نفر از نوجوانان آگاه و انقلابی، ابتدا در میدان انقلاب و پس از حمله و یورش وحشیانه مزدوران و اوبانان رژیم جمهوری اسلامی، در مسرخانیان خوش - آذربایجان - رودکی صورت گرفت. توضیحات و گزارشات مربوط به این تظاهرات و راهپیمایی در جای خود به تفصیل آمده است و آنچه در این منظور منظور نظر است، توضیح درباره هدفها و مجموعه وظایفی است که در ارتباط و براساس آنها، این تظاهرات و راهپیمایی های تظاهرات بقیه در صفحه ۲

## کنفرانس

"غیر متعهدها"  
یا استعده به  
امپریالیسم؟  
صفحه ۲۱

## تداوم انحلال طلبی در پوشش نوین!

## نقدی بر مبارزه ایدئولوژیک

## علنی "وحدت انقلابی"

صفحه ۱۱

## موضع ما در قبال

## "قانون سود ویژه"

صفحه ۲۷

## باز هم درباره مصاحبه

## مجاهد با قاسملو

صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بفیه از صفحه ۱ سر مقاله

آن در شرایط فعلی و در آینده ضرورت قطععی پیدا می کند.

هما نگونه که پیش از این توضیح داده ایم جامعه ما در شرایطی بحرانی قرار دارد، بحرانی عمیق و همه جانبه که از یکسوتوده های عظیم خلق - یعنی همانها که قیام کردند و با قدرت اسلحه رژیم سلطنتی را به زباله دانی تاریخ سپردند - را علیرغم تمامی توهماتشان نسبت به قدرت - مندان جدید، به مبارزه ای گسترده علیه رژیم حاکم واداشته و از سوی دیگر رژیم جنجالی - اسلامی را از پاشخوئی به اساسی ترین خواست های دموکراتیک و انقلابی توده ها که به خاطر آن قیام کردند، عاجز و ناتوان ساخته است. این بحران در تداوم خود و بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق، با عادی گسترده یافتن و در پی آمدن خود گسترش بازم بیشتر مبارزات توده ای و متقابلا تشدید توده های درونی هیئت حاکمه و عجز و ناتوانی هر چه بیشتر او را در تخفیف و حل بحران، تشبیت قدرت خود و سرکوب متحرک گستر جنبش توده ای و انقلابی، به دنبال داشته است. در متن چنین شرایطی از بحران نمایندگان سیاسی اقشار و طبقات مختلف جامعه میگویند تا از زاویه دید کما کما و منافع طبقاتی خویش راه حل خاص خود را برای غلبه یافتن بر این بحران ارائه داده و در همین رابطه به تحکیم مواضع خود در قدرت سیاسی و یا کوشش برای تصرف آن بپردازند. نیروهای ضد انقلابی ای چون حزب جمهوری، لیبرالها، رویزیونیستها، دارودسته، بختیار مزدور، از یکسوا ز سوی دیگر دموکراتهای ناپیکیری چون مجاهدین و انقلابیونی چون کمونیستها، آن نیروهای سیاسی و آلترنا تیبو - هائی هستند که کم و بیش در صحنه مبارزه طبقاتی حضور فعال دارند و هر یک به فراخور حال خود در صدد آندند که با طرح برنامه سیاسی و اقتصادی خویش، توده ها را بزیربال و بپرخود کشیده و هژمونی و حاکمیت سیاسی خود را حفظ و یا تا مین نمایند.

از نیروهای سیاسی ای چون حزبها و لیبرالها که قدرت را هم اکنون در اختیار دارند بگذریم، هم اکنون رویزیونیستها و مجاهدین فعالیت وسیعی را در تمامی عرصه ها آغاز کرده - اند و می کوشند در خلا آلترنا تیبو انقلابی بپیکر توده های هر چه وسیعتری را که از رژیم جمهوری اسلامی کنده میشوند، بسوی خود جذب کنند. رویزیونیستهای "توده ای" و "کثرتی" با تمامی نیرو و امکانات خود در کارخانه، مدرسه، اداره، در کوچه و خیابان و در شهر و روستا بسیج شده اند و با تبلیغات زهر آگین و اقدامات ضد انقلابی خود اذهان توده ها و جنبش آنها را دچار انحراف ساخته، آنها را به تریبانه بورژوازی روانه می سازند. اینان بیش از خود بورژوازی به

بورژوازی خدمت میکنند و آنقدر که بورژوازی را انجام آن عاجز و ناتوان است، این کرکهای میش نما با عوام قریبی هر چه تمامتر در انجام آن خا خروا داده اند. از پیوی دیگر، ما همدن خلق به پشتوانه مبارزات انقلابی گذشته و مواضع دموکراتیک خود و به تکیه کوشش وسیع در میان توده های کهنه از پیش از رژیم جمهوری اسلامی و بویژه از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی میشوند، توانسته اند خود را به عنوان یک نیروی قابل توجه در سطح جامعه مطرح نمایند. عوامی چند نظیر پارتیزان بودن سطح آکا های کارگران و دیگر زحمتگشان، ضعف نیروهای کمونیستی و محدودیت فعالیت سیاسی و تبلیغی آنها، عقب ماندگی و ناتوانی رژیم حاکم و بویژه حزب جمهوری از پاسخ گوئی به خواستهای دموکراتیک توده ها و در همین رابطه نادیده گرفتن ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و سرکوب وحشیانه جنبش توده ای از سوی رژیم، عوامی هستند که در قدرت گیری و مطرح شدن مجاهدین به عنوان یک نیروی مهم سیاسی نقش داشته اند و در آینده نیز مجاهدین با توجه به عملکرد همین عوامل و با استفاده حدا کثرا از آنها خواهند کوشید تا خود را بیش از آنچه که در حال حاضر هستند برای توده ها مطرح کنند. اما قدرت گیری مجاهدین خلق به همان اندازه که بیا نگر تقویت صفا انقلاب و تقویت ارتجاع و صفا ضد انقلاب است، در عین حال میتواند در شرایطی کهنه پرولتاریا و نمایندگان آن کمونیستها نتوانند نقش خود را به عنوان بیکیرترین طبقه و نیروی سیاسی در جذب نیروهای چون مجاهدین بسمت خود ایفا کنند، بعنوان یک عامل منفی عمل کرده و با دامن زدن به توهمات که امکان فرو بردن آن وجود داشت، جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما را دچار اضمحلال و شکستهای دیگری بنماید. این خطر هنگامی افزایش می یابد که مجاهدین خلق با سرعتی روز افزون و با گرایش قوی بسمت لیبرالها در حرکت کنند. وی - روند تا نیروی خود را در خدمت لیبرالها و سکو ی برتاب آنها قرار دهند، ما حبه روزنا مه "مجاهد" با قاسملو و شرکت مجاهدین در روز ۲۲ بهمن در میخان آزادی و در زیر چتر لیبرالها، رنگ خطر را بدماد آورده است و این کمونیستها هستند که با آید این خطرو نیز شما می خطرات ناشی از قدرت - گیری روز افزون لیبرالها و رویزیونیستها را ندیده در حرف بلکه در عمل جدی بگیرند.

این جدی گرفتن چیزی جز کوشش برای کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و فزایهما ختن تمامی مقدمات و ملزومات آن نیست. این جدی گرفتن به مفهوم کوشش مداوم کمونیستها در تبلیغ و ترویج سوسیالیسم در میان طبقه کارگر، کسار وسیع و آکا کثرتی سیاسی در میان توده ها، افشای همه جانبه حنا چای حاکم و دیگر نیروهای

ضد انقلابی و توضیح بر آن مدخاتل و حدا کسر پرولتاریا است. این جدی گرفتن بمعنی شرکت فعال در مبارزات توده ها، از تقاسطح آن و تسخیر سازماندهی توده ها حول شعارها و خواستهای انقلابی و پرولتاری است. این جدی گرفتن به مفهوم مبارزه با دشمنان و مبارزه علیه انحرافات موجود در جنبش کمونیستی و در همین رابطه کوشش برای تدوین شورای انقلاب ایران و تأمین وحدت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست - مشابه تجسم عالی و مبارزاتین وحدت است. این جدی گرفتن به معنی درک صحیح از شرایط و وضعیت سیاسی جامعه و اهمیت قدرت سیاسی، درک صحیح از شرایط اعظم کنونی جنبش توده ای و شناختن کتیک شعری در قبال سیاست سرکوب رژیم و شما می قید و بندها و محدودیتها می است که در برابر فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست بوجود آورده است. این جدی گرفتن به معنی استفاده حدا کثرا از شرایط و امکانات فعالیت علنی و عینی اتحاد عمل و همکارای نیروهای انقلابی و کمونیستی و شرکت بیکارجه آنان در فعالیتها و مراسم است که میتواند با برد تبلیغی وسیع و توده ای، موجب مطرح شدن هر چه بیشتر آلترنا تیبو کمونیستی در سطح جامعه و شناختن آن در قبال آلترنا تیبوهای ارتجاعی و ناپیکیری توده ها گردد.

بدون انجام این وظایف در مجموع خود در ارتباط منطقی با یکدیگر، کوچکترین سخنی از بکف گرفتن قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و نمایندگان سیاسی آن کمونیستها نمی توانست در میان باشد. از اینرو هنگامی که ما از بزرگداشت دومین سالگرد قیام بهمین وظایف و راهبیمائی های متباه آن سخن میگوئیم و روی ضرورت شرکت فعال نیروهای کمونیستی و انقلابی تا کیدمی و رژیم، در ارتباط با مجموعه وظایفی است که در بالا از آن سخن گفتیم و باز با چنین درکی از مضمون بزرگداشت قیام خونین بهمین است که باید بر خورد رفقای سازمان جریکهای فدائی خلق را در جدا ساختن صف خود از سایر نیروهای کمونیستی در برکناری این مراسم و یا عدم شرکت رفقای "گومله" را در کمیته بزرگداشت مراسم (علیرغم حمایت و پشتیبانی این رفقا از این مراسم) مورد اتفاق قرار داد به عقیده ما نحوه برخورد رفقا به این مسئله بهیچوجه از مجموعه دیدگاههای آنها در زمینه مسائل سیاسی و ایدئولوژیک و از آنجمله - مساله وحدت جنبش کمونیستی جدا نموده و از همین رو باید در جای خود در رابطه با آن مسائل مورد بررسی و نقد قرار گیرد. روشن است که این رفقا نیز بسوبه خود و طبعه دارند، دلایل خود را در این

بقیه در صفحه ۲۷

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



## اخبار کوتاه کارگری

اهواز.

بند سال اخراج بیایی کارگران مناطق مختلف کد به بیاضک صورت میگردد، حدود ۹۰ هزار کارگر در دفتر فنی دانگاه اهواز را به سهانه غصب دانس اخراج میکنند. اخیراً نیز حقوق کارگران را به نصف تقلیل داده اند و این در شرایطی است که خانواده های اغلب این کارگران بعلت جنگ ارتجاعی کنونی آواره روستاها و بیابانهای اطراف شده اند، و در فقر و تنگدستی بسیار میگردند.

پس از ارائه طرح فدکا رگری جدید اداره بهره برداری شرکت نفت اهواز منتهی ۱۴ روز کار (روزی ۹ ساعت) و ۷۰ روز استراحت (علاوه بر جمعه کاری) و محدود کردن سرویس ایاب ودهاب، کارکنان اداره تعمیرات شرق اهواز در روزهای ۲۰ تا ۲۲ دیماه دست به اعتصاب زده و در مقابل اداره بهره برداری تجمع میکنند. لازم به تذکر است که کارگران سابقاً بعلت شرایط دشوار کارشان بکفایت کار و یک هفته استراحت داشتند. اعتراف با کارگران بعلت خودبخودی بودن و ندانستن شکل شان به نتیجه ای نرسید و کارگران سرکار را میگردند

در تاریخ ۵۹/۹/۱۶ عده ای از کارگران سازمان آب که بطور رورمره کار میکنند در جلوی اداره سازمان آب دست به تحصن زدند. علت تحصن اعتراض به اخراج آنها از کارشان بود. سازمان آب به بیانه ندانستن بودجه دست به اخراج آنها زده است. در این تجمع اینستاد کارگران تنها خواهان پرداخت حقوق و بخصوص حقوقهای عقب افتاده بودند. اما با سرخوردن آنها علامت داشتند که خواستار بازگشت به سر کار خود هستند.

(بمنقل از خبرنامه جنگ ۱۴ کمیته خوزستان) تهران:

کارفرمای شرکت صنعتی بوتان که تولید کننده مخازن گاز است، امسال بجای وارد کردن آهن گداز، اقدام به وارد کردن آهن چهار گوش می نماید و بدین ترتیب سعی میکند کارخانهای بدون مزده کارگران تحصیل نماید. این عمل موجب اعتراض کارگران میشود. آنها مدتی دست از کار میکشند. کارفرما که سود خود را در خطر می بیند تصمیم به کرد کردن آنها در کارخانه دیگری میگیرد و با خواست کارگران که خواهان دریافت مزد کارخانهای و انجام آن توسط خودشان بودند، مخالفت میکند کارگران هم تولید را می خواهند و در نتیجه محصول ماهانه از ۳۰۰ الی ۲۰۰ عدد مخزن به ۴۵ عدد میرسد.

کارگران نمایندگان خود را به مجمع غیرمی سالیانه هیات مدیره شرکت در روز ۲۷/۱۰/۱۱ وارد

## از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

طی یک سلسله مقالات بحث عنوان نمودیم درجهت تحقیق این هدف کام برداشته و سندهای مختلف صنعتی را مورد بررسی قرار دهمیم.

### الف - رشته اتومبیل سازی

۱- کارخانه ایران ناسیونال در شیراز - ماه سال در این کارخانه دزدی بزرگی صورت گرفت که بنا بکفایت خود مقامات رژیم "دهیضا" میلسون سوا استفاده "صورت گرفته است" و "۳۰۸" قلم قطعات بدکی اتومبیل را که در بازار کباب است بعنوان مایعات به مزایده فروختند. (اطلاعات ۵۹/۶/۲۵) مدیریت کارخانه که شخصی بنام "مخلمی" است برای توجیه این دزدی و برای آنکه با مردم بیگناه حاصل دسترنج کارگران و زحمکنان را غارت کند اعلام کرد که: "اینها مایعات ششمنی داده شده بودند و به مزایده گذاشته شده و بفروشن رسیده." این دزدی بزرگ که توسط عوامل خود رژیم یعنی مدیریت کارخانه بود از رودندان صورت گرفت. ساعت براده فندان بحث زیادی در میان بقیه در صفحه ۸

جنگ ارتجاعی ایران و عراق موجب حادثه شدن بحران اقتصادی جامعه گردید. که اگرچه با دامن زدن به توهمات شوونیستی توده ها، مدت کوتاهی ست مبارزه طبقاتی را به انحسراف کشاند، ولی اثرات زیاننا را این جنگ برای توده ها موجب ریزش بیشتر توهمان و آشکار شدن ماهیت جنگ برائتان گردید. بدین ترتیب مالکون شاهان و حکیری جنشی توفنده انقلابی توده ها میباشیم. که طبایه های آن با گسترش امواج نارضایتی عمومی از رژیم جمهوری اسلامی بخوبی آشکار گردیده است. این جنبش تنها در صورتی از نا کامی مجدد مضمون مانده و به بی سر روزی انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی خلقهای ایران خواهد انجامید، که از رهبری طبقه کارگر و ستاد دردمنده اش، حزب کمونیست برخوردار گردد. بدین جهت بررسی وضعیت طبقه کارگر بعد از جنگ - تا عادلانه کنونی و مشاهده چگونگی مبارزات این طبقه را اهمیت بسیاری برخوردار است.

بنابر این ماسعی خواهیم کرد که از این پس

## اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکتریک بخاطر سون ویژه

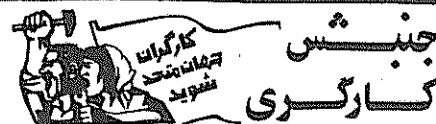
سرپرستها به انواع حیلها متوسل شده است تا اعتصاب را بشکنند. آنها جنگ را بهانه میاورند. بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی، لجن پراکنی میکردند و حتی شورای قلابی کارخانه مجمع عمومی تشکیل داد تا کارگران را از آذانه مبارزه منحرف نماید. اما کارگران کسبه در تجربه خود به بوج بودن این عوامل فریبخیز از یک سو و وعده وعیدهای مقابلات از سوی دیگری برده بودند. مدت محکمی برده ان سرمایه داران و عواملشان زده و بعد از دوروز اعتصاب، ماسع خروج تولید از کارخانه میشوند.

کارگران ما رزیا ریس الکتریک با پس از تجربیات مبارزاتی طبقه کارگر در این گرفته و به این نکته مهمی بر ندکه بدون ایجاد تشکلات بقیه در صفحه ۸

روز ۵۹/۱۱/۱۲ اطلاعیه ای صبی بر لوفوسود ویژه و عیدی کارگران برتا بلوی اعلانات کارخانه پارس الکتریک نصب گردید. بر طبق این اطلاعیه بجای سود ویژه مبلغی معادل دو ماه حقوق بعنوان پاداش (مشروط بر آنکه از ۸۵۰۰ تومان بیشتر نشود) بکارگران پرداخت خواهد شد. کارگران که در زمان رژیم سفاک شاه بخاطر دریافت سود ویژه که در واقع قسمتی از دستمزدشان است، سالها مبارزه کرده اند، دست به اعتراض زدند. ابتدا کارگران بخاطر درودگری و پس سایر بخشهای کارخانه دست به اعتصاب زدند. حتی کارگران کارخانه پارس الکتریک کرج نیز به اعتصاب پیوستند

افرودای روز اعتصاب، عوامل سرمایه داران در کارخانه یعنی اعمای شورای اسلامی و

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



**گزارش**  
**کارتگری**

کرده و در آن خواسته‌های زیر را مطرح میکنند:

- ۱- نظارت کارگران بر ورود مواد اولیه
- ۲- نظارت بر فروش محصولات
- ۳- نظارت بر میزان تولید

رسیدگی به این خواسته‌ها به جلسات بعدی هیات مدیره موکول میشود.

**اهواز:**

در حالیکه بیش از سه ماه از پرداخت دستمزد کارگران کارخانه ازنصفیه قند و شکر خودداری کرده بودند، روز ۵/۱۰/۵۹ کارگران این کارخانه دست به اعتراض زده و مانع خروج مدیرعامل میگرددند. کارگران مصرا نه خواهان دریافت دستمزد خویش میشوند و در مقابل با سدارانی که به همراه آنها آمده فرما ندره محل میایند یکبار چسه و استوارا بیستادگی میکنند، بدین خاطر کارفرما مجبور میشود در مقابل از اده کارگران عقب نشینی کند و با بت هر ماه بطور مطلق الحساب به هر کارگر مبلغ ۲۵۰۰ تومان پرداخت نماید.

**زاهدان:**

حدود ۲۰۰۰ نفر در شرکت راه‌های اسکاپانوس که کارفرمایان یونانی است، کار میکردند، اول دیماه کارمیکخوا بدو کارفرما نرسیدن سوخت و مواد اولیه را بپا نه قرار میدهند و از پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران نیز بپا نه نداشتن بودجه خودداری میکنند، این امر موجب اعتراض کارگران میشود. آنها روز ۱۴/۱۰/۵۹ اجتماع کرده و نمایندگان خود را برای مطرح کردن خواسته‌های کارگران نژادستاندار میفرستند. استاندار هم قول رسیدگی به خواسته‌های کارگران را میدهد، خواسته‌های کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲- ایجاد کار
- ۳- حق بیمه
- ۴- سپردن کار به کارگران اخرجی
- ۵- پرداخت حق کار

(بمنقل از "نبرد بلوچ" شماره ۵۷)

**تهران:**

کارگران بازنشسته شرکت واحد حمل و نقل با خیال شدن حقتان توسط رژیم، روزهای ۷ و ۸ بهمن ماه در محل ساختمان نارمک شرکت واحد متحصن میشوند، طبق مقررات میبایست به ازای هر سال سابقه خدمت مبلغی برابر با ۱۵ روز حقوق به کسانی که از تاریخ ۲۵/۲/۵۸ بازنشسته شده‌اند، پرداخت کرده اما تاکنون به بپا نه نداشتن بودجه از پرداخت این مبلغ به باز نشستگان خودداری کرده‌اند.

### اخراج صدها تن از نفتگران جنوب

روز ۷/۱۱/۵۹ شرکت ملی نفت ایران اقدام به اخراج ۴۰۲ نفر از کارگران زیربوشی مناطقی آبادان و خرمشهر نموده است. رژیم که از مدت‌ها قبل ندادن رزیم که از کارکنان زمینکن صنعت نفت را دیده بود، به اخراج این عده اکتفا نموده و در صدد اخراج باز هم بیشتر کارگران و کارکنان جنگ زده است. این اخراجها در شرایطی انجام میگردد که گرانی و قحطی و

بیکاری روزافزون، کمزور حمتکنان را زیر بار خود خم کرده است از رژیم جمهوری اسلامی که با سادار سیستم سرمایه داری وابسته است جزاین نمی توان انتظار داشت. کارگران و زمینکنان از جمله

شرکت ملی نفت ایران  
وزارت نفت

روز ۷/۱۱/۵۹  
تجدید بنام ۱۷۱

به پیوست لیست اماروی شماره ردیما کارکنان زیربوشن بالا بشگاه آبادان و خرمشهر را که تا پایان بهمن ماه ۱۳۲۹/۱۱/۷۱ از کار در شرکت نفت معاف گردیده اند ارسال میگردد. علاقه مندان به مراجعه به آنجا خودتاریخ نمایند.

شماره ردیما	شماره ردیما	شماره ردیما	شماره ردیما
۱۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱۱	۱۱۱۱۱۱

کارگران اخراج شده زیربوشن تنهایی با فشرده کردن صفوف خود و بیش بردن مبارزه‌ای متحد و یکبارچه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی میتوانند، نوطه‌های ضد کارگری آن را خنثی نمایند.

## بازپاساختن مجامع عمومی در کارخانجات پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی

طلسم نه خویش را بپیش ببریم و صفوف خود را متحدتر سازیم، بگرفتن سود ویژه شب عدکه نزدیک می باشد، تنهایی و تنهایی با ایجاد شوراهای انقلابی کارگری میسر است، بخصوص اینکه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی سود ویژه را لغو کرده است.

**چگونه شوراهای ایجاد کنیم!**

با تشکیل مجمع عمومی در کارخانه، بهترین و شریفترین کارگران را که مبارز بودن و سائق نا پذیر بودن خود را در دفاع از کارگران با رها و با رها نشان داده‌اند، به نمایندگی شوراهای انتخاب نمایم و با متحد شدن این شوراهای با یکدیگر اتحادیه‌های شوراهای انقلابی کارگران را برپا سازیم.

**کارگران مبارز!**

هم اکنون مدتی است که شوراهای کارگری توسط رژیم جمهوری اسلامی و سبیه با ساداران سرمایه منحل شده‌اند. هم اکنون مدتی است که مدیران سرسورده و کارفرمایان خونخوار در پناهی تشکیل دهنده کارگران جوخفقان در کارخانجات برقرار نموده و به بهره‌کشی وحشیانه کارگران میپردازند. در این مدت آنها توانسته‌اند که با رنجنا عا دلانه سرمایه داران ایران و عراق را بر دوش کارگران بیاندازند. فقر، گرانی، کمبود مواد اولیه زندگی و فلاکت، کم کردن حقوق، بیکاری، اخراج کارگران و بستن بعضی از کارخانجات و... آری اینهاست آن نتایج شوم این جنگ ناعادلانه که به کارگران تحمیل شده است.

اما چرا آنها میتوانند این جنایات را بر ما وارد سازند؟ بپا نه کارگران شوراهای انقلابی ندارند که در مقابل اینهمه زورگوشی و ستم و بهره‌کشی مقاومت نمایند. اگر هم زودتر دست بکار نشویم و شوراهای برپا نیاوریم، روز بروز در گرداب فقر و بیدختی بیشتر فرو خواهیم رفت.

**رفقای کارگر!**

برای مقابله با حمله سرمایه داران خونخوار و حتی به زندگی فقیرانه خود، برای جلوگیری از بی خانمانی خانواده و بچه‌های گرسنه خود، اولین قدم ایجاد شوراهای انقلابی کارگری میباشد که با اتکال بدان بتوانیم مبارزات حق -

**کارگران مبارز و آگاه!**

مسئولیت شما برای آگاه کردن کارگران و شناساندن نقش شوراهای ولزوم ایجاد آن و شناساندن نمایندگان واقعبینان و همچنین معرفی مزدوران و خائنین و افشا و طرده آنها، سنگین است. بگوئید که این مسئولیت شریف کارگری و مقدس خود را بخاطر آرمان طبقه کارگر بنحوا حسن انجام دهید.

با تشکیل مجمع عمومی شوراهای انقلابی کارگری را برپا سازیم!

شوراهای انقلابی کارگری، اسلحه قدرتمند کارگران در مقابل سرمایه داران! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

به نقل از اعلامیه کمیته کیلان با کمی تغییر

# فنان، مسکن، آزادی

# خلق ها و مسئله ملی



## مقر پاسباران و جانشینان در شهر سردشت دو بار مورد حمله پیشمرگان کومله قرار گرفت.

۵۹/۱۰/۱۱ - شبانه یک دسته از پیشمرگان کومله از ایل شهید (ابراهیم) وارد شهر شده و بعد از کسین گذاری و شناسایی نقاط مختلف شهر در ساعت ۱۱/۵ شب مقر پاسباران و جانشینان و افسر دربانک کنا ورزی را با موشک مورد حمله قرار دادند. در این حمله پیشمرگان، ضرباتی به دشمن وارد آمد که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست.

۵۹/۱۰/۱۵ - در این شب دو دسته از پیشمرگان کومله (از ایل شهید ابراهیم و ایل شهید یزید) وارد شهر شده و در ساعت ۲ تا ۳ مدتی را با پاسباران و جانشینان مستقر در بانک کشاورزی را از حمله سلاحهای سنگین و سنگین مورد حمله قرار دادند. پیشمرگان پس از این حملات با مرمی به پاسبانها و جانشینان خود بازگشتند.

از هنگام حمله پیشمرگان مقرهای دشمن را مورد حملاتی در پی خود قرار دادند. پاسباران و جانشینان ارتش به تیراندازی میسرورد و پراکنده میگردیدند.  
(بغل اجرنا به کومله - شماره ۱۰۷)

## "توبه" و "امان نامه": جنگ روانی در سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد!

سلیبانی خود را با یک ادا حد و هر روز به دروغ و با و تاج هر چه نامیر عنوان میکنند که محبت - نامیر نام محسنی نوزده در کردستان ملامت در سنج نام سروران عده ای سحر کرده بوسه کرده، تسلیم شده و پلاجهای خود را تحویل داده - اند و ضمن گرفتن "امان نامه" "آغوش گرم" اعلام بازگشته اند. "این سلیبانات دروغین از جمله سیوهای کینه شده و سوز زواری در سرکوب جنبشهای انقلابی است که اکنون جمهوری اسلامی پس از آرزوی سوزدهای محفلت سرکوب خلوق کرد آرزوهای برتر را داده است.

حال اگر چه کارگرفتن این سوزدها با ایجاد نوعی جنگ روانی بر علیه خلق کرد و در مجموع حسن بوده ها در سران ایران و در جنبش سرکوب انقلاب و کمونیستهاست، اما تجزیه و تحلیل حرکات این سیاست و اهداف رژیم از آن جهت حائز اهمیت است که کمونیستها در برابر خود در آن با آگاهی کامل از دروغ و غرایبی و سلیبانات کاذب به معنای لغوی مدح و تحسین رژیم جمهوری اسلامی بنا به انقلاب بر خیزند. رژیم از بوسه دادن به معنای "امان نامه" اهداف برتر را نصبت میکند:

۱- تضعیف انقلاب و ایجاد جنگ روانی در جنبش سرکوب انقلاب و کمونیستها:

سلیبانات "توبه" و "امان نامه" لایق است مدح و تالیفات طرفدار رژیم را از این طریق بتواند ضمن ایجاد مستقیم انقلاب، بیرون رسانی ملحق خلق نوزده کمونیستها را بر عصبانیت بخورد و سرکوب کننده جدیدی را بنا بر یک سلیبانات

دو سال از آغاز جنبش مقاومت خلق ایران کرد می گذرد، رژیم جمهوری اسلامی از روز ۵۸ تا بحال برای خاموش کردن آتش جنبش انقلابی خلق کرده با کنکهای مختلفی دست باز کرده است. از محاصره نظامی - امنیاتی کردستان گرفته تا تیراندازی و کشتار در شهرها، قتل عام و سوزن زدن و آتش زدن روساها هیچ کدام نه تنها خلق کرد را از مبارزه باز نداشتند بلکه موجب گشته است که آتش خلق ستم دیده و پیشمرگان ایران با سگان دسوار و دهها و تجارب کربلا در دو سال مقاومت حماسی در سراسر باضربات نظامی و سیاسی خود، رژیم را در سنگنا قرار دهد.

از آغاز گسستن جنگ ایران و عراق و سیاست نوسعه جسیبانی اعتراضی و سندیستالی - انقلابی کمونیستها، ماسار را با خلق کرد سران بتانسیل بلائی بر خورده اند. بدلیل وحشت از همین رویداد انقلابی بود که آیت الله خمینی پیام خدا انقلابی اول بهمن را صادر کرد در قسمتی از این پیام آمده است: "انجاسب بر حسب وظیفه الهامی، اخلاقی و تکلیفی و با حلی کشور عمال رژیم و کردستان و سایرین و حسی ایران بدرا نه بوسه بیکم که به آغوش اسلام و ملت مسلمان برگردد و پلاجهای خود را کنار گذاشته... چه پیر که امروز درهای رحمت خداوند بر روی شما باز است بوضوح سوزده ملایم بیبویندید و در میان اسلام آورده با طریقه زندگی شرافتمندان خود ادامه دهند." (کتابان اول بهمن ۵۹)

اگر چه این پیام با دمیوی پیام با وجود مبارک انقلاب سرکوب مستقیم را در دستور کار قرار داد است اما شکل پیام یکوبه است که در رژیم جمهوری اسلامی تا اسفند ماه آن سوطه حمله کرد. سوزده جدیدی جهت سرکوب انقلاب سوزده جنبش مقاومت خلق کرد را بنا بر یک سوزده است همانطور که خمینی از "تاریک شدن آغوش اسلام" سخن میگوید در رژیم سر لافاطه! سوزده در صورت مدح جنبش

## سربازان به کردستان نمیروند

سعدا را با مدرسه آموزشی چهار ماهه سربازان و طیفه دریا دکان لسترک (سزدیک نهران)، سه هفته برای اعرام آنان سسها دم سوز، هوزن و احوار و سنج که معرینا همه سربازان هوزن و احوار را جهت ادا به سربازی اصحاب میکنند بطوریکه از یک گروهان ۱۲۰ نفری فقط یک نفر حاضر میسوزده سسج بیرو. سوزده ها آکا ها سس. حاضر به سرکوب در سرکوب خلق کرد نیستند و همین امر باعث شده که رژیم ارتش برای ادا به سرکوب کردستان، فرمانها، ادا به سسج نام مزدور با حقوق و مرابای کافی سسباند. زنده با دلاوری خلق ایران کرد!

ارسام خمینی رژیم سسبانی بنا به اسناد این سکنیک سسبانی از سسج خود سسبانی که هر روز با او حکری سسج کمونیستها و سرکوب فعال آنها در سسبانی او حکری سسبانی بوده ای مواج بوده وی سسبانی سسبانی و راهبانی انقلابی کمونیستها در سسبانی سسبانی و وجود سسج همه

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



خلق ها و مسئله ملی

جانبدار انقلاب برای سرکوب مؤید همین امر و شکست رژیم دیرپه کبیری ارضای هوی "توبه" و "امان نامه" می باشد.

۲- ایجاد اغتشاش در اذهان عمومی زحمتکشان کردستان:

از سدا زبانه خمینی، روزنامه های مزدور رژیم، هر روز دروغهای ناخاداری از تسلیم شدن و تحویل اسلحه به پشمگان می یافتند. این سلاح گپنه شده جمهوری اسلامی اگر جنبش مقاومت خلق کرد، جنبشی جدا از توده می بود، تا بدینسانسه می توانست موثر واقع گردد. اما با توجده سه اینکه جنبش مقاومت خلق کرد جنبشی انقلابی و توده ای و اساسا متکی به دهقانان و زحمتکشان آگاه و مسلح گرداست بهمن خاطر نمی تواند در معرض تاثیرات فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرد.

رژیم ضد خلقی حاکم با توسل به این حیل در پی ایجاد اغتشاش در اذهان توده های زحمتکش

شهری و روستائی کردستان و از بیس بردن اعتماد اطمینان و حمایت آنها از پشمگان جنبش است تا در بین زحمتکشان کردستان، بیاسی و بدبینی ایجاد نموده و از این طریق پشمگان را از پشتوانه عظیم توده ای محروم کرده و آنها را بشدت هر چه تما مترسکوب نماید.

۳- تضعیف روحیه تعرضی و انقلابی پشمگان توأم با تشدید حملات نظامی به آنها:

میدانسیم که به لحاظ پراکندگی قوای پشمگنه در دهات و شهرهای مختلف و تسلط نیروهای ضد خلق اعم از ارتش و پاسداران و جانشینان برخی از شهرها پشمگان جنبش مقاومت از نظر ارتباط گیری با یکدیگر در نقاط مختلف، اطلاع از وضعیت جنبه، کیفیت مبارزه و روحیه پشمگان در نقاط مختلف محدود میباید شد. رژیم با بهره گیری از این محدودیت در رادیو و تلویزیون و مطبوعات خود، شایعات دروغین از "توبه" و "تسلیم شدن" و دریافت "امان نامه" توسط پشمگان می پراکند. این تبلیغات به معنای تیری است که رژیم در تاریکی برتاب میکند تا به لحاظ محدودیت ارتباط و اطلاع پشمگان از مناطق مختلف کردستان چنین وانمود کند که جنبش مقاومت خلق کرد در شهرهایی در جهت سقوط به پیش می رود و از این طریق بین دهقانان و زحمتکشان که تحت نام پشمگنه اسلحه بدست میجنگند، احساس ناامیدی ایجاد نموده و آنها را از ادامه سرخشانه مبارزه مسلحانه با زدارد.

۴- انفراد کمونیستها در کردستان، خلق سلاح و سرکوب و حشانه آنها:

همانطور که از مضمون پیام اول بهمن خمینی بر میآید بدرستی میتوان گفت که هدف رژیم زیکا بردن حیل در اذهان "امان" و "امان نامه" خلق سلاح کمونیستها و سرکوب و کشتار و حشانه آنها بویژه در کردستان است. وجود کمونیستها در کردستان و رهبری بالنسبه آنها بر جنبش مقاومت خلق کرده، اما سازمان نداد و پیگیرانه و سازشنا پذیر این جنبش و بیوند دادن آن با جنبش خلقهای سراسر ایران میباشد. رشد و گسترش با یگانه توده ای کمونیستها و قطب بندی کمونیستی در

مقابل رژیم و نوکران روسیوسن بیست و چند ما رزه طبقاتی در ایران و تشدید مبارزه سیاسی نظامی خلق کرد نمی تواند موجب وحشت ارجاع نگردد. بدینسی است که جذب شدن رورا فرون توده های رحمتکشی با او کبری جنبش های توده ای بهما زمانه های کمونیستی تا سیر مستقیم ویلا واسطه های در ارتفاع و رفت و ستد مبارزات خلق کرد در ارد سراسر همان هراس بی پایان ارتجاع ارض کمونیست ها است که مسئله خلق سلاح کمونیستها و نیرو های انقلابی در سیم تخریب مرخصی در دستور کار قرار میگیرد و جمهوری اسلامی تا به حدی کمونیستها بویژه در کردستان، حراس "توبه کردن"، "تحویل سلاح" و دریافت "امان نامه" را مطرح میکند. جدا از آن که کردستان به معنای عرضه تیردقتی کمونیستها با رژیم در عالی - ترس شکل مبارزه، از موقعیت حساسی در جنبش خلقهای ایران از نظر شرکت فعال کمونیستها در آن برخوردار است علاوه بر آنجا که اکثریت هدایت و رهبری بخش وسیعی از نیروهای مسلح خلق کرد توسط کمونیستها، جنبش مقاومت را هر چه آشتی تا بدینتره منی مجبور سازد برای جمهوری اسلامی انفراد و خلق سلاح کمونیستها در این منطقه اهمیت فراوانی دارد

از این روست که هم آیت الله خمینی در پیام اول بهمن بطور پدید آمدن کمونیستها را در کردستان بدکنا رکدا شن و در واقع خلق سلاح دعوت میکند و هم دستکاهای تبلیغاتی رژیم جهت ایجاد اغتشاش و روحیه تسلیم طلبی در پشمگان و جدا شدن آنها از سازمانها، تسلیم و توبه و دریافت "امان نامه" عمدتا توسط پشمگان سازمانهای کمونیست تابع میکنند

سوطه "امان دادن" و "امان نامه" و دروغ تسلیم شدن تدریجی پشمگان که رژیم تبلیغ میکند از جمله سنهای سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در کردستان پشمگان کرد و در مجموع انقلاب است. هنیاری کمونیست ها در سال این سانت با توضیح دروغ بودن ادعاهای رژیم با من خفتی کردن بخشهای رژیم در ضعف روحیه خلق کرد و پشمگان جنبش مقاومت است. کمونیستها با بدمن اقتضای اهداف رژیم از این سیاست بین زحمتکشان کردستان بویژه پشمگان نهرمان، روحیه سلحشورانه و دلانرا نه آنها را تقویت و ارتقا داده و سرخشان ترو آشتی تا بدینتره از هر زمان در راه آرمانهای انقلابی خلق کرد بیکار نماید.



پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد

## موضعگیری درست ما و حمایت توده‌ها، پشتوانه مبارزه ما است

چهارشنبه اول بهمن من به اتفاق رفیق دیگر سرساعت با طمان را برپا کردم. او زایل شد. ما هائی که در مورد "ساواکی‌ها در زندانهای رژیم چه میکنند؟"، "آزادی کروگانها و..." به همراه چند سوار "علیه حزب جمهوری علیه اسرائیلها و..." و "امیرالاسلم..." و "دستور نصب کردیم" از همان آغاز کار در دوروبر همان بلوغ شد و بعد در گرفت، بیرون رجمکنسی که از آنجا در مسدوداً لجه سیرین ترکی آمد کنار ما، سر صحبت را با زگردیم، می پرسند سوسی اس کا غذا (او زایل شده) چی نوشته شده، برایش بوسج دادیم ریمی که انقلابیون و فرزندان انقلابی زحمکشان را در زندانها شکجه میکند به اعتراف خودش جا سوسان آمریکا ثی را در کا خیا نگاه می دارد و... در این موقع فالانژی سر رسید و به یکی از شعارهای افشاگرانه در مورد آزادی کروگانها حمله برد. این عمل او فرصت مناسبی به مزدوران ارتجاع فراهم نمودن حزب جمهوری اسلامی که مدعی در کمین بودند داد با بساط ما را بهم بریزند و با هیچکری و وحشکری مردم را بترسانند و بترسانند. اما ما سبوت در مقابل او مقاومت میکردیم و مردم به حمایت از ما برخاستند، توده‌های ها و اکثریتی هائی که آنجا بودند به طرفداری از مزدوران ارتجاع برآمدند. اما مدبر بوده‌ها همه آنها را همچون ربا لهای به دور انداخت و با لاجره مجبور شدند با پس گردنی مردم محیل را ترک کنند و ما همچنان بکارمان ادامه دادیم، آنچه در این میان به ما نیرو می داد مسئله دفاع انقلابی مردم از فعالیت سیاسی کمونیست ها بود. آری انقلابیون و کمونیستها تنها با تکیه به قدرت توده و در میان توده‌ها میتوانستند به فعالیت انقلابی خود ادامه دهند. بیروزی که در ابتدای گزارش از او حرف زدیم در تمام مدت درگیری با او قراوانی از ما دفاع میکرد او با صریحاً در حمایتی که با او در میان نهاده بودیم او و خود با پوست و گوشت خویش به محبت آن ایمان داشت حرف میزد. و آنچه آن بر سرور صحبت میکرد که گویی این ما در زحمکشان از فرزندانش دفاع میکند.

با رد دیگر اطرافمان کاملاً شلوغ بود و دردی نگذشت که سرو کله مزدوری ریخته که از اسن "مکنسی" ها بود پیدا شد. ما او را مشتاً خشم و میدا بستیم از آزادی رژیم است روزهای بیسی هم اعلامیه‌های ما را بار بار کرده بود. این بار هم میخواست او زایلدها را از بین ببرد ولی سار



با مقاومت ما روبرو شد، کسکین مدعی ادا مسه با تب مردم از هر طرف او را میکشیدند و ما هم بی کدا سیم که دست کنیمن به او زایلدها و شعارها بر سر داد و پس از مدتی سیرک نسا زه ای بیست کسیدند ستر گرفت و گفت احلا من از شما شکایت دارم ما همه بریدان او بی برویم سبیا بیستیم! این حرفها درست است یا نه؟ با سکنه هست یا نه؟!

البته در این فاصله آنها دو نفر شده بودند و مطابق معمول اکثریتی ها بوده‌ای هائی خاشن هم نقش یا منبری ارتجاع را ایفا می کردند.

این دستها فساری میکرد که ما با بساط راجع کسید و کسید ما زه میکسیم، اما ما دفاع میکردیم و میکشیم جرشت دارید یا ره کیندنا همه مردم جوابی این را بدهند آنها از ترس میروم مجبور به عقب نشینی شدند که اگر آکا هی که از آنجا رد میشد حواسالی به ما نزدیک شد و با حسن گفت اسم شما بیکاری ها را گذاشته ایم "بوس کلعت ها" شما همیشه همه جا هستین و مدعی از مبارزه دست بر نمی دارید. بعد چند سوال در مورد هات حاکمه و تضادهای درونی جبهه ارتجاع نمود. و موقع رفتن گفت حفا که حرفهای تان همه درست از آب در آمده، او با آزوی بیروزی، از ما دورند بساط برپا مانده بود. مردم گروه گروه بحث میکردند، و ما همچنان افشاکری میکردیم جمد ساعت از ظهر گذشته بود بساطمان آمدنا ها رخورده ایم، تان و بنیرمان را از کیف مان در آوردیم و در کوشه‌ای مسول خوردن ندیم، تان و بیبری که طعم بیروزی میداد.

با آزوی بیروزی انقلاب  
روده بساط سکا رسوده‌ها!



## از مبارزات دانش آموزان در استان شریعتی یا خچی آباد

حدی بیس در دبیرستان شریعتی یا خچی آباد، مبارزات اعتراضی وسیعی برای جلوگیری از اخراج محصلین مبارز و کسب فعالیت سیاسی برای نیروهای انقلابی روی داد. قصه بدین ترتیب بود که چند تن از دانش آموزان انقلابی در مدرسه مطور علی شریعتی فروختند در این موقع در پی جاسوسی افراد انجمن اسلامی، مدیر مدرسه آن دانش آموزان را به دفتر احضار کرد و سپس حکم اخراج او را صادر نمود.

دانش آموزان به محض اطلاع از خبر، به سرعت جلوی دفتر جمع شده و بیرونی اعتراضات تبدیل به مطا هرات شد محصلین مبارز کمدان صریحاً دمیزید؛ اخراج محصل مبارز، سوتنسه ارتجاع، علیه زحمکشان، اخراج محصل مبارز محکوم است. محصل مبارز مدارتجاع سطررد، فعالیت سیاسی حق مسلم ما است.

کار بجه‌ها به تحمیل میکشید و اکثریت دانش آموزان به حمایت بر میخیزند، چند تن از دانش آموزان انقلابی در جمع دوسان بساط افشاکری دست میزنند. روز بعد سخن بدها ادا به منبیا بد مستول امور شریعتی میکشید با حمله کبری و ظاهرا ساری مبارزات دانش آموزان را به سکت یکساندا و یک سخنرانی مفصل را شروع می کند و می گوید "البته ما بید فعالیت سیاسی آزادماندا مانوظه هرگز نبیا بدنا سد" او از دانش آموزان میخواهد به کلاس بروند ما محمیل ادا به منبیا بدنا س. آموزان بیسری رویه مبارزه می آورند ادا به مبارزات دانش آموزان ارتجاع را و می دارد که ما بسنده آموزش و بیرونی را به مدرسه بفرستد او هم همان حرفهای مستول امور شریعتی را تکرار میکند، می خواهد که بجه‌ها به کلاس بروند و از محصل دانش آموزان انقلابی جلوگیری کبری میکشند در این میان سار در سیمکنسی "مرک بر آمریکا، مرک بر ارتجاع" بر میخیزد و بساط سنده آموزش و بیرونی محور می شود که بسند کورا به بجه‌ها بسیرند ما سنده محاهدنی و ما بسنده کسبه مسرک (هواداران سکار، بر مسدکشان، اقلیت، راه کارگر) بسند بیدافشاکری می بردارند و بر محمیل را بسند کوی امیرالاسلم معرفی میکشند ما بسنده آموزش و بیرونی حمون می بسند بساط اول او کسب خورد بساط با رجه به برمدارند و بسند بساط اول حرف ایست کسبه فعالیت سیاسی آزاد است و آن محصل هم اخراج است و ما هم اگر به محصل ادا به سنده همان را اخراج میکسیم. او می رود بجه‌ها با سار مرک بر ارتجاع محصل مبارز مدارتجاع

# دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!



بقیه از صفحه ۳ از شروع ...

کارگران گردیده که با فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست (از جمله پخش دوشماره نشریه پیکان در این مورد)، موجبات بالا رفتن آگامی کارگران را فراهم میگرد. در چنین شرایطی بود که جنگ ایران و عراق آغاز گردید و مسائل درونی کارخانه را تحت الشعاع خود قرار داد.

رژیم جمهوری اسلامی از تمام وسایل تبلیغاتی خود استفاده میگرد تا با سوء استفاده از آگامی توده ها، آنها را بعنوان گوشت دم توب به جنگ ارتجاعی بفرستند. بدین لحاظ انجمن اسلامی کارخانه های وهوی بسیار موجب گردید که تعداد قابل توجهی از کارگران برای رفتن به جبهه شبت نام کنند. در میان این کارگران کسانی بودند که حتی دوره سربازی را نیز طی نکرده بودند و پرواضح است که تنها بعنوان گوشت دم توب مورد استفاده قرار می گرفتند.

در شرایطی که دارو دستها انجمن اسلامی میدان را برای خوش خدمتی هر چه بیشتر به سرمایه داران خالی میدیدند، خبرگشته شدن یکی از کارگران از جبهه رسید و صدا و را به تهران آورده و تشییع کردند. پس از آن بود که هواپیماهای رژیم ارتجاعی عراق کارخانه ایران ناسونال را بمباران کرده و موجب کشته شدن ۲ نفر و زخمی شدن چند نفر گردید. کارگران که تحت تأثیر این وقایع نسبت به جنگ احساس تنفر می نمودند بدستی مطرح میگردند که "این کارگران که همه جا کشته میشود، ولی سرمایه دارها در بهترین جا های امن زندگی میکنند!"

در همین زمان انجمن اسلامی که قدرتش افزایش یافته بود، روز بروز بیشتر مدیریت را مورد حمله قرار میداد. انجمن اسلامی بخوبی میدانست که مدیریت نیز مانند خودش دشمن طبقه کارگراست، اما تلاش میگرد تا تمامی قدرت را خود در دست داشته باشد. از طرف دیگر دادگاه جنگ رفته رفته کارگران را متوجه می فایده بودن آن مینمود. چرا که جنگ موجب حادث شدن بحران اقتصادی و فشار حاصل از آن بر کارگران و زحمتکشان، گردیده بود. عوامل رژیم برای جلوگیری از فروپاشی توهم کارگران نسبت به جنگ و بهره برداری هر چه بیشتر از آن بر شدت تبلیغات خود در کارخانه افزوده و از جمله "فلسفی" آخوند درباری و مزدور را به کارخانه آوردند تا درباره "فوائد جنگ برای کارگران صحبت کند. همچنین مزدوران رژیم در کارخانه کارگران را تحت فشار قرار میدادند که تولید را افزایش دهند و کارگران مبارز کم کار رو بخت کنندگان نشریه "پیکان" را معرفی نمایند.

آنها کارگران را به قناعت (!؟) و تولید بیشتر دعوت میگردند. اما به ودعت موفق به پیشبرد این هدف فذکارگری خود نشدند: نخست کمیبود مواد اولیه و لوازم بیدکی و دوم مقاومت کارگران در مقابل افزایش تولید. اکثر کارگران میگفتند: ما تولید میکنیم که "مخلفی" و امثال او حاصل کار ما را بزدند؟!!

پس از آن رژیم برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران به حیللهای جدیدی دست زد، از جمله به بیانه کمک به جنگزندگان قسمتی از حقوق کارگران را کم کردند. این عمل بسیار مخالفت و اعتراض کارگران مواجه گردید. بطوریکه انجمن اسلامی را وادار به عقب نشینی نمود. آنها روز ۹/۲ طی اطلاعیه ای اعلام کردند که کمک به جنزندگان اختیاری است. بختی از کارگران هم که نسبت به بیسی مدر توهم داشتند، تلاش میگردند تا سایر کارگران را وادار کنند که کمکهای خود را بحساب بیسی صدر بریزند! اینها که بر علیه یک جناح رژیم و بیسی نفع جناح دیگر (لیبرالها) فعالیت میگردند، عملاً بفرکار کارگران و بیسی سرمایه داران گام برمیداشتند و ذهن کارگران را نیز مغشوش می نمودند. آنها فراموش کرده بودند که چگونه بیسی صدر در سرکوب مبارزات کارگران و سایر توده ها شریک دارو دست حزب جمهوری بود و چگونه در جواب خواست کارگران مبتنی بر ایجاد شوراهای واقعی شان، میگفت: "شورا یورا مالید باید تولید کنی جانم!"

در این میان رویزیونیستهای اکثریت نیز که همواره وظیفه دفاع از منافع سرمایه داران را بعهده دارند، به تبلیغ شعار افزایش تولید می برداختند.

ادامه جنگ و افزایش فشار اقتصادی بر کارگران موجب فرو ریختن روز افزون توهمات کارگران گردید. همچنین تعداد زیادی از کارگران دربار کینگ کارخانه ها می فروش سیکار، نال کردن تخم مرغ و... در صد جبران کمیبود در آمد خود و کرائی سرسام آورده مورد تیشا نشان بودند. از

طرف دیگر بعد از آن دردی معروف، یک کمیبری بنزخا و قسمت خدمات را هم در دیدند! و با زهم طبق معمول مسئله ما ستعالی شد. انجمن اسلامی که در جریان محاکمه عوامل دردی قبل موفق به بیرون انداختن "مخلفی" از کارخانه میشود، به یکه تازی در عرصه کارخانه بی بردارد. اما از آجاشی که کارگران روز بروز بیشتر بیسی ما هیت فذکارگری انجمن اسلامی میگردند انجمن اسلامی برای فریب کارگران بر عوام فریبیهای رنگارنگ خود افزوده و جلسات سخنرانی و نماز وحدت ترتیب میدهد. اما جالب اینجاست که هیچگاه بیسی از ۲۵۰ الی ۲۵۰ نفر در این جلسات شرکت نکرده اند. این تعداد در مقابل بیسی با تعداد چند هزار نفر کارگران کارخانه میزبان نفوذ انجمن اسلامی را نشان میدهد. مضافاً اینکه انجمن اسلامی از طریق سرپرستها کارگران را تحت فشار قرار میداد که در جلسات مذکور شرکت کنند و آنها را تهدید می نمودند که در صورت عدم شرکت اسمشان را وارد "لیست سیاه" خواهند کرد!

اما امواج ناراضی کارگران چنان است که در رابطه با نظاهرات سالروز زکنا شعی دادانگا که از جانب دانشجویان کمونیست ترتیب داده شده بود، بیسی از ۳۰۰ نفر از کارگران خودشان را به تهران رسانده و برای شرکت در نظاهرات به مقابل دادانگا میروند. در این رابطه بعضی از کارگران میگفتند: "چرا دادانگا را بستاند؟ مگر این دانشجویان نبودند که با رژیم شاه مبارزه کردند؟ مگر خودشان نمی گفتند دادانگا ه سنگر آزادی است پس چرا حالا میگویند دادانگا مثل بمب خوشه ای است؟! جنم انداز مبارزات کارگران ایران ناسیونال او جگیری بیشتر از نشان میدهد. خواسته های کارگران از قرار زیرند:

- ۱- پرداخت سود ویژه
- ۲- انحلال انجمن اسلامی و ایجاد شورای واقعی
- ۳- محاکمه علنی "مخلفی" مزدور و رودستها و
- ۴- متوقف شدن حقوق های کلان ۲۲ هزار تومانی
- ۵- بازنمودن درب شماره ۱۴ که بعلت کنترل بیشتر کارگران بسته شده است.

بقیه از صفحه ۳ اعتصاب ...

واقعی شان که صفوف کارگران را متحد و متشکل نمایند و نوطه های سرمایه داران و رژیم مدافعشان را خنثی کنند، هرگز قادر نخواهند بود مبارزات خود را به پیروزی برسانند و در صورتیکه تحت فشار کارگران، کارفرما مجبور به عقب نشینی شده اگر این مبارزات بصورت آگامی ها نهادهای بیسی بد، سرمایه داران مجدداً پیروی کرده و حقوق کارگران را از آنها باز پس نخواهند گرفت.

### "پیکار فولادگر" منتشر شد

اولین و دومین شماره نشریه پیکار فولادگر توسط حوزه ذوب آهن سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر منتشر شد. با امیدا بنگه انتشار مداوم این نشریه بتوانند نقش خود را در ارتقاء آگامی طبقه کارگران ذوب آهن اصفهان ایفا نماید، برای حوزه ذوب آهن سا زمان آرزوی موفقیت میکنیم.

## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



# اخبار مبارزات توده‌ها



## حمایت مردم از دکهداران در مقابل سرکوب رژیم

رژیم جمهوری اسلامی نتوان ازحل معضل بیکاری، در سرتاسر ایران به جمع کردن بساطت‌ها و دکهدا اقدام نموده است تا از سوختی سنافاع تجار کردن کلفت و سرما به داران را که دست فروشان و دکهداران با فروش اجناس مختلف به آنها لطمه میزنند، تا مین کندوا ز سوی دیگر این معضل را از چشمها پنهان سازد. رژیم دینی تحقق این هدف آنجا که از بخشها مه‌ها و اولتینما تومها به دکهداران طرفی نمی بندد، با سوء استفاده از معتقدات مذهبی مردم اعلام میکند "نصب دکهدا یا ثابت خلاف شرع" است (شهردار تهران - کیهان سه شنبه ۳۰ دی ماه) و چون با زهم نتیجه ای نمی گیرد تفنگچیان مزدور خود را برای حمله به بساطت‌ها و دکهدا گسیل میدارد:

تهران : ساعت حدود ۴/۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۷ بهمن با سدا ران سرما به یک دکهدا نوآفروشی در تقاطع دامپزشکی - سلسبیل (رودکی) حمله ور شدند و با جمع آوری کلیه نوآرها و بردن آنها به درون اتومبیل خود، قصد ترک محل را داشتند. یورش وحشیانه تفنگچیان حکومت موجب خشم و اعتراض بساطت‌ها و مردم محل شد. مردم ضمن حنا پیتا از دکهدار به افشا حکومت پرداختند. یکی میگفت "نه تنها شما کار نمیدهند و نمیخواهند خدا قل زندگی ما را تا مین کنند، بلکه میخواهند این کار را هم که در اصل خود نوعی بیکاری است از ما بگیرند" دیگری میگفت "اینها - با سدا ران - از ما و اکیها بدترند" با سدا ران ابتدا خواستند با تهدید و ارباب آنها را متفرق کنند تا بساطت را حتی نوآرها را با خود ببرند. ولی چون بساطت مقامت بیکار چها هالی مواجه شدند، عوام - فریبنا نه میگفتند: "بیرا داران! متفرق شوید" که البته همین جمله خشم مردم را شدیدتر کرد و با پاسخ اینکه "چطور شما سلححات را بطرف ما میکشید، ما را از زنا خوردن می اندازی و بعد هم برادر ما میشوی؟" پرده عواغریبی آنها را دریده و رسوایشان ساختند. با سدا ران بساطت ما شین به میان مردم زدند تا بگیرند، اما جمعیت ضمن دادن شعار "مرگ بر پیتا سدا ران" به دنبال ما شین دیده و در تقاطع آذربایجان - سلسبیل ما شین را گرفتند. هر لحظه تعداد بیشتری به حمایت از دکهدار و اعتراض به عمل وحشیانه پیتا سدا ران پرداختند. با ران مشت و لگدم ما شین سرکوبگران رژیم فرود می آمد، مردم ما شین را پنجر کردند تا نکدا رندا یمن

## تیراندازی بسوی ۴ پیک انقلاب

کریا فریاد را به تبلیغ شعارهای سازمان دادا می دهند. رفقا پس از پایان فروش نشریه متوجه میشوند که با سدا ران ارتجاع مشغول شناسائی آنها بودند. بیگاریان دلار وارد خیابان کارگر شده و از رکناریک اتومبیل آهوی (پراز پیتا) و یک موتور سوار (با عینک دودی) میگذرند و برای رفتن به خیابان ۱۶ آذر وارد یک کوچه میشوند. رفقا متوجه میشوند که موتوری پشت سر آنها حرکت میکند و چون شک میکنند خود را به کناری میکشند و به عقب برمیکردند. رفقا یمن همان موتور سوار را می بینند که فرد دیگری بساطت عینک دودی پشت او نشسته است. فرد دوم پس از گذشتن موتور از کنار رفقا دست در حیب کرده و یک کلت ۱۴ در آورده و بطرف رفقا تیراندازی مینماید. اما رفقا با جا بکی و تیزهوشی به طرف دیواری دویده و خوشبختانه تیر به هیچکدام اصابت نمی کند. در اثرصدای شلیک مردم از خانه ها بیرون میریزند و با سدا ران موتور سوار فرار میکنند. دور رفیق بیگاری در مورد توطئه ترور و علت آن توضیح داده و از حقانیت آرمان طبقه کارگر دفاع میکنند و نشان میدهند که کمونیست - ها به خاطر آگاهی زحمتکشان و پیروزی انقلاب برای هرگونه جانفشانی آماده اند.

درد بر بیگاری رگران قهرمان، بیک های انقلاب و پیتا آوران آگاهی که شجاعانه و دلورا نه بخاطر آزادی طبقه کارگر، از جان خود میگذرند و زبونی ابزارهای سرکوب ارتجاع را در مقابل ازاده آهنین و مبارزاتی خویش به اثبات میرسانند!

پاسداران ارتجاع ۲ رفیق بیگاری را به موبه بهایانهای شرق تهران می برند.

ساعت ۹ شب ۲۹ دیماه ۵۹، دور رفیق بیگاری - کرد رحین شعار نویسی در خیابان "پیروزی" توسط سرنشینان پاسدار (با لباس شخصی) یک اتومبیل ب-ام - و دستگیر شده و با کتک و شکنجه به بساطت‌های شرق تهران (نزدیک رود - هن) برده میشوند و پس از فحاشی و توهین بسیار آنها را تهدید به "اعدام" میکنند. با سدا ران مزدور در نقطه ای دور از جاده ملی توقف کرده و رفقا را بزور زما شین پیتا ده کرده و با تا کید بر "بیگاری" بودن رفقا به شکنجه آنها پرداخته و آنها را مجبور به دویدن کرده و در همان زمان بر بالای سرفقا شلیک میکنند بیگاری رگران قهرمان با استفاده از تار یکی شب و از طریق "جنگ و گریز" موفق به فرار شده و پس از مدتی خود را به جاده ملی رسانده و از منطقه فرار می کنند و با هشاری و مقامت خود توطئه پاسداران ارتجاع را با شکست رو برو میسازند.

توطئه ترور ۲ رفیق بیگاری گرد رتهران با شکست رو برو شد.

## ... و هوزندان، سنگری از مبارزه

وا ز وحشگری پاسداران هنگام تفتیش خانه صحبت کرده و از مبارزه فرزندان نشان دفاع میکنند. آنها تصمیم میگیرند متحدانه برای آزادی فرزندان نشان مبارزه کنند (۵۹/۱۱/۱۲)

**ساری**  
در هفته های اخیر زندانیا انقلابی ساری نیز صدای اعتراض خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی بلندتر کرده و دست به اعتصاب غذا زده اند. بیگاریان ساری بر توان تریبند!

از هفته دوم بهمن ما ه انقلابیون زندان در زندان "دادگاه انقلاب" واقع در خیابان "سیاه" اعتصاب غذا کرده اند. در ملاقات ۶ - ۵ دقیقه ای که ما دران این انقلابیون بساطت فرزندان نشان داشتند با چهره های پریده رنگ مبارزین رو برو میشوند که در اعتراض به رژیم و شرایط وحشیانه زندان روز چهارم اعتصاب غذا را پشت سر میگذاردند. ما دران مبارز شروع به اعتراض کرده و به افشاکاری میپردازند

به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها بشتابیم

مزدوران از جنگشان بگریزند، تعقیب پاسداران توسط مردم به سوه آمده تا تقاطع آزادی - سلسیل کشیده شد با ساران برای اینکه خود را خلاص سازند به اسلحه متوسل شده و شروع به تیراندازی هواشی کردند و سراسر آنجا مردم تراز همیشه فرا را برقرار ترجیح دادند، اما مردم می دانستند که این مزدوران با زبانه همان محل با زخوا هندگشت و بخاطر جمع کردن نیروی بیشتر گرفته اند لذا همه به محل قبلی بازگشتند، دقایقی بعد تعداد زیادی با سار و کمیته چی مسلح برای انتقام - جوئی و جبران شکست فضاحت باران به خیا بان سلسیل لشکر کشی کرده، خیا بانها را بسته و به ضرب و شتم مردم پردها خند و با استفا ده از تاریکی شب ۳۰ الی ۴۰ نفر را دستگیر نموده و با خود بردند درگیری تا ساعت ۸ شب ادامه داشت.

رژیم جمهوری اسلامی بیهوده می پندارد که بر سر تگورستانی آرام میتواند سیاستهای ارتجاعی خود را اعمال نماید، جهنمی که ذکر شد خود بیباک نگریمار زه و مقاومت دکده داران زحمتکش و حمایت بیدریغ مردم از آنان می - باشد و اینکه رژیم با دگی نمیتواند جنبش دکده داران را سرکوب نماید.

## زحمتکشان محله ایبوردی، "استاندار" را فراری دادند!

● شیراز،

"ایبوردی" یکی از محلات زحمتکش نشین شیراز است که در شمال شرقی شهر واقع شده است، زحمتکشان این منطقه اجباراً منازل خود را با حداقل امکانات در دروئی تهیه ساخته اند و کاملاً از نظربهداشتی و رفاه در مضیق و نا را حتی بسر نمیبرند، در روزهای آخر دیماه گروهی از زحمتکشان بی مسکن محله - ممداره زمینهای دولت و سرمایه داران اقدام به ساختن خانه برای خود نمودند که مطابق معمول رژیمهای ارتجاعی یا یورش حافظان سیستم روبرو شد، و در ۷/۱۱/۵۹ شهر با نسبی اقدام به دستگیری ۳ نفر از جوانان محله نمود که هنوز در زندان هستند، استاندار مرتجع شیراز برای منحرف ساختن ذهن مردم زحمتکش و در جهت دفاع از "دوستان" زمیندارش روز جمعه ۱۰ بهمن همراه عده ای ای پاسدار و افسر شهر بانی برای سخنرانی به این محله آمد و مردم را در مسجد گرد آوردند تا به سخنان وی گوش دهند، حدود ۷۰۰ نفر در مسجد حضور داشتند حبیبی استاندار مرتجع به تمجید و تحسین جمهوری اسلامی پرداخته و مردم را علیه نیرو - های انقلابی و کمونیست تحریک میکرد، او میخواست به مردم بقبولاند که آنها برخلاف گروه - های "منحرف" که شعار "نان، مسکن، آزادی"

... میدهند برای "اسلام" مبارزه میکردند... هنوز سخنرانی وی ادامه داشت که چرا غمهای مسجد بطور ناگهانی خاموش شد (در واقع سرق مسجد قطع شد) و مردم حاضر در مسجد با هوکسردن مانع از سخنرانی استاندار شده و شروع به دادن شعارهایی چون "مرگ بر جاشی" "مرگ بر بهشتی"، "مرگ بر حبیبی" و... نمودند و آقای استاندار و اطرافیانش وحشت زده با پای برهنه با به فرا رگذاشتند، جمعیت به دنبال فرار از استان و همراهانش پس از مدتی بحث و گفتگو متفرق شدند، آنچه که در این واقعه اهمیت داشته عدم طرفداری مردم از جناح رقیب یعنی لیبرالها بود و فقط از گوشه ای شعار "درود بر بنی صدر" بلند شد که در فریاد مردم خفه شد و این امر نشان دهنده ماهیت مترقیانست حرکت اکثریت زحمتکشان این منطقه بود که عامل نابامانی خود را نه یک جناح از رژیم بلکه کل هیئت حاکمه میدانند، و اگر این حرکت با آگاهی طبقه ای در هم آمیزد، همان بر سر رژیم جمهوری اسلامی خواهد آمد که دو سال پیش برای رژیم شاه آمدال استه این بار با یک رهبری آهنگین و انقلابی! و چنین باد!

## در نظاهرات ۷۰ هزار نفری کرمان شعارهای انقلابی و کمونیستی طنین افکن بود

در روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن کرمان شاهد نظاهرات عظیمی بود که بنا به گفته شاهدان عینی حتی در دوران قیام نیز سابقه نداشته است.

روزه شنبه ۱۶/۱۱/۵۹ یکی از دبیران کرمان بنام "علی فدایی" در ساعت ۱ بعد از ظهر توسط پاسداران جهل و سرما به ترور میشود، در پی این ترور، مردم زحمتکش کرمان با برپایی نظاهرات ۷۰ هزار نفری در روز شنبه اعتراض و نفرت خود از رژیم جمهوری اسلامی را با استراز دادند، روز شنبه شهر بحالت تعطیل درآمد و هزاران نفر از مردمی که از ظلم و ستم و کورانی و فقر مبتدی آمده اند، با دردست داشتن پلاکاردهایی با مضامینی همچون "تا رژیم سرما به داری وابسته هست ترور و سرکوب اختناق هم خواهد بود" و "شواکرت بنیشتی، من اگر بنیشتیم، چه کسی بسر خیزد" از ساعت ۱۰ صبح از فحل اداره آموزش و پرورش و خیا بانهای اطراف به حرکت درآمدند، علیرغم تلاش لیبرالها برای مهار کردن خشم و نفرت انقلابی توده های زحمتکش، نظاهرات آکنده از شور و انقلابی مردم به علت رهبری نیرو - های انقلابی و کمونیستهای بویزه رفقای مسلمان می یافت شعارهای انقلابی "پاسدار با سار حامی سرما به دار" "ترور و سرکوب، اختناق، به نفع امپریالیسم علیه مردم ما" و "مرگ بر ارتجاع مرگ"

برای آمریکا "خیا بانها را در بر گرفته بود، مردم به طرف گورستان شهر حرکت کردند، بدنبال سخنرانی دختر شهید علی فدایی و تبریک گفتن شهادت پدرش به خمینی و بنی صدر با ردیکر لیبرالها تلاش کردند که از ادامه نظاهرات و افشاکری دوستان شهید جلوگیری کنند اما به علت شرکت فعال کمونیستها و نیروهای انقلابی مردم از گورستان بیرون آمده و ضمن حمایت از نیروهای انقلابی با دادن شعارهای "نه لیبرال، نه حزبی، مرگ بر هردو تا شون"، "اتحاد مبارزه پیروزی" و "جاسوس آزادمیشه معلم کشته می شود" خروش و خشم انقلابی خود را به نمایش گذاشتند، جمعیت پس از رسیدن به مقابل دفتر تبلیغات اسلامی در خیابان زریف با اشاره به آن شاعری دادند: "این لانه جاسوسی کرمان است" "نگاه جمعیت در طول مسیر را همیشه می دان مشتاق را با فریادهای "زندانی سیاسی به همت توده ها از دبا بید کرد"، "دا نشگاه این سنگر آزادی، به همت توده ها گشوده با بید گرد و... بلرزه در آوردند، راهپیمایی انقلابی مردم در مقابل اداره آموزش و پرورش بیابان رسید و مردم قرار گذاشتند که روز یکشنبه ۱۹ بهمن نظاهرات مجددی بزرگوار نمایند.

علاوه بر این دوروز، روز دوشنبه ۲۰ بهمن دانش آموزان، اکثر مدارس شهر تعطیل کردند و با نیروهای ارتجاعی پاسدار و غیره مصافحه مفا بله نمودند.

## مبارزه زندانیان سیاسی در قزوین

ساعت ۹ شب ۲۸ دیماه ۵۹، پاسداران ارتجاع بطرز مشکوکی قصد انتقال ۳ نفر از زندانیان انقلابی زندان "چوبین" در قزوین را داشتند که با مقاومت شدید زندانیان سیاسی انقلابی آن زندان مواجه میشوند، زندانیان ارتجاع از مقامات انتظامی رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب زندانیان "کمک" میخواستند و روسای شهر بانی و زندان در زندان حاضر شده ولی موفق به درهم شکستن مقاومت انقلابیون در بند نمی - شوند و در نتیجه پاسداران جهل و سرما به بجان زندانیان افتاده و علاوه بر آزار و اذیت و کشتن زندان آنرا، مبارزین در بند را تهدید به اعدام می نمایند، مقامات مرتجع رژیم، زندانیان انقلابی و کمونیست را دوباره "محا کمه" کرده و به مدت زندانی آنها میافزایند و برخی از انقلابیون در بند را به زندانهای شهرهای دور نظیر بندر عباس، یزد و... تبعید میکنند، خانواده های زندانیان سیاسی پس از اطلاع از انتقال فرزندان شان به نقاط دیگر با خشم و نفرت نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتراض میزنند.

مقدمه:

اخیراً رفقای "وحدت انقلابی" در رابطه با بحران درونی تشکیلات، مبارزه ایدئولوژیک درونی خود را علنی نموده و با انتشار ضمیمه انقلاب (ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی) آنرا بعنوان راه حل خروج از بحران ارزیابی نموده اند.

طبیعتاً ما بعنوان یک نیروی کمونیستی وظیفه خود را نستیم که در حد داده های موجود با بحران درونی این رفقا برخورد نموده و نظرسنجی را بصورت مختصر در باره اینکه هم اکنون حلقه اصلی برخورد به بحران موجود در رفقا از چه کانی میگذرد، ارائه دهیم.

هم اکنون دو سال از مشاجره نسبتاً فعالی که در جنبش کمونیستی میهن ما در باره دیدگاه اشتلاف در مسئله وحدت جنبش کمونیستی جریان دارد، میگذرد. این دیدگاه خوشبختانه به برکت مبارزه ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی، تا حدود زیادی بی اعتبار شده و در عرصه عملی نیز اثرات زیانبار خود را در تمام تشکلاتی که بدام چنین دیدگاه فدمادارکیستی افتاده اند، نشان داده است. اما متأسفانه هنوز آنطور که باید، این انحراف کاملاً خرد نشده و برخی از نیروهای جنبش کمونیستی، دچار این انحراف به شکل گوناگون آن هستند. ما علیرغم آنکه در دوره کنفرانس وحدت در مقابل این انحراف ایستادگی لازم را نمودیم و مبارزه نسبتاً فعالی را پیش بردیم، اما بعدها مبارزه خویش را با این انحراف که تجسم تمام عیار خود را در تشکیلات دوران گذار وحدت انقلابی پیدا کرده بود، ادامه ندادیم و از این باب خود را مقرر و قابل انتقاد میدانیم. بخصوص که ما اولین و تنها نیروئی بودیم که در این باره نظرات مشخص و روشن داشته و از ابتدا (علیرغم اینکه یک دوره در جریان کنفرانس با این انحراف مماشات نمودیم) به مقابله با آن برخاسته بودیم.

جوهر دیدگاه اشتلافی "تشکیلات دوران گذار" علیرغم مبارزه ایدئولوژیک که در دوره کنفرانس وحدت با آن شد، خیره سرانه بر انحراف خویش، بافتناری نمود و شکل "وحدت انقلابی" رایجی - ریزی نمود. مدت زیادی از عمر وحدت انقلابی نگذشت که این رفقا دچار بحران و بن بست شده و در جستجوی راه حل بحران هستند.

طبیعتاً ما از اینکه بخش وسیعی از این رفقا توانسته اند به انحراف "تشکیلات دوران گذار" پی ببرند خوشحالیم. نظرات این رفقا که در دیدگاه سوم تجلی یافته است، کاملاً بسیار مثبتی بوده است که برداشته شده و در صورتیکه با زهم تعمیق یابد، میتواند ندیای نفی فوری و عملی تشکیلات دوران گذار، برای همیشه جنبش کمونیستی را از این انحراف شستشود. بحران "وحدت انقلابی" و گسترش یک جریان

# تداوم انحلال طلبی در پوشش نوین! تقدیمی بر مبارزه ایدئولوژیک علنی "وحدت انقلابی"

گاه و طردا انحرافات است که پوپولیسرها در عرصه های سیاسی و سازمانی جا نشین می کنند. و با دیدگاه های انحلال طلبانه خود در جهت ایجاد حزب راستین طبقه کارگر انحلال می نمایند.

پس از گذشت مدتی که انتشار نشریه وحدت انقلابی متوقف شد و بحران درونی "وحدت انقلابی"

سال که به نفی تشکیلات دوران گذار رسیده است، در عین حال نشانه موفقیت جنبش کمونیستی در طرد و فشای انحراف فوئی میباشند و از این بابیت کمونیستها وظیفه دارند در برخورد با بحران و بن بست رفقا، با ریشه یابی عللی که این رفقا را به بن بست انداخته است، برخورد نموده و رفقای "وحدت انقلابی" را در طردا انحراف فشان باری رسانند.

باید جنبش کمونیستی را از این انحراف که به ایدئولوژی کم بها میدهد، اختلافات ایدئولوژیک و طبقاتی را در پوشش ابهامات و مسائل معرفتی می پوشاند و کوشش دارد تشکیلات پوپولیسستی را جایگزین تشکیلات پرولتری نماید و بدین ترتیب پرولتاریا را از تشکیلات خویش محروم سازد و بالاخره با توجیهات عوامفریبانه کوشش دارد جنبش کمونیستی و تشکیلات آنرا به انحلال بکشاند، شستشوداد.

بها و ج خود رسید، ضمیمه انقلاب "ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی" انتشار یافت، رفقای وحدت انقلابی در توضیح علت انتشار رعلنی مبارزه ایدئولوژیک را اختلاف نظر در ارزیابی بحران و علل ایجاد دکننده آن و راه حل آن ذکر نموده و از میان طرح های گوناگون، طرح انتشار علنی مبارزه ایدئولوژیک مورد تمویب اکثریت رفقا قرار گرفته است و قرار شده "مطابق این طرح دیدگاه های موجود در تشکیلات (که در نشریات داخلی مطرح شده بود) نظریات خود را در باره مسائل برنامهای سیاسی و سازمانی از طریق نشریه در فشار انقلاب و ضمیمه انقلاب (ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی) در معرض برخورد و داورى جنبش قرار دهند و دست آخر رفقا انتظار دارند که "این شیوه نه تنها به حل صحیح و اصولی مشکلات "وحدت انقلابی" کمک کند، بلکه بمنابها می مثبت مورد استقبال جنبش کمونیستی میهن ما نیز قرار گیرد" (ضمیمه انقلاب - شماره ۱)

آنچه در اینجا مورد بررسی ما قرار میگیرد، توضیح تداوم انحلال طلبی در پوشش جدید در طرح کنونی و نگاه کوتاهی به درکهای گوناگون موجود در "شکل" وحدت انقلابی است.

برای بررسی آنچه اکنون در مورد "وحدت انقلابی" پیش آمده، ضروری است نگاه کوتاهی به تئوری فدمادارکیستی "تشکیلات دوران گذار" که عامل "وحدت" بخشنده و همچنین عامل ایجاد

ما در عین استقبال از جریانی که به نفی و طردا انحراف فوق برداخته، تا کید می کنیم که نباید از تاثیرات بسیار منفی و مخرب که این انحراف در جنبش کمونیستی، در منحراف و منفعل نمودن بسیاری از کمونیستهای انقلابی، در لووت کردن وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد آشفتگی در جنبش، نسبت به امر وحدت، در فراموش نمودن خوراک تبلیغاتی برای دشمنان جنبش کمونیستی یعنی رویزیونیستها و... بجای گذاشته است، بی تفاوت گذشت.

تاثیرات مخرب این انحراف تنها نمیتواند با انتقاد دبیرحما نه و درسی آموزی کمونیستی و بخصوص با بیگیری در مبارزه برای طرد و فشای کامل این انحراف جبران شود. باید جنبش کمونیستی را از این انحراف که به ایدئولوژی کم بها میدهد، اختلافات ایدئولوژیک و طبقاتی را در پوشش ابهامات و مسائل معرفتی می پوشاند و کوشش دارد تشکیلات پوپولیسستی را جایگزین تشکیلات پرولتری نماید و بدین ترتیب پرولتاریا را از تشکیلات خویش محروم سازد و بالاخره با توجیهات عوامفریبانه کوشش دارد جنبش کمونیستی و تشکیلات آن را به انحلال بکشاند، شستشوداد.

کوچکترین تزلزلی در برخورد با این انحراف بمنابها ندادن دوباره بدان میباشند و از این نظر با زهم تا کید می کنیم در شرایطی که جنبش کمونیستی ما دوره بی ریزی حزب طبقه کارگر را میگذراند، قوام یافتن میانی سیاسی - ایدئولوژیک حزب، مستلزم مبارزه با این دید-

## پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

بحران در این گروه بوده است، بیایند ازیم و بطور مختصر آنرا فاشات محوری در طرح "تشکیلات دوران گذار" مورد بررسی قرار دهیم.

۱- تئوری "تشکیلات دوران گذار" اکونومیستی است: بر اساس این تئوری، عامل ششگانه آیدئولوژیک موجود در جنبش کمونیستی، پراگندگی گروهها است که هر یک به تنهایی با "پرا تیک محقر خود" قادر به تدوین تئوری انقلاب نیستند و مشکل اصلی جنبش کمونیستی نه ششگانه آیدئولوژیک بلکه پراگندگی سازمانی است. از این رو در آن راه حل، مسئله تشکیلات عمده میشود و طرح پیشنهادی ناظر بر زدودن پراگندگی تشکیلاتی است و گویا به اعضا را بجا دچنین وحدت تشکیلاتی ای میتوان به وحدت آیدئولوژیک دست یافت!

این نگرش اکونومیستی، پراگندگی تشکیلاتی را معلول ششگانه آیدئولوژیک ندانسته و در ارزیابی از رابطه آیدئولوژی و تشکیلات، تشکیلات را مقدم بر آیدئولوژی میدانند. چه راه حل پراگندگی صفوف کمونیستها و وحدت تشکیلاتی را در کسب و ایجا دو وحدت آیدئولوژیک ندانسته و بالعکس خود این وحدت آیدئولوژیک را ناشی و منتج از وحدت تشکیلاتی میدانند. چنین است که به ما مراد آیدئولوژی کم بها میدهد و تشکیلات را بر آن مقدم می نماید. بدین ترتیب اکونومیسم را در مروجت تئوریزه می نماید. این درک اکونومیستی آنچنان به نقش آیدئولوژی و تئوری کم بها میدهد که میباید تئوریزه و آیدئولوژی هر گروه را "پرا تیک محدود و محقر" آن گروه نشأت میگیرد، و از این رو چون بسیاری از گروهها دارای پرا تیک گسترده نبوده و سرتا - سری نیستند و از امکانات تشویریک وسیع برخوردار نیستند، نمیتوانند به تئوریزه انقلاب دست یابند. این درک تحقیر گرایانه نسبت به تئوری، تئوری را نه محصول جمعیتهای پرا تیک اجتماعی، سالیان سال مبارزه طبقاتی که در اندیشه ما ل متبلور شده است، بلکه نتیجه پرا تیک تک تک افراد و پرا تیک محقر هر گروه میدانند. بر اساسی با چنین دیدی ساده اندیشانه چگونه ممکن است پذیرفت و باور کرد گروه آزادی کار با آنهمه پرا تیک محقر و محدود میتوانسته است در تدوین و کشف تئوری انقلاب نظرات درست و شگرفی را ارائه داده باشد؟!!

چنین است که درک این دیدگاه نسبت به مسئله آیدئولوژی و تشکیلات، تئوری و پرا تیک درکی است اکونومیستی و تقلیل گرایانه.

۲- تئوری "تشکیلات دوران گذار" رپولیستی است!

تئوری دوران گذار رنه تنها از زاویه های اکونومیستی به منفی نقش آیدئولوژی و تئوری میپردازد، بلکه از زاویه های رپولیستی (تسام خلقی) گرایشات متقاوت آیدئولوژیک موجود در جنبش کمونیستی را که ناشی از گرایشات طبقاتی آنهاست، منفی کرده و آنها را ناشی از

"ابها مات" وضع "معرفتی" میخوانند: "اعتقاد ما بر این است که مسائل آیدئولوژیک موجود پیش از آنکه نماینده اختلافات آیدئولوژیک و نماینده سیستمهای فکری متقاوت باشند، بیانشگر ابها مات و بنا روشنی هائی در مسائل تشویریک است. ه از همین رو در اکثر موارد این اختلافات را نه طبقاتی بل معرفتی ارزیابی میکنیم" (صفحه ۱۳) جزوه وحدت مسئله مرکزی و محوری ...

بدین ترتیب بر اساس این نگرش، گرایشات اپورتونیستی و رپولیستی موجود در جنبش کمونیستی که حتی در مواردی نیروهای رابسه کمپ فدا شقلاب را ندانند، (مانند اتحادیه، اکثریت ... ) نه ناشی از منافع طبقاتی آنها بلکه ناشی از معرفت وضع تشویریک ... است. از این سادهلوحانه تر نمیتوان مضمون طبقاتی تشویری و آیدئولوژی را مخدوش نموده و آنرا تا

وسیع از آن، یعنی رفقای مربوط به دیدگاه سوم "به رد تشویریهای دوران گذار دست زدند. ۳- تئوری تشکیلات دوران گذار انحلال طلبانه است!

بی شک با درک روشنفکرانه و غیر طبقه ای که "وحدت انقلابی" از علل اختلافات آیدئولوژیک - سیاسی درون جنبش را ارائه داده است راه حل مطروحه از جانب آنان نیز از محدوده درکهای آکادمیستی و غیر طبقه ای نمیتواند خارج شود. راه حلی که وحدت تشکیلاتی را به منظور انجام یک همکوشی تشویریک برای دستیابی به وحدت آیدئولوژیک تبلیغ میکند، نشان میدهد، تئوری را نه در متن مبارزه طبقاتی، بلکه در گردهما هائی نظیر "کنفرانس وحدت" و امثالهم میخواند کشف و تدوین کننده.

تشکیلات کمونیستی جزا بزاری در خدمت سازماندهی و هدایت مبارزه طبقاتی پرولتاریا

**● راه حلی که وحدت تشکیلاتی را به منظور انجام یک همکوشی تشویریک برای دستیابی به وحدت آیدئولوژیک تبلیغ میکند، نشان میدهد که تئوری را نه در متن مبارزه طبقاتی، بلکه در گردهما هائی نظیر "کنفرانس وحدت" و امثالهم میخواند کشف و تدوین کنند.**

نیست. و وحدت تشکیلات در گروه وحدت اندیشه و آیدئولوژی است. اگر تشکیلاتی فاقد وحدت اندیشه و آیدئولوژی باشد، در مدتها قدامت عمل بوده و نخواهد توانست اساسا نقش در مبارزه طبقاتی پرولتاریا ایفا نماید. به اعتبار چنین درکی ما معتقدیم "تشکیلات دوران گذار" که فاقد وحدت اراده و اندیشه است، طبعا فاقد وحدت عمل بوده و از آنجا که بعنوان ابزاری کمونیستی و در خدمت مبارزه طبقاتی پرولتاریا قرار ندارد، قادر نخواهد بود تئوری انقلاب و خط مشی پرولتاری را کشف و تدوین نماید. تنها انحلال طلبانه که نقش کمونیستها را بسا آکادمیستها اشتباه میگیرد و تئوری انقلاب را نه محصول جمعیتهای مبارزه طبقاتی در هر سه شکل خویش (آیدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی) بلکه امری آکادمیک و صرفا "تحقیقی" دانسته و برای دستیابی به آن گردهما هائی و همکوشی های تشویریک را کافی میداند نمیتواند چنین ادعا هائی را بکنند. بر راستای چنین درک آکادمیک و انحلال طلبانه ای است که از گروهها دعوت میشود تشکیلات خود را منفی کرده و در حقیقت از شرکت در مبارزه طبقاتی خودداری ورزند و جدا از شرکت در مبارزه طبقاتی، با یک همکوشی تشویریک مگانیکی، به تدوین خط مشی و برتنامه بپردازند. جوهر انحلال طلبانه این تزهانها در جدا کردن مبارزه آیدئولوژیک از مبارزه طبقاتی پرولتاریا است. و بر اساس چنین سیستم فکری است که انحلال تشکلات، خودداری از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و منفی مبارزه آیدئولوژیک اصولی برای دستیابی به وحدت و جایگزینی اختلاف، تئوریزه میگردد. در حالیکه از نظر کار ما رکیستی تدوین تئوری انقلاب در

سطح "دانشی" که "منحرفین" بدان دست نیافته اند با ثن آورد بر اساسی این رفقا چه درک می از موضعگیری های سیاسی نیروهای اجتماعی دارند. آیا میباید رنه ضعف تشویریک، آنها را از یکدیگر متمایز کرده و آنها را از ادراک ربه اتخاذاذ مواضع گوناگون نموده است؟! اگر درست است که این نیروهای نامبرده کمونیست هستند و در مبارزه طبقاتی منافع سیاسی پرولتاریا را نمایندگی میکنند، پس چگونه انکاس منافع سیاسی طبقه کارگرداران تشکلات انکاس می - یا بد؟! یا بجز از طریق موضعگیری های سیاسی آنها که نمایانگر منافع طبقه کارگردارانند باشد؟! اگر این بدیهیات را بپذیریم، چگونه خطرات گوناگون که انکاس منافع طبقاتی متما بیزا زهمدیگر است ... فاقد هویت طبقاتی معرفتی گشته و "معرفتی" خواننده میشود. آیا این جزئی آیدئولوژی پرولتاریا، بجز تبلیغ آشتی آیدئولوژیک، جز رواج تفکر تمام خلقی نسبت به انحرافات غیر پرولتاری و جزء قائل شدن به خط مرزی بین خط مشی پرولتاری و غیر پرولتاری است؟

لیکن اگر بپوش "وحدت انقلابی" قادر به درک چنین حقیقتی نبود، منطق شوخی نا پذیر مبارزه طبقاتی، این حقایق را بعیان نشان داد. پلاریزه شدن جنبش کمونیستی، قطب بندی شدن گرایشات آیدئولوژیک، خارج شدن نیرو - هائی از جنبش کمونیستی و پیوستن آنان به رپولیسیسم، انشعابات متعدد در جنبش کمونیستی، همه و همه ناشی از منافع طبقاتی گوناگون بوده که هویت آیدئولوژیک - سیاسی متما بیزا یکدیگر را بنمایش میگذاشت. و بالاخره این مرز بندی های طبقاتی - آیدئولوژیک را منکسر خود "وحدت انقلابی" نیز شده و بپوش

# بزرگداشت سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن زیر پرچم سرخ کمونیستها



پرچم سرخ و این نشانه کمونیسم، در سراسر تظاهرات در اهواز نهد.

برای بزرگداشت دومین سالگرد قیام خونبار بهمن ۵۷، سازمان ماورقنای "رزمندگان" مشترکا اقدام به برگزاری تظاهرات در روز ۲۲ بهمن نمودند، که توسط سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) مورد پشتیبانی قرار گرفت. طبیعی است که نیروهای حق برگزاری تجلیل از قیام بهمن ماه ۵۷ را داشتند که قاطعانه در راه آزادی زحمتکشان و درکنار آنان با امپریالیسم ورژیم سرمایه‌داری وابسته شاه مبارزه کرده و این مبارزه را تا پیروزی نهایی ادامه می‌دهند. کمونیستها و نیروهای انقلابی می‌بایست با برگزاری مراسم مستقل و باشکوه ضمن بزرگداشت دستاوردهای قیام، چهره واقعی رژیم جمهوری اسلامی را با نشان دادن عملکرد سنگین دوساله - اش برای توده‌های زحمتکش افشا می‌کنند. کمونیستها وظیفه داشتند که نشان دهند بیش از هر نیرویی حق برگزاری چنین مراسمی را دارند چرا که نه تنها در زمان حاکمیت رژیم ضد خلقی شاه پیگیری‌ترین انقلابیون بودند، بلکه این مبارزه را همچنان بر علیه نظام سرمایه‌داری وابسته ورژیم حافظ و مدافع آن یعنی جمهوری اسلامی نیز ادامه می‌دهند. آری آنها می‌بایست به توده‌ها نشان دهند که رژیم جمهوری اسلامی و هر دو جناح مرتجع آن (لیبرالها و حزب جمهوری) که از اولین روز پس از قیام، کلیه دستاوردهای آنرا لگدمال کرده و به سرکوب زحمتکشان، خلقهای فقیر مان کرده، ترکمن، بلوچ، عرب و... پرداخته و مبارزات کارگران و بیکاران را با خون کشیده و در دامن نشگاهها کشتار کرده و... بهیچوجه حسی برگزاری چنین مراسمی را ندارند و بر این اصل بودند که سازمان ماورای برگزاری مراسم بزرگداشت به زیر پرچم سرخ کمونیستها با فشاری کرده و همراه با سازمان رزمندگان اقدام به دعوت برای راهپیمایی چهارشنبه ۲۲ بهمن نمود. (اما در این میان مجاهدین خلق ایران در تعقیب تزلزلات لیبرالی‌شان بدنیال بورژوازی روان شده و با شرکت در مراسم لیبرالها و سخنرانسی بنی صدریکبار دیگر نشان دادند که در برخورد به لیبرالهای مرتجع، دچارنا پیگیری شدنی هستند، اما نیروهای رویزیونیستی از جمله حزب خاشاک توده و مرتدین "اکثریت" چون همیشه به چاکرمنشی خود درقبال ارتجاع حاکم ادامه داده و بویژه به مجیزگوئی از "حزب جمهوری اسلامی" پرداختند، این خاشاکین که زندگی انگلی خود را با افتخار گریهای بی‌امان و نیروه‌سای کمونیست در خط می‌بینند، در خوش رقصی برای ارتجاع بر علیه نیروهای کمونیست به فحاشی پرداخته و نیروهای سرکوب رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را برای سرکوب کمونیست‌ها را همتا می‌کنند و در مقابل برای اثبات چاکری خود بدمان بورژوازی، بسا رویزیونیست‌های اروپائی کارنا و الهای مفتضحانه براه انداختند.

برداشت تا بگونه‌ای دیگر به توطئه سرکوبش علیه فعالیتهای آگاهان کمونیست‌ها ادامه دهد. البته در این مورد رویزیونیست‌های خاشاک حزب توده نیز با "هشدارها" و تبلیغات ارتجاعی - اش رژیم جمهوری اسلامی را در سرکوب کمونیستها با یاری کرده و به آنها راه نشان می‌داد. همچنانکه در آغاز راه شد از صبح او با شان و چماق‌داران منطقه خیا بان فخر را از "ترق" کرده بودند، حزب جمهوری اسلامی بیشتر دست‌های خود را که از مردم‌نا آگاه و متوهم تشکیل شده بودند با شعار - هائی علیه نیروهای انقلابی (اینهم نوعی بزرگداشت از قیام خونین مردم است!!) و فحاشی به کمونیست‌ها بطرف داشتند و اطراف خیا بان فخر را از بد حرکت در آورده بود. اکثر رفقای هوا دار میدادند که راهپیمایی از فخر را از شروع نخواهد شد و مردم مبارزی که جهت شرکت در راهپیمایی کمونیست‌ها آمده بودند از طریق آنان با خبر میشدند و در نتیجه زحمت‌های او با شان و عوامل مزدور ارتجاع فقط از دور، گوشه‌ها را می‌آزرد و برای آنان نتیجه‌ای نداشت. دقایقی از ساعت ۱۱ گذشته بود که در میان چشمان وحشتزده مزدوران ارتجاع، در گوشه شمال شرقی میدان انقلاب، فریادش از هزار نفر از کمونیست‌ها شنیده شد که با مشت‌های گره‌گرفته فریاد می‌زدند: "اتحاد، مبارزه، پیروزی" در میدان طنین انداخت و رهروان راه آزادی طبقه کارگر

علیرغم تشبیهات گوناگون ارتجاع حاکم و مدافعین رویزیونیست آن از "توده‌های"، "اکثریتی"، کمونیست‌ها موفق شدند با راهپیمایی چند هزار نفره مشت محکمی بر دهان یار و گویان بکوبند و نشان دهند که در راه‌ها بی‌طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم مصممانه به پیش می‌روند.

از اولین ساعات صبح چهارشنبه ۲۲ بهمن خیا بان فخر را از محوطه مقابل دانشگاه از او با شان حزب جمهوری اسلامی پر بود. ارتجاع که از بیان واقعیت‌ها بوسیله کمونیست‌ها وحشت دارد و میداند که تظاهرات را، راهپیمایی و اجتماعات کمونیست‌ها با استقبال توده‌های زحمتکش روبرو می‌شود و در این حمایت توده‌ای که با رشد آگاهی توده‌ها همراه است با یان "غم- انگیز" (غم‌انگیز برای سرمایه‌داران و حامیان - شان) خود را می‌بینند، بهر وسیله ممکن دست می‌زنند تا از تماس نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست‌های راستین با توده‌ها جلوگیری نماید. اگر در ۲۳ دیماه (سالگرد روز بزرگداشت دانشگاه) با تبلیغات فریبکارانه و مسمومش نتیجه‌گاملا معکوس گرفته و با عث اطلاع توده‌های بیشتر از برگزاری تظاهرات و روی آوردن آنها بمقابل دانشگاه شد، اینبار کمتری تبلیغات علنی علیه راهپیمایی کمونیست‌ها پرداخته و بجز چند مورد تهدید و ارباب توده‌ها، عمدتاً به سازماندهی مخفی او با شان و چماق‌داران

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی خلق‌هاست

گروهی از مردم زحمتکش، رطول مسیرا زیبا ده -  
روها وسا ختخا تهای اطراف با کره کردن مشت و  
با با ایرازا حساسات از راهیما شی کمونیستها

ار حمله مردم مجبور به فرار شد، او با شان چندین  
با ر برای بدست آوردن پرچم سرخ، این نشانه  
مبارزه طبقاتی کمونیستها و طبقه کارگر تلاش



تظاهرات کمونیستها مشت محکمی بود برد ها ن ارتجاع حاکم و ریزو نیستها ی خائن .

وهو ادا ران نیروهای کمونیست در آنسو جمع  
شده و در حالیکه شعار میدادند: "کارگر، کارگر،  
پرچم سرخ تو، پرچم رزم ما" با برافراشتن پرچم  
سرخ کمونیستی، کینه طبقاتی ارتجاع و  
مزدورانش را چند برابر کردند. با سدا ران در لباس  
شخصی و او با شان که در آن پرچم سرخ، تیلوری از  
مبارزه طبقاتی زحمتکشان بر علیه حاکمیت  
ارتجاع را میدیدند و شما ما را ده مبارزانی  
زحمتکشان برای نابودی سرمایهداری و بسنه  
و ایجاد جامعه ای نوین برهبری طبقه کارگر در آن  
متجلی میدیدند و حشیا نه برای بدست آوردن آن  
به تنگنای وقتها ده و پس از کتمکتهای فراوان آنرا  
بچنگ آورده و با سوزاندن آن کینه طبقاتی خود  
را نسبت به آلمان رها شیبخش طبقه کارگر به  
نمایش گذاشتند. با سدا ران با اتومبیلهای  
گشتی برای دستگیری رفقای انقلابی دست  
بکار شدند، و چند رفیق مبارز را دستگیر کرده و با  
اتومبیلهای آماده در میدان به زندانهایشان  
بردند. جا فوکشان نیز در همین حین رفیقی را  
بشدت از ناحیه سر زخمی کردند که جمعیت او را  
از دست فالانژها نجات دادند.

کردند ولی موفق نشدند، توده های زحمتکش  
بجشم میدیدند که غلبه زندان و اعدا مویا وجود  
بورشهای، مکروربا سدا ران مسلح و چماق سدا ران  
حزب جمهوری اسلامی، کمونیستها، بدون ذره ای  
تزلزل و تا پای جان تلاش میکنند تا پیاپی آنها  
و آگاهیه را به زحمتکشان برسانند و به همین دلیل  
است که آنها علیه رفیقان تبلیغات گوش کرکن ارتجاع  
آرام، آرام، آرام سمیت کمونیست ها که رها شی آنسان  
را فریاد میکنند و آورده و زاننان حمایت  
میکند. پس از طی مسافتی در خیابان رودکی  
و در حالیکه شعارهای انقلابی تظاهرات کنندگان  
خیابان را به لرزه در آورده بود و در حالیکه  
علیه رفیقان مذبحا نه فالانژها پرچم سرخ  
رزم کارگران در دست کمونیستها انقلابی  
برافراشته بود و در چها راه داد میزدی با برخورد  
هشیا را نه بر گزرا رکنندگان، در حالیکه شرکت -  
کنندگان شعار میدادند: "بها میدیسی روزی  
انقلاب هم تفرق میشویم" مراسم بزرگداشت سالگرد  
قیام مشکوهمند بهمن بیایان رسید. دقایقی  
بعد چندین اتومبیل پرا زبا سدا ران مرتجع  
مسلح برای سرکوب راهیما شی کمونیستها  
سر رسیدند و تعدادی از تظاهرات کنندگان را دستگیر  
کرده و بردند. ارتجاع مذبحا نه می پندارد که  
این دستگیریها و زندانها میتوانند را به آهین  
کمونیستها نسبت به عهد و پیمانهای که برای رهاشی  
طبقه کارگر با زحمتکشان بسته اند داخل وارد آورد.  
زهی خیال باطل! طبیعی است که این راهیما شی  
مشترک که از جانب سازمان ما و رفقای رزمندگان  
برگزار شدند ت مثبت و منفی متعددی در بر -  
داشت که با دیدا دیدا انتقادی و در جهت استفا ده  
از تجارب آن برای بالا بردن کیفیت مبارزاتی  
به آنها برخورد کرد. امری که در فرصت مناسب به  
آن خواهیم پرداخت .

حمایت میکردند. صف منجم راهیما شی پس از  
طی خیابان آذربایجان وارد خیابان رودکی  
شد. در خیابان آذربایجان آمبولانسی با دسته  
کلی در جلوس که بظا هروا نمود میگردنا زده حمل  
میکند به جمعیت زده و دوتورا زخمی کرد ولی در

## قطعه نامه

**مراسم بزرگداشت دومین سالگرد  
قیام خونین بهمن**

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**کارگران، زحمتکشان، خلقهای مبارز ایران!**

دو سال از قیام مشکوه و حماسه آفرین بهمن  
ماه ۵۷ میگذرد.  
قیام خونین بهمن ماه در شرایطی صورت  
گرفت که رهبران از مسلح کردن توده ها و مسادر  
کردن دستور "جهاد" مسلحانه خودداری کرده  
بودند. قیام بهمن ماه در شرایطی صورت گرفت  
که توده ها فاقد هرگونه شکل سازماندهی و  
رهبری واقعی بودند. در شرایطی این قیام  
صورت گرفت که نا رهبران، بهشتی ها، بازرگانها  
با هویرنماینده امیریا لیم آمریکا مذاکرات  
سازشی را صورت داده بودند. و قصد داشتند تا ارتش  
دست پرورده امیریا لیم را حفظ کرده و قدرت را  
بصورت مسالمت آمیز منتقل کنند. اما توده های  
که از ظلم و ستم رژیم سرمایهداری و بسنه بسنه  
امیریا لیم به تنگ آمده بودند، خودهای که  
خواهان استقلال، آزادی و برابرا ختن فقر و  
بقیه در صفحه ۱۸

رفقای برگزرا رکننده تصمیم گرفتند که  
راهیما شی از چها راه خوش - آزادی آغاز  
شود و با سازماندهی متناسب تا آنجائی که میسر  
بود بخشی از شرکت کنندگان در راهیما شی از  
این تصمیم مطلع شده و بطرف چها راه "خوش"  
حرکت کردند و لحظاتی پس از ساعت ۱۲ ظهر،  
سکوت خیابان آزادی با شعار "اتحاد، مبارزه،  
پیروزی" کمونیست ها در هم شکست، سیفته گان و  
زهران راه آزادی طبقه کارگر، با برافراشتن  
پرچم سرخ رزم کارگران، که آرام، آرام، آرام و چکش آن  
چون دشمنای در قلب سرمایهداران و حامیان  
فرومیرفت از خیابان خوش پائین رفته و بطرف  
خیابان آذربایجان برافراشته شدند. کمونیستها  
با فریاد "کارگر، کارگر، پرچم سرخ تو، پرچم  
رزم ما"، شعار زحمتکشان، مان، مسکن، آزادی،  
"بنی صدر، بهشتی، برای سرکوب خلق متحدو  
برادر" بگوش زحمتکشان میرسانند که فقط با  
ادامه مبارزه است که میتوان از قیام بهمن ۵۷  
تجلیل کرد. آنها با مقاومتی آهین در برابر  
یورش گروهی چماق داران و با شیبی اعتنا به  
زوزه آنها، با فریادهای خشم آلود خود، با شعار  
های انقلابی خویش به زحمتکشان نشان میدادند  
که فقط کسانی میتوانند از قیام بهمن ۵۷  
تجلیل کنند که دستاوردهای آن را گرامی بدارند  
و به مبارزه علیه امیریا لیم و ارتجاع داخلی  
تداوم بخشند. کمونیستها در راهیما شی پسر  
شورشان به کارگران و دیگر زحمتکشان اعلام میکنند  
که نه بهشتی ها و نه بنی صدرها که بر موج جنبش  
مردم قهرمان سوار شده و تحت پوشی دیگر به  
استثما رانان ادا مه میدهند کوچکترین حقی  
در بزرگداشت قیام بهمن ۵۷ که بزرگترین  
هدفش سرنگونی کامل سرمایهداری بود و این  
خیانت پیشگان مانع از آن شدند، ندارند.

## باز هم درباره مصاحبه مجاهد با قاسملو

اسلام این مصاحبه مرکب جدا احراف عظیم سیاسی درقبال جنبش مقاومت شده است و این امر نظر هر کمونیست و دمکرات انقلابی محکوم است.

به مصاحبه جدید ازیم: در این مصاحبه آنانی که قاسملو را وانی می‌کنند که نشان دهد حزب دمکرات "مخالف هرگونه جدائی خواهی از ایران" است (مجاهد ۱۵۷). مخصوصاً مدعی می‌شود "ما نه تنها با هیچ یک از نیروهای ضد انقلاب (؟؟) همکاری نداریم بلکه با آنها مبارزه کرده و می‌کنیم" (جدا!!) در واقع دروغ آشکاری را تحویل می‌دهد و جنبش میدهد. جدا و لاک حزب دمکرات

سازمان مجاهدین خلق، اخیراً در مجاهد ۱۵۷ مصاحبه‌ای را با قاسملو دبیرکل حزب دمکرات درج کرده است. ظاهراً انگیزه مجاهدین از این مصاحبه اینست که "مدتی است تا بحال کرده‌اند که حزب دمکرات کردستان قندهار ردتا خود - مختاری کردستان را بطوریکه جانها اعلام نماید. این شایعه از طریق مطبوعات داخلی نیز در این زده میشود." (مجاهد ۱۵۷) و گویا این مسئله‌ای است که دوستان مجاهد را "تکران" کرده است. اما در واقع این مجاهدین نیستند که باید تکران شوند، زیرا مجاهدین تاکنون حتی برای یکبار جنایت سیاست سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در کردستان را محکوم نکرده اند و به دفاع مستقیم از حقوق خلق کرد و نیروهای انقلابی آن نپرداخته اند و این واقعیت تلخ، بین از همه کمونیستها و نیروهای دمکرات را تکران سیاسی میکند که مجاهدین درقبال جنبش نموده ای نظیر اعم و درقبال جنبش مقاومت بطور خاص انجام داده اند. این بار نیز آنها نشان دادند که تا چه حد در وفاداری به اصول دمکراسی و منافع بوده‌ها، تا بیکسرو متزلزلند. آنها به جای تقویت قطب انقلاب و کمونیستها با انجام مصاحبه با قاسملو تا حدی بطوراتی وی، از قطب ضد انقلاب و بورژوازی در کردستان دفاع کرده اند. ما بدوستان مجاهد، اطمینان میدهم که این سیاست لیبرالی، از جانب نموده‌های انقلابی خلق کرد که در زیر باران کلوله و آتش دشمن و موج اختیاتی و سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قهرمانان می‌جنگند و هدفشان نه کسب طرح ۶ ماده‌ای - آتیهم با اصلاحات بی‌سودی - بلکه کسب خود مختاری در چهار چوب جمهوری دمکراتیک خلق است. بدست محکوم خواهد شد. نموده‌های انقلابی خلق کرد مدتهاست با گروه‌هایی که مجاهد آنها را "جبرو" و "بی مسئولیت" خوانده است، بیجان مبارزاتی بسته اند و هر روز بیش از روز پیش، بر ما هیت ضد انقلابی حزب دمکرات آگاه می‌گردند. در حالی که مبارزه خلق کرد بوسیله نیروهای کمونیست (کومله و بی‌کار و...) در کردستان نمایندگی میشود، روزی نیست که سندی درباره ضدیت این حزب با نموده‌های کرد و حمایت از قشودا لیا، با چاقیان و عناصر وابسته برای نموده‌ها افشا نشود.

آری! دوستان مجاهد با انجام این مصاحبه به تقویت حزب دمکرات پرداخته اند. و این موضوع به هیچوجه تصادفی یا اتفاقی نیست. مجاهدین که بنا به حکم ماهیت خرده بورژوازی خود بین دو قطب لیبرالیسم ضد انقلابی و دمکراتیسم انقلابی در نوسانند، با این عمل خود بورژوازی را تقویت و آنرا بزرگ کرده اند. ماقبل در مقالات مختلف بی‌کار، کوشیده ایم دمکراتیسم مجاهدین را تقویت و آنرا ارتقاء دهیم تا به این ترتیب قطب انقلاب در برابر ضد انقلاب تقویت گردد. در اینجا نیز با مقایسه آنچه قاسملو در این مصاحبه گفته و آنچه که حزب دمکرات در عمل انجام میدهد، نشان خواهیم داد که مجاهدین با

امکان اجرای این سیاست را با زنگدا شست. اعلامیه‌های متعدد حزب دمکرات در ماههای اخیر که در آن‌ها خود را تنها "نماینده خلق کرد" و "مسئول امور اجرایی امور منطقه" خوانده است بطرز بارزی این موضوع را تأکید میکند. درست در اجرای چنین سیاست ضد انقلابی است که حزب دمکرات دست به خلق سلاح پیشمرگیان کومله‌ها، بی‌کار و روراها را در کردستان زده است. زیرا به خوبی میداند که تنها مانع جدی در اجرای اهداف ضد انقلابی این حزب در کردستان نیروهای کمونیست و پتانسیل جنبش نموده‌ای است. به این ترتیب می‌بینیم، وقتی قاسملو مدعی میشود "حزب ما مخالف هرگونه جدائی خواهی از ایران است" تا چه حد ما هیت واقعی خود را در این الفاظ پنهان میکند، و متاسفانه دوستان مجاهد نیز به این لفاظی با وردارند. این همان انحرافی است که مجاهدین در اثر سیاست لیبرالی خود بداند دچار می‌باشند.

آری! دوستان مجاهد با انجام این مصاحبه به تقویت حزب دمکرات پرداخته اند و این موضوع به هیچوجه تصادفی یا اتفاقی نیست. مجاهدین که بنا به حکم ماهیت خرده بورژوازی خود بین دو قطب لیبرالیسم ضد انقلابی و دمکراتیسم انقلابی در نوسانند، با این عمل خود بورژوازی را تقویت و آنرا بزرگ کرده اند.

واقعیات اینست که حزب دمکرات برای رسیدن به منافع ضد انقلابی خود و دفاع از طبقات ضد انقلابی که در کردستان از آنها دفاع میکنند، به هر وسیله‌ای متوسل شده و خواهد شد. حزب دمکرات همانقدر جدائی خواهی مخالف است که به حفظ روابط با سوسیال امپریالیسم شوروی و بیست اظهار علاقه میکند. این حزب به هر قطب ضد انقلابی که بتواند منافع وی را تأمین کند، نزدیک میشود و در عین حال سعی خواهد کرد که خود را یک "دمکرات" نشان دهد.

اما یک دمکرات کیست و چه رفتاری درقبال جنبش اتخاذ میکند؟ لنین کبیر دمکرات را اینگونه تعریف میکند: "دمکرات کسی است که به مردم ایمان دارد. به جنبش نموده‌ها ایمان دارد و با اینکه اغلب در مورد ایهیتی که این جنبش در قبال رژیم سرمایه‌داری دارد، دارای نظریه اشتباه آمیز است... با زیبا تمام و ساثل به آن کمک میکند. دمکرات با جداقت بیشتری برای قطع علاقه با کلیه نظم و نسق قرون وسطائی میکوشد." (احزاب سیاسی در روسیه - تأکید از لنین)، و حزب دمکرات درست بر مبنای این تعریف دمکرات نیست زیرا اولاً - به جنبش نموده‌ها و به مردم ایمان ندارد. و این بی‌ایمانی خود را با سرکوب، شهید و آزار نموده‌های دهقانی در کردستان که خواهان مبارزه زمین‌های آریبا و ملاکین هستند و با حمایت از آریبا و ملاکین عمل نشان داده است. (آخیراً حزب دمکرات دهقانان روستائی تیکان تپه را در اطراف بوکان که به مبارزه بر علیه مالک ده‌بر - خاسته بودند، بهر کبار بست...)

تاکنون به عنوان نمونه به منظر بر علیه سیاست رزگاری که هر دو رو با بسته به رژیم فاسدیست بیعت عراق است، هیچ اقدامی نکرده است بلکه سخنان در مناطق جنوبی کردستان (منطقه اورامانات و زاوورد) حتی دست به همکاری با این عناصر مزدور زده است. در چندین درگیری با نیروهای سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، این دوشیر و با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته‌اند. (درگیری با ستون ارتش ضد خلقی در کامیاران در تابستان امسال، تشکیل سازمان سرکوب با سیاست رزگاری بعد از اشغال منطقه دزلی بوسیله مزدوران رژیم) بگذریم از اینکه تعددی از مسئولین نظامی حزب دمکرات خود افسران فراری ارتش و از هواداران بخیرا روستاها نشان هستند (کوری رش، سیکوعلی، شیخ هادی و...) تا تیا - اخبار بسیاری از کردستان می‌رسد که حاکی از روابط نزدیک میان حزب دمکرات در منطقه است و "تبعه" هم هستند. جالبتر اینکه پیشمرگان و بعضی از مسئولین حزب دمکرات این روابط را نه تنها پنهان نمی‌کنند بلکه آنرا تأکید و حتی تبلیغ هم میکنند. اخیراً نیز بعد از برگزاری پانوم چهارم حزب دمکرات، این حزب از محکوم کردن جنگ میان دورژیم ارتجاعی ایران و عراق خودداری کرد و فقط علت این جنگ ارتجاعی را تحریک بورژوازی ایران خواند. ثالثاً با تقویت این رابطه که گویا حزب دمکرات در دوری بنیان در کردستان قندهار را اعلام "حکومت خود مختار در کردستان" کند، این حزب در رادیوی خود نمونتها این مسئله را صریحاً تکذیب نکرد بلکه با بخش اطلاعاتی مبهم و دوپهلوی

### "آوارگان غارت خانه هایشان بوسیله رژیم را افشامی کنند!"

در ۵۹/۱۰/۲۸، پاسداران کمینته مسعود سلیمان، وانت باری برای زحف و تکیه وینو را برای تقسیم به میان آوارگان تکیه کرد برای دریافت آنها ساعتها در مقابل ایستاده بودند می آوردند. بپرز آن آواره زحمتگنی با دیدن وانت خود را به روی جندلحاف و تکیه انداخته و فریاد میزدند که "این رختخوابها مال منه" و در جواب عوامل رژیم که از وی آدرس و مشخصات می خواستند میگوید که شناسنامه های بچه ها هم را لای رختخوابها گذاشته ام بر اثر فرسایدگی آوارگان مسئولین رژیم محبوسان را زک کردن رختخوابها می شوند و در مقابل چشمهای بهت زده و بر اثر نفرت مردم، شناسنامه ها بیرون می آیند. و معلوم می شود که بخشی از وسایل خانه های غارت شده آوارگان در شهرها بیابان بوسیله پاسداران، اکنون به عنوان کمک های رژیم به آوارگان داده میشود. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زحمتگنان را گوشت دم نوب سرمایه داران میسازد بلکه با غارت اموال آنها چهره کثیف و ارتجاعی خود را به نمایش میکشد. به نقل از خبرنگار جنگ - خوزستان شماره ۱۵

### خفقان و سرکوب سیاست رژیم در قبال آوارگان جنگ

جنگ زندگان خلق عرب همانند سایر آوارگان جنگی، در بدترین شرایط زندگی بسر میبرند. اغلب این زحمتگنان در بیابانهای اطراف شهرهای خوزستان در میان گل و لای درجا در - های باره و بیابانی بدون جا در زندگی میکنند. علاوه بر اینها رژیم جمهوری اسلامی، خرورزیه بیانه های مختلف آنها را تحت آزار و شکنجه قرار میدهد. خلق عرب به جرم عرب بودن ناچار است که جو رجنایات رژیم مزدور عراق را نیز بکشد. عوامل رژیم هر روز عده ای از این زحمتگنان را به جرمهای واهی جاسوسی، ستون پنجم و... مورد آزار قرار داده و به زندان می اندازد. در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۶ با پاسداران سرمایه اردوگاه آوارگان واقع دریا نمده دستکاه اهواز را که محل ابقان آوارگان زحمتگن عرب خوزستان میباشد محاصره میکنند. پاسداران ارتجاع به رهبری آیت الله طباطبائی حاکم شرع اهواز به بیانه دستگیری جاسوسان عراقی به خانه های آوارگان هجوم برده و علاوه بر بازرسی بدنی آوارگان و اسائل مختصراً آنان را

## اخبار جنگ

بسیار رسی کرده و بیترمی را تا به آجاست - رسا شد که مقدار ریول بختم آوارگان را نیز به نارت میبرند این محاصره و حمله وحشیانه رژیم کسه سس از کوسا غت طول کشید، بعدها زنان را سدت به وحشت انداخته بود در آخر هم مزدوران رژیم ۱۵ نفر از آوارگان را دستگیر کرده و حمیاد میبردند و هم در اردوگاه حکومت نظامی اعلام میکنند. جنگ ارتجاعی علاوه بر کشتار و آوارگی زحمتگنان، سرکوب و خفقان را برای آنها به دنبال دارد. به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی تغییر.

### بمباران دهکده های عرب نشین بوسیله ارتش های ضد خلقی ایران و عراق!

با بیستوی ارتش مزدور عراق، ارتش ایران دهکده های عرب نشین اطراف "گرخه" را بر باران توپ و خمپاره سکیرد. وسعد ارتش نشینی عراق و مستقر شدن ارتش ایران، سوبت به عراق میگردند همان دهکده ها را به توپ بیندند. و درسی حملات دوارش مزدوران ایران و عراق حداقل ۹ تن از زحمتگنان عرب ساکن این دهکده ها به شهادت رسیده اند. سونه بالا بخوبی نشان میدهد که زحمتگنان ایران و عراق چگونه به خاطر منافع ارتجاعی رژیم های دو کشور، زهره و طرف سر - کوب میشوند و چگونه گوشت دم نوب رژیم های سرمایه داری ایران و عراق میباشند. به نقل از خبرنگار جنگ - خوزستان شماره ۱۵

### "مرگ دو کودک آواره بدست پاسداران سرمایه!"

کشتار زحمتگنان در زیر توپ و بمباران شهرهای جنگزده، و مرگ تدریجی آوارگان جنگ از سرما و کرسنگی و قحطی برای رژیم کافسی نبود، که این بار با پاسداران سرمایه اینجین به کشتار فرزندان زحمتگنان میپردازند، در تاریخ ۵۹/۱۱/۹ یک لودرسیا به پاسداران در منطقه پشت باشکا کلف اهواز که محل اسکان عده ای از آوارگان میباشد، شروع بدخاک بر - داری برای ساختن محلی برای پاسداران می کنند و آنجا که این شه محل بازی کودکان

آواره میباشد، را سنده سیاه بدون سوخدا ک شد را بر سر کودکان ریخته و در فرار فرزندان زحمتگنان زیر خاک مدفون میشوند با سروس دای بقید کودکان آوارگان خسر شده و آسپارا از سرخا کتیا بیرون میاورند که دوش از کودکان به شهادت میرسد و سه تن دیگر ستری میشوند این جنایت پاسداران رژیم ختم و آنزجار آوارگان را برانگیخته و با نفرت پاسداران را به محاکمه میکنند. اما یکی از پاسداران با وقاحت تمام میگوید: "بن جنگ زده ها خانه - های مردم را به زور گرفتند و ندو بچه هایان را سی ما حبرها کرده اند" رهی وقاحت و سترمی! به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی تخلص

### "اقدام به خودکشی یکی از زنان زحمتکش آواره"

در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۸ در خوابگاه اهواز که صنعتی انفعال، یکی از زنان زحمتکش آواره به خاطر نما شب زندگی دست به خودکشی میزند. سوهر وی چند سال پیش در تصادف کشته شده و دخترش که بر سر آمده و بر سر سرش هم در جنگ ارتجاعی فعلی کشته شده اند. اما زحمتگنان بین اربین بی خواهد برید که راه از میان بر - داسن فلاکتهای ناشی از رژیم جمهوری اسلامی نه در خودکشی بلکه در مبارزه است. مبارزه علیه رژیم برنجی که با عتاطلی تمام فقر و فلاکت و ناسامانی توده های مردم است

### "وحشت رژیم از تماس انقلابیون با آوارگان"

جندی پیش پاسداران خوابگاه ۱۳ شیراز محل ابقان آوارگان را برای دستگیری یکی از هواداران مجاهدین که به کمک آوارگان همیشه منته محاصره میکنند اما زحمتگنان آواره که منافع طبقاتی خود را خوب تشخیص داده و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را میباشند، حتی در مردم زور را مخفی کرده و مانع از دستگیری وی میگرددند. عوامل رژیم از حمایت مردم از نیرو - های انقلابی وحشت کرده و یکی از مزدوران به آوارگان میگوید: "شما برای یک شامییز و مقداری روغن خودتان را به ستون پنجم فروخته اید". که با جواب دندان شکن زن زحمتگنی روبرو می شود که: "اگر کسی هدفش کمک به مردم است و به ما کمک کند، ما با کمال میل او را قبول کرده و به شما تحویل میدیم". آری با سخ آوارگان زحمتکش آگاه به رژیم ضد خلقی،

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



حمایت از انقلابیون میباشد.  
به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی  
تخلیص.

### سربازان حاضر نیستند "گوشت دم توپ" سرمایه داران گردند

با دکان قوچان (۲۷ دیماه ۵۹):  
فرماندهان مزدور برای جایگزینی کسب...  
دکان جنگ سیار به ۲۵۰ سرباز برای اعزام به  
جبهه ها داده اند. اما ۹۰ درصد سربازان ششینی -  
خواهندخان خود را بنا بر سرما شده ازان بدخطر  
اندازند و در پی فرار از دکان بودند. فرمانده  
تیب در گوشه و کنار دکان بدنبال سربازان  
می گشت تا آنها را به جبهه بفرستد.  
یکی از سربازان میگفت: "مر برای جسد  
فلسکا میروم. مگر ما چه داریم که ازان دفاع  
کنیم. چرا رستخانی نمرود بچکد کسبه ۲۵۰  
میلیون ۱۵۰۰ سلیون از بیت المال بر میدارد؟"  
سرباز دیگری میگفت: "آخرین جنگ چه نفعی  
برای ما دارد؟ نتیجه گشته شدن ما برای خانواده  
ما چیست؟" در این میان طرفداران "اکثریت"

دا و طلب شده بودند تا سربازان را برای رفتن  
به جبهه جنگ تسویق نمایند. جماعت رویز سو-  
نست های اکثریت را ارتجاع حاکم و افکابا  
همه جا است. سربازان که کمزرها فرزند ان  
زحمکنان هستند در پی با بندک در جنگ ارتجاعی  
کونی جرابینکده "گوشت دم توپ" سرما یه داران  
سیدیل نموند. هیچ سودی اجرا هتد بردوا را بیزرو  
آکا ها نه از شرکت. در این جنگ غیره دلانه علیه  
طغنه های ایران و عراق خودداری میکنند و لسی  
این عدم شرکت در جنگ هنگامی شریخش خواهد  
بود که ما ادا می باره انقلابی علیه رژیم  
جمهوری اسلامی و امپریالیسم همراه با شد.

### وضعیت آوارگان مستقر در دانشسرای عالی

عده ای از آوارگان زحمکن جنگ ارتجاعی  
در دانشسرای عالی تهران واقع در کوی زینبیه  
(کاردا باغ) مستقر شده اند. مسئولین رژیم نه  
تنها تا کنون هیچ کمک غذایی، داروئی و...  
در اختیار آنان ننگذاشته اند، بلکه با بستن  
شرفا زها و ندادن وسایل گرم کننده به آوارگان  
یکبار دیگر کوشه ای از سیاستهای ضد مردمی خود  
را به نمایش گذاشته اند.  
با اینکه ساختن دانشسرا چند طبقه است،

مسئولین رژیم تنها بخشی از ساختمان را در-  
اختیار آوارگان قرار داده اند که آنها همیشه  
با شهید به آخراج همراه بوده است.  
آوارگان زحمکنش بخشی از نیازهای خود را  
با کمک های که مردم مستقیما در اختیار آنان  
میگذازند، تا مین کرده و در بقیه موارد با کمبود  
روبرو هستند. سیاستهای ضد مردمی رژیم حاکم  
بیش از پیش توده های مردم را هوشیارتر کرده و  
آنها بطور روزافزون درک میکنند که عامل اصلی  
فلاکت مردم همین حکومت جمهوری اسلامی است.

### کمکهای مردم به آوارگان کجا می رود؟

تا بحال خبرهای بسیاری از غارت خانه های  
آوارگان مناطق جنگزده و حیث و میل کمکهای  
مردم به آوارگان توسط پاسداران و سایر عوامل  
رژیم در "خبرنامه" های جنگ و بیگانه آورده ایم.  
نمونه زیر کوشه دیگری از این غارت رانسان میدهد:  
در مسجد ولیاء واقع در خیابان نامیزشکی  
تهران، پاسداران با "نظاره" و "همکاری"  
مسئولان که فردی بنام "حاج اسدی" است، به تو  
- های اهدائی مردم برای آوارگان را بجای  
رساندن به آنها به خانه های خود "میرسانند"!

کنفرانس میباشند. در این کنفرانس از یک سو  
کشورهای وابسته ویا متمایل به امپریالیسم  
امریکا کوشیده اند تا شوروی را در عرصه جهانی  
محکوم و منزوی ساخته و از سوی دیگر کشورهای  
وابسته ویا متمایل به سوسیالیسم امپریالیسم  
کوشیده اند تا امریکا را مورد تعرض قرار داده و  
آنها را محکوم نمایند. کوشش در محکوم کردن تجا وز  
روسها به افغانستان و تجا وزویتنامی ها به  
کامبوج (که مورد حمایت شوروی است) و کوشش  
در محکوم نمودن تدارکات نظامی امریکا در  
با یگا هدیه گوگاریسیا (در آقیانوس هند) و مداخله  
احتفالی یا نکی ها در آلسایا دور میباشند -  
انعکاس رقابت امپریالیستها در کنفرانس  
می باشد. و بطلاوه کوشش کشورهای مانند سوریه  
در محکوم کردن و اخراج نمودن مصر از  
کنفرانس و کوشش کشورهای مانند ایران و  
پاکستان در محکوم کردن مداخله شوروی در  
افغانستان با زتایی از اختلافات و رقابتهای  
کشورهای مرجع و تضاد منافع بورژوازی این  
کشورها بشمار می آید. قطعنا مه های کنفرانس  
نیز در تطابق با همین واقعیات است. بخصوص  
آنکه این بار کنفرانس به نفع امپریالیسم  
آمریکا عمل کرد. مدور قطعنا مه راجع به خروج  
نیروهای شوروی از افغانستان و خروج قوای  
ویتنامی از کامبوج امتیازات برجسته ای بود  
که امپریالیسم امریکا در رقابت با سوسیالیسم  
امپریالیسم شوروی بدست آورد.

بقیه از صفحه ۲۲ کنفرانس  
هستند و غیره میباشند. امپریالیسم بشمار می  
آیند. این واقعیتهای عریان با هیت ارتجاعی  
ثوری کشورهای غیر متعهد را بر ملا ساخته و به  
وضوح نشان میدهد که این ثوری جز قریب  
خلقها و خدمت به سرما به جبهه نی هدف دیگسری  
نداشته و عملا ثوری انقلاب دوا سارت بشمار می  
آید. واقعیتهای نشان میدهد که "نیروی سوم"  
سوم و "چنان سوم" قریبی بین نبوده و این جهان  
جزولایفک همان جهان امپریالیستی بشمار  
می آید. ما کمونیستها دودنیای بیشتر میباشیم  
یکی دنیای امپریالیستی و دیگری دنیای  
سوسیالیستی دنیا وار دوکا ه امپریالیستی قطب  
امپریالیسم غرب، قطب سوسیالیسم امپریالیستی قطب  
شوروی و تمامی کشورهای که در کنفرانس غیر  
متعهدها متشکل شده اند را در بر میگیرد.  
اهداف و دستور کار کنفرانس "غیر متعهدها"  
در دهلای با زهم بیشتر ما هیت آنرا آشکارا میشا زد  
ارائه یکسری حرفهای عوامفربانه در باره  
"مبارزه علیه امپریالیسم و محکوم نمودن تجا وز  
اشغال، سلطه، نیرو، مداخله جویی یا توسعه طلبی"  
امپریالیسم مرکز زنی سواند ما هیت مترقیانند.  
ای به کنفرانس بیحد. آنچه خا ترا هیت است  
اینست که این کنفرانس انعکاسی از رقابتها و  
درگیریهای دو قطب جهان امپریالیستی و با ز-  
تایی از رقابتهای کشورهای مرجع حاضر در

### تکمیل خبر

در پیگار ۸۷، خبری داشتیم مبنی بر شایع  
معلوم بودن وضع بیش از ۵ نفر "متقاضی خدمت  
۵۶" که بنا بر عدم شرکت در جنگ در "دکان سربل  
ذها" به دستگیری شده بودند (نیمه دوم آذر ماه).  
طبق اطلاعاتی که از طریق نیروهای انقلابی  
بدست ما رسیده این عده در زندان "دیزل آباد"  
کرمانشاه زندانی هستند و به حبسهای طولانی  
مدت محکوم شده اند.



## مبارزه علیه جنگ و ابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بقیه از صفحه ۱۴ قطعنامه

فلاکت و نا بودی سلطه امپریالیسم بر زمین ما و نا بودی ارتش فدخلقی و دریک کلام خواهان نا بودی سیستم سرما به داری و بسته به امپریالیسم بودند، بی توجه به بند و اندرز "رهبران" که از آنجا دعوت میکردند "در خانه ها بمانید" نه خیا با نیا ریخته، به کمک بر سنل انقلابی نیروی هوایی که در محاصره کارآمد مزدور آریا میسروری قرار داشتند، شتا فتنه و قیام پیرسکوه آغا زکنت، "رهبران" و حشترده را از نجا رخم نموده ها و هراسان از نا بودی ارتش، از آنجا که خود سبه قدرت رسیده بودند، اعلام داشتند "انقلاب تمام شده، به خانه برگردید" ارتش اعلام همسنگی کرده و "خلع سلاح نموده ها بر داد خند، آنجا کوشش نمودند با استفاده از آکا های توده ها و فقدان رهبری طبقه کارگر برجیسی، با به های حکومت ضد انقلابی خود را تثبیت کنند ولی مکرر میشد توده های را که از رژیم تا رهبر سرکار آمده جز سرکوب و اختای، جز تشنه و مفر و فلاکت، "رمغان" دیگری ندیده بودند همچنان در توهم نکه داشت؟

جنبش توده ها بعد از قیام همچنان ادامه یافت، و کمونیستها بعنوان نمایندگان سیاسی طبقه کارگر در دستهای مبارزان توده ها، همراه با توده ها و در پیتا بسش آن شرکت نمودند. آنجا که کارگران برای تامین خواسته های سیاسی، اقتضای خود مبارزه میکردند، آنجا که خلقها همچون خلق کرد، ترکمن و... برای حق سرشود خویش و کسب خود مختاری به مبارزه پرداختند، آنجا که دهقانان به مبارزه زمینها و گشت شورا ئی پرداختند، آنجا که توده های آکا ه خلق به مبارزه برای کسب آزادیهای سیاسی اقدام نمودند و آنجا که... همه و همه جا کمونیستها پیشاپیش این مبارزات بودند.

آری کمونیستها به همراه توده های آگاه خلق، ادا مدهندگان واقعی انقلاب و مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع هستند و رژیم که جز سرکوب توده ها، جز حفظ و باز سازی ارتش مدخلقی و سیستم سرما به داری و بسته و جریا رن با امپریالیسم و جز تشدید فقر و فلاکت، سرکوب و اختای برای توده ها "رمغان" دیگری بهمراه نداشته، نه تنها "فدا میریالیست" و ادا مدهنده مبارزات توده ها نیست بلکه ضد انقلابی است و مبارزات فدا میریالیستی توده ها بی مبارزه علیه مرتجعین حاکم خورده است. حال بگذرا تخنن رویونیست تسوده ای، اکثریتی و سه جانی هر چه میخواهند عوام قریبی کرده و رژیم چنانکه "خلق" و "فصلد" امپریالیست "جلوه دهند، جواب توده های آکا ه خلق، جز مشت محکمی بر دهان این با وه کویسان نخواهد بود.

کارگران، زحمتکشان، خلقهای مبارز ایران!

ما بعنوان بخشی از توده های آکا ه و انقلابی که به کمونیسم و راه اشتراک کمونیستهای کبیری

جون مارکس، انگلس، لنین و استالین عشق مورزید، در اینجا کرده اند ما بنا بر برداشت دومس سالگرد دنیا موشین بهمن ماه، بار دیگر با کارگران و زحمتکشان خود عهد بندیم که در می ار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارز نخواهیم اساد. ما اعلام میکنیم که:

۱- قیام خویش خلق که ما خون هراسان نفر ار کارگران و زحمتکشان و فدا کاری بی نظیر خلقهای ایران و غرب کریب، بدلیل فندان رهبری طبقه کارگر برجیسی و ما هسب سار سکا را ندوندا انقلابی "رهبران" در سبه راه سومت ما ند. این قیام مبارز کسان داد گه سغیا رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست آن است که میتواند انقلاب را بدرستی بر آند.

۲- کار را محدودا لدمیورن اسلامی بدبهرین وجهی نتا نداد گه اس رژیم سغیا نمانده سبه ماسخ نموده ها نموده بلکه دشمن نموده ها، دشمن انقلاب و حافظ سیستم سرما به داری و بسته سب امپریالیسم است.

۳- شیای را هی که میتواند آرمانهای و الای ما میس را که تحقق یافند است، تا میس نماید، نا بودی سیستم سرما به داری و بسته، مطع سلطه امپریالیسم و برتری جمهوری دمکراتیک خلق بر رهبری طبقه کارگران است. نه تنها جمهوری دمکراتیک خلق است که میتواند سلطه امپریالیسم و ارتجاع را خلی را از میان بردا، نه تنها بیط را برای تحقق آرمانها و خواسته های توده ها و آزادی کارگران و زحمتکشان ترا هم سازد.

۴- قیام خویش بهمن ما هسبنا تجلی حرکت عظیم توده های انقلابی خلق بوده و رژیم جمهوری اسلامی و نمایم ادا حان رویونیست و خائس آن همچون "توده ایها"، "اکثریتی ها" و "سه - چهارمی ها" دشمن نموده ها محبوب شده و در سبزد نموده ها تا بدنا کردند.

۵- ما اعلام میداریم که بیس مدروسا بیرفند انقلابیون لیبرال نه تنها "رادیکسوا ه

نبوده، بلکه خود سبناون جزش از رژیم حاکم، در سرکوب نموده ها تریک بوده و مرا سم بزرگداشت قیام بهمن را ارجا شب ایتنان بعنوان عوام - قریبی ضد انقلابیون لیبرال محکوم میکنیم.

۶- در نا لروز قیام، یکبار دیگر کسار و حسانه خلق کرد را که رژیم جمهوری اسلامی سبه سوط ارتش و ساداران و سانب، تاشک و ما سوم سبش میبرد و عملیات سغیا نه ای از تسلی حمله و کسار در روسا های "فهلانان"، "تارنا" و "اسدرتا نی" و... بر علیه خلق کرد را سبذت محکوم کرده و اعلام میداریم جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد همچنان بیروز مندانه سبیش خواهد رفت.

۷- ما بدو طبقه های رژیم جمهوری اسلامی بر علیه مراسم بزرگداشت ما، هندار داده و اجازه نخواهیم داد که رژیم جمهوری اسلامی با سیاست سرکوبگرانه خویش، بار دیگر ما سبوم اختای را بر سر مردم زحمتکشان ما سبسترا ند. رژیم جمهوری اسلامی حتی با به خون کشیدن اسن نظا سبسات هرگز نخواهد سبناست ما را از مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع باز دارد. خون مدها هزار کمونیست ایران و جهان بهترین گواه این سخناست. ۸- طبقه کارگران ایران در آنجا دوهیستکی با طبقه کارگر سراسر جهان و خلقهای ستم دیده جهان در راه نا بودی امپریالیسم و سرما به داری جهانی مبارزات خویش را قاطعا نه و مصمما نه ادا خواهد داد.

گرامی باد دومین سالگرد قیام خویش بهمن! جاودان باد خاطر شهیدای قیام خویش بهمن! مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران!

هرگز نرا میریالیسم و ارتجاع داخل نمی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۱/۲۲



**قیام شکوهمند ۲۲ بهمن نشان داد که زراد خانه امپریالیستی هم نمیتواند در مقابل اراده استوار و مصمم توده ها ایستادگی کند!**

کارشنامه دوسالبه حکومت:

**سرکوب کارگران، کشتار و سبباران شهرها و روستاهای کرهستان، بیکاری با داری از سرمایه، ضرور، زندان شکسته انقلابیون، ستمیل دانشگاهها، صدور "انقلابی" اچاد جنگ ارتجاعی ایران و عراق.**  
کارگران و زحمتکشان، خلق کرد و دیگر خلقهای ایران، در ادامه قیام ۲۲ بهمن بر علیه امپریالیسم و ارتجاع همچنان مبارزه میکنند.  
ما از راهبیمانی روز ۲۲ بهمن که از طرف سازمانهای بیکار و رزمندگان سرکوبزار میشود، پشتیبانی میکنیم

هر چه باشکوهتر باد خاطر دلاوریهای کارگران و زحمتکشان در قیام خونین ۲۲ بهمن ماه ۵۷!

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گومه له) - تهران ۲۰ / ۱۱ / ۵۹

## پیرامون جنبش زنان زحمتکش

خیر، چنانچه دیدگاهی بدرستی مطرح کند که نه تنها کاربروی زنان زحمتکش را از نظر استراتژیک قبول دارد بلکه از نظر تاکتیکی نیز (یعنی حتی در دوران پراکندگی جنبش) به آن ایمان دارد و به آن میپردازد اما فقط در حد توانائی در این رابطه نیرو میگذارد این دیدگاه کاملاً درست است و نشانگر درک صحیح از مسئله زن و بخصوص در شرایط موجود جامعه ما میباشد.

می نماید (توضیح اینکه دیدگاه فئودالیستی دقیقاً معتقد به تفاوت و نابرابری بین زن و مرد است و تا در به پذیرش حقوق برابر مردان و زنان در جامعه نیست. این فکر را در ضرب المثل های مختلف بصورت "تئوریزه شده" میتوان دید فکری که طی قرنهای متمادی بر ذهن توده های ناآگاه ما تسلط دارد (دارندگان دیدگاه فئودالیستی) با دید "چپ" و تروتسکیستی خویش، عاجزانه فهم مسائلی بنام "ستم دوگانه زن" در جوامع طبقاتی میباشند، در رابطه با روشن شدن بیشتر این مطلب به نقل قولهای زیر توجه کنیم:

"در گفتگویی که گلزار زتکین با لنین در سال ۱۹۲۵ انجام داد آن زنانی بودند که انقلاب کبیر روسیه بوقوع پیوسته اما هنوز در آلمان کمونیست ها در تدارک انقلاب بودند، چنین آمده است: "زتکین: بسیاری از رفقا، رفقای خیلی

در شماره ۹۲ قسمت اول این مقاله را آوردیم. در آنجا در پاسخ به این سوال که آیا کاربروی زنان زحمتکش و متشکلب نمودن آنان مستلزم مرحله ای معین در انقلاب است و آیا برای این کار باید منتظر استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بود یا سخن منفی داده ضمن رد آن نظریات استدلال به نقل قولهایی از لنین و آلکساندر کولنتای این اعتقاد خود را بیان کردیم که کار مستقیم و مشخص در میان زنان زحمتکش در مرحله انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی امری است درست و اینکه در پرتو همین مبارزه است که میتوان توده ها را آموزش داد و آنها را برای برپائی سوسیالیسم آماده نمود. اینک ادامه مقاله:

۲- دیدگاهی که کار مستقیم و خاص بر روی زنان زحمتکش در مرحله فعلی انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی را می پذیرد اما در شرایط فعلی جنبش که هنوز سازمانها و گروهها در حال پراکندگی بسر میبرند معتقد است که نمیتوان بر روی زنان کار مشخص نمود و نتیجه کار مشخص را بر روی زنان زحمتکش موکول به ایجاد حزب مینماید.

برای پاسخگویی و برخورد با این دیدگاه باید بدو شکل به آن پاسخ گفت:

(الف): چگونه امکان دارد که ما از نظر استراتژیکی مسئله را بپذیریم و بطور کلی اصولی آنرا قبول داشته باشیم اما بلافاصله پراکندگی و نداشتن نیرو، یک قانون تاکتیکی را بپذیریم که در واقعاً به دلیل پراکندگی و جدائی نیروها و سازمانها کار بر روی زنان امکان پذیر نیست یعنی کلیه نیروهای جنبش نباید بر روی زنان نیرو بگذارند.

این مثل آنست که بگوییم به دلیل پراکندگی نیروها و اینکه هنوز بطور نسبی نتوانسته ایم جنبش کارگری تماس برقرار کنیم پس بر روی دهقانان کار نکنیم - اگر دهقانان به عنوان متحدین پرولتاریا در این مرحله از انقلاب فعالیت مشخص را از جانب کمونیستها میطلبند زنان نیز بخواهند اینک نیمه از نیروی جنبش توده ای هستند و بخواهند اینک بدون حرکت آنها انقلاب بشمر نمیرسد (و این فقط یک جمله بدون پشتوانه عملی نیست که لنینین مطرح کرده باشد پس وضع نمودن چنین قانونی تاکتیکی غلط است و در حقیقت چنین دیدگاهی وظایف یلایا مله خود را تسلیم پراکندگی میکند و در مقابل پراکندگی جنبش که دورانی از رشد جنبش کمونیستی است سپرمیاندا زدوبه آن تن در میدهد.

(ب) - آیا ما غیر دیالکتیکی و متافیزیکی به مسئله کمبود نیرو و مینگریم و راه دهگرایانسه میخوایم با وجود کمی نیرو بر روی زنان نیرو بگذاریم؟



زنان زحمتکش معانی و شرکت فعال در نبرد مسلحانه رهائی بخش - آوریل سالهای ۱۹۷۰

خوب، مخالف ایجاد گروههای خاص حزبی برای کار در میان زنان هستند، آنها این عمل را محکوم به بازگشت به جنبش رسوای "آزادی زنان" ("\*)، به سنتهای سوسیال دمکراتیک میکنند، آنها مدعی اند که از آنجا نیکه حزب کمونیست به زنان تساری داده است، در نتیجه آنها باید بدون تما یز در بین همه کارگران بطور کلی کار کنند برخوردار از زنان و مردان با دیدگانی با شاهر کوشی که (در شرایطی که لنین اشاره کرده) برای تهیه وسای زندگی، در نظر گرفته شود یا تفسیر این دیدگاه اپورتونیزم و... به آن خواهد خورد...

۳- دیدگاهی که مسئله ای بنام "زن" در جوامع طبقاتی را قبول دارد اما معتقد به ایجاد تشکیلات وریسمانهای تشکیلاتی که این کار ویژه بر روی زنان زحمتکش را انجام میدهد نیست. این حقیقت روی دیگر سکه دیدگاه فئودالیستی است که بیخاطر عدم قبول مسائلی بنام زن در جامعه، به طبع تشکیلات را نیز نمی پذیرد. این دیدگاه با دیدی تروتسکیستی از مسئله زن معتقد است که از طریق همان کار عمومی و سوسیال دمکراتیک بر روی کل طبقه کارگر، زنان نیز می توانند بتدریج خود را ساخته و خویش را از قیود جامعه طبقاتی رها کرده و برای انجام انقلاب آماده و بسیج شوند و بخصوص این دیدگاه، جریانی را که بکار مستقیم و مشخص از طریق ارگانهای خاص بر روی زنان زحمتکش معتقدند به داشتن افکار فئودالیستی محکوم

(\*) - منظور جنبش زنان بورژوا که به جنبش فمینیست ها معروف می باشد.

لنین گفت: این جزیتان و فاطمی نیست  
اجازه ندهید که شما را منحرف کند، چرا در هیچ  
جا تعداد در زمان در حزب به اندازه مردان نیست،  
حتی در روسیه شوروی؟ چرا مقدار زنان در  
اتحادیه‌های کارگری اینقدر کم است؟ این  
واقعیات به شخص غذای فکری می‌دهند و در کردن  
ضرورت گروه‌های خاص برای کار در میان نوده-  
های زنان بخشی از طرز فکر بسیار اصولی و اساسی  
و دوستان عزیز حزب کمونیست کارگران (\*\*\*)

است...  
آنها برای این عقیده اند که تنها یک شکل از  
تشکیلات با وجود داشته باشد. اتحادیه  
کارگران. من راجع به آن میدانم هر زمان که  
عدم اتفاقاً هم وجود دارد، یعنی هر زمان که فکر از  
قبول حقایق واضحی - که با یستی مورد توجه  
قرار گیرند - آبا میکند، پرنسیپها از طسرف  
بسیاری از افراد انقلابی فکرولی سردرگم علم  
می‌شوند، یعنی جا شیکه مغز از گرفتن واقعیات  
مشخصی که با بد مورد توجه قرار گیرد امتناع  
می‌وزرد، این محافظان "خلوص اصول" چگونه  
از عهده ضروریات تاریخ سیاست انقلابی ما بر  
می‌آیند؟ همه این حرفها در مقابل ضروریات  
سنگدل فرو میریزند. ما نمیتوانیم دیکناتوری  
پرولتاریا را بدون پشتیانی میلیونها زن  
برقرار کنیم ما باید برای یافتن این راه  
مطالعه و تحقیق کنیم.

بنا بر این برای ما کاملاً صحیح است که  
خواسته‌هایی به نفع زنان را مطرح کنیم.  
این یک برنا مه حداقل یا برنا مه ای فرمبستی  
با محتوای سوسیال دمکراتیک - از نوع انتر  
- ناسیونال دوم نیست. این نشانه‌دهنده آن  
نیست که ما به بورژوازی معتقدیم و دولت آن  
برای همیشه حتی برای مدتی طولانی پایدار  
خواهد ماند یا این کوششی برای آرام ساختن  
توده‌های زنان با فرمها و منحرف کردن آنها  
از راه مبارزه انقلابی نیست این چیزی از  
این نوع نبوده و همچنین نوعی لاف فرمبستی  
نیست.

همچنین کولنتای رهبر برجسته جنبش  
زنان زحمتکش در روسیه چنین میگوید:

"این طبیعی است که حتی روانشناسی زن  
در طی قرنهای بردگی، از مرد طبقه کارگر متفاوت  
باشد. مرد کارگر مستقل تر، مصمم تر و واقعاً طعتر  
بوده، احساس همدردی بیشتری دارد، آفاق دید  
او بدان جهت که منحصر به کار محدود و فاطمی  
و روابط خانوادگی نیست، وسیعتر است. برای او  
آسانتر است که به منافع خود آگاه شود و آنها  
را به مشکلات طبقه‌اش ربط دهد، ولی برای زن  
کارگر رسیدن به این پختگی دید مرد کارگر  
متوسط، به معنی قطع رابطه با سن، تصورات  
اخلاقیات و رسوم است که از گهواره بخشی از  
وجود او شده اند. این رسوم و سنن که سیاسی در  
نکته‌اش تر زن در مرحله قبلی تکامل اقتصادی  
دارند، بموانع صعب العبوری در راه کسب

بفصلنامه ۱ باز هم ...

تا نیا - حزب دمکرات نه تنها به قطع علاقه‌ها  
"نظم و نسق فرور و وسطائی" رغبت نشان نمی -  
دهد، بلکه با تحمیل انواع مالیاتها و با جهات  
بر توده‌های دهقان و تهدید آنها ن به برداخت  
این مالیاتها و با جهات و با جلوگیری از مبارزه  
دهقانان برای معادله زمین‌های اربابسی،  
دلیستی خود را برای حفظ همین نظام و روابط  
پوسیده کهن نشان میدهد. در طرح سن ساده‌ای  
حزب دمکرات که وی حتی حاضر است آنرا با  
اصلاحات رژیم بپذیرد، کلامی در باره مسائل  
حقوق توده‌های دهقان و زحمتکشان کردستان  
نمیتوان یافت. ثالثاً - آنچه که حزب دمکرات  
بعنوان "دمکراسی برای ایران و خودمختاری  
در کردستان" تبلیغ میکند، علیرغم ظاهر  
فریبنده این شعار، عملاً شعاری است که حزب دمکرات  
تحت لوای آن، توده‌ها را می فریبد، با نیروهای  
کمونیست و توده‌های انقلابی درگیر می‌شود و  
سیاست سازش خویش را با ارتجاع توجیه میکند.  
در دوره اول جنبش مقاومت، حزب دمکرات  
با رها و با رها به تعهدات خود در هیئت نمایندگی  
خلق کردیشت با زدوسمی گردیده‌اش با رژیم  
برسد. ستونهای ارتشی را که برای سرکوب خلق  
کردنقل و انتقال میگرداند، اسکورت و حمایت  
کرد، در برابر طرح ۲۶ ماده‌ای هیئت نمایندگی  
خلق کرد (علیرغم کلیه نواقصی که این طرح  
داشت) به ارائه طرح سن ماده‌ای خود برداخت و  
حاضر شد حتی با اصلاحات این طرح از جانب رژیم  
که در واقع همان طرح "خودگردانی" قروهر و  
دولت موقت با زرگان بود موافقت کند، در  
حالی که توده‌های خلق کرد که در عیش دست یابی  
به حقوق ملی و طبقاتی خود که سالیان سال به  
وسيله رژیمهای ارتجاعی حاکم در ایران، لگد -  
مال شده بود، می‌سوختند.

در دوره دوم جنبش مقاومت از موضع کاملاً  
متزلزل و مماشات‌جویانه و آنهم تحت فشار  
توده‌ها و از موضعی ضد انقلابی حاضر به جنگ بر -  
علیه تاج و زینروهای سرکوب رژیم به خلق کرد  
گشت. حزب دمکرات در این دوره همچنان که  
تلاش میکند با ارتجاع حاکم در ایران قرارداد -  
های سنگین و ارتجاعی ببندد، از آنجا که  
تضادهای درونی هیئت حاکمه این امکان را  
کمتر محتمل می‌سازد به تلاش جهت سازش و وابستگی

آگاهی طبقاتی زن کارگر تبدیل شده اند. از  
این بحث واضح است که میتوان مغزنی تحرک  
جنبش زنی را بیدار کرده و راه را زنده کرد  
ولی تنها از طریق یک برخورد خاص به او و تنها  
با استفاده از روشهای مخصوص کار در میان زنان  
(نقل از "مبارزه زنان کارگر" کولوننتسای  
تاکیداً زماست)

حال پس از اینکه مطالبی در رابطه با  
روشن شدن جرایمی کار در میان زنان مطرح شد  
مسئله چگونگی کار در میان زنان مطرح میشود

به سوسال امیرالایم و بیعت عراق دست  
میرد. با این اکر میسینیم این حزب خود را  
به ما هدین نزدیک نشان میدهد، نه ناشی از  
نمایشات دمکراتیک "این حزب، بلکه به لحاظ  
نا بگیری متی مجاهدین و از جمله سیاست  
لیبرالی مجاهدین در برخورد به لیبرالهای فاش  
هیئت حاکمه است. آری! حزب دمکرات ربا -  
کارانه با مجاهدین نزدیکی نشان میدهد و آنها  
بر اساس ناپیکاری خود به این حزب، اعتماد  
میکند. اما ممکن است این تاکتیک حزب  
دمکرات در مورد مجاهدین کار ساز باشد، اما  
برای توده‌های خلق کردی که استوار رویکیا رجه  
بر علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند و  
تا دست یافتن به حقوق خود همچنان جنبش را  
تحت رهبری کمونیستها ادامه خواهد داد و دغسای  
رنگ با ختای بیش نیست!

خلاصه کنیم: مبارزه خلق کرد در اتحاد  
ناکستنی با مبارزات سراسری توده‌های تحت  
ستم ایران است، همچنان به پیش خواهد رفت و  
با رهبری، افشگری و سازماندهی نیروهای  
کمونیست، آه آه ریشه را روشنتر و استوارتر خواهد  
کرد. در این راه هر مخالف توده‌ها جموحشانه و  
سیاست سرکوب رژیم ضد خلق جمهوری اسلامی و نه  
سیاست ضد انقلابی حزب دمکرات تا در نخواهد  
بود که در راه این خلق بی‌خاسته خللی وارد  
بازد. نیروهای دمکرات نیز اگر می خواهند،  
به عنوان یک دمکرات وظایف خود را در قبال  
جنبش توده‌ای انجام دهند، می بایست در نزدیکی  
و اتحاد با کمونیستها عمل کنند و به انقلاب توده  
- ها بیا تبدیلند، سیاست مماشات با لیبرالها و  
ضد انقلاب، قطب انقلاب را تضعیف میکند.

متاسفانه با زمان مجاهدین سیاستی را که  
امروز به پیش میبرد سیاستی است که به انقلاب  
ضربه میزند و لیبرالایم را رواج میدهد، سیاستی  
است که به "بالا" نگاه میکند و نه به توده‌ها،  
سیاستی است که همکاری با لیبرالهای ضد  
انقلابی و حزب دمکرات را نسبت به همکاری با  
کمونیستهای راستین ترجیح میدهد. این  
سیاست به چه طبقه‌ای خدمت میکند؟ مسلماً این  
سیاست به نفع بورژوازی عمل میکند و بزبان  
انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای  
کبیر ایران است.

یعنی اولاً در میان کدام اقشار زنان باید  
فعالیت نمود و ثانیاً از طریق چه تشکیلاتی  
با ید کار کرد؟  
(ادامه دارد)

(\*\*\*) - حزب کارگران کمونیست آلمان - از  
گروه آنا رشیست - سندیکا لیست خرده بورژوازی  
در ۱۹۱۹ به توسط عناصر "چپ" که از حزب  
کمونیست آلمان انشعبا کرده بودند، تشکیل  
شد و با عدم حمایت کارگران آلمان مواجه گردید.

### کنفرانس غیرمتعهدها یا متعهدها نه امپریالیسم؟

بدنیا ل ساختمان پیروزمندان سوسیالیسم  
 در اتحاد جماهیر شوروی و بلافاصله پس از پیروزی  
 کشورشورها بهره‌ری رفیق استالین در جنگ  
 ضدفاشیستی، امپریالیسم غرب و بخصوص امپریا-  
 لیسم آمریکا جنگ تبلیغاتی گسترده‌ای را علیه  
 شوروی سوسیالیستی و کمونیسم شروع کرد .  
 امپریالیسم جهانی میکوشید تا چهره تا بنساک  
 کمونیسم را لجن مال کرده و با "جنگ سرد" و  
 شانناژاتی شوروی سوسیالیستی را بزبانو در  
 آورده و کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را  
 نسبت به سوسیالیسم و انقلاب بی اعتماد سازد .  
 اما برخلاف خواست امپریالیسم عشق کارگران و  
 زحمتکشان نسبت به شوروی فروزانتر گردیده و  
 مبارزات و انقلابات طبقه کارگر و خلقها ابعاد  
 جدیدی بخود میگردد. در همین دوران تیتوئیسم  
 بسه مثلاً به نیروی ذخیسره امپریالیسم  
 جهانی وارد کارزار علیه سوسیالیسم و انقلاب  
 خلقها میگردد. تیتوئیسم همسوا امپریالیسم از  
 یکسویه تعارض علیه شوروی سرخ و رفیق  
 استالین یلیند شده و از سوسیالیسم  
 دیگر برای نگاهداشتن خلقها و انقیاد دوبردگی  
 امپریالیستی به راه یکسوی تیتوئیسم  
 امپریالیستی دست میزند که از آنجمله تیتوئیسم  
 ضدانقلابی "کشورهای غیرمتعهد" است. تیتو-  
 ئیسم بمثابه یک جریان رویزیونیستی میکوشد  
 تا با اتکا به این تئوری به طبقه کارگر و خلقها  
 و نمود سازد که میان سوسیالیسم و امپریالیسم  
 "راه سومی" وجود دارد و انقلاب بمثابه یک راه  
 رهائی ضرورت خود را از دست داده است چرا که  
 در کشورهای تحت سلطه رژیمهائی در حاکمیت  
 مینا شند که نسبت به امپریالیسم "غیرمتعهد"  
 بوده و "ضد امپریالیست" بشمار می آیند .  
 رویزیونیستهای یوگوسلاوی معتقدند که امروز  
 کشورها مستقل مینا شده و آنها می توانند با  
 وارد شدن در دویلوک نظامی "نا تو" و "ورشو"  
 "غیرمتعهد" باقی مانده و نشان دهند که می-  
 توان نیروی جدیدی تشکیل داد که در برابر  
 آمریکا و شوروی قرار دارد. آنها بر آنند که در  
 اوضاع کنونی وظیفه اساسی اینست که سروسر  
 جهان بطریقی "عادلانه تر" و "منطقی تر" تقسیم  
 گردد و امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم شوروی  
 به "کشورهای عقب مانده" کمک کنند تا آنها  
 توسعه یابند. و به همین خاطر با بدبا/تشکیلی  
 کنفرانس های بین المللی، سمینارها، مباحثات  
 مذاکرات و امتیازات متقابل با حسن نیت  
 به تغییر جهان و برقراری صلح جهانی کمک نمود  
 رویزیونیستهای یوگوسلاوی بر اساس تیتوئیسم  
 امپریالیستی خود میخواهند چنین امانه دهند  
 که می توان یک "جنبش از کشورهای بیطرف و



مستقل از دویلوک "بریا ساخته که با اتکا به آن  
 و با افترا آوردن بروی "بزرگها" آنها را  
 وادار به چشم پوشی از سیاست توسعه طلبانه نمود  
 در حقیقت رویزیونیستهای یوگوسلاوی در  
 زمانی که شوروی هنوز یک کشور سوسیالیستی  
 بود در سراسر دوگانه بزرگ سوسیالیسم قرار داشت  
 می کوشیدند تا چنین نشان دهند که کشورهای  
 می توانند با شکست مخالف سرخست اردوگانه  
 سوسیالیسم یوده اما کماکان "مترقی" باقی  
 بمانند. آنها در پی آن بودند تا چنین وانمود  
 سازند که می توان بر ضد شوروی سوسیالیستی  
 بود و در عین حال مستقل از جهان امپریالیستی  
 قرار داشته و "نیروی سوم" را تشکیل داد. تیتو-  
 ئیست ها با تئوری ارتجاعی خود بر ما هیست  
 کشورهای تحت سلطه یورژوازی که بطریق مختلف  
 با جهان امپریالیستی پیوند داشته برده می-  
 انداختند و در حالیکه این کشورها جزو اردوگانه  
 امپریالیسم جهانی بودند آنها را "غیرمتعهد و  
 مستقل" وانمود میساختند. و در واقع تیتو در  
 چنین شرایطی بمثابه نوکر امپریالیسم جهانی  
 عمل میکرد و در شرایطی که سرمایه داری جهانی  
 در بحران قرار گرفته و احتمال ضرباتی جدی شده  
 بود با حمله به اردوگانه سوسیالیستی نشان می-  
 داد که عملاً با سدا رسر ما به جهانی و یورژوازی  
 بین المللی میباید. پس از اینکه شوروی به  
 یک قدرت امپریالیستی تبدیل گردید تیتو-  
 ئیسم کماکان بمثابه عامل تخریب کننده  
 در انقلابات خلقها و طبقه کارگر عمل کرده و خود  
 را همچنان با سدا رنظام کهن نشان داد. این  
 جریان یورژواژی با تئوری نواستعماری "کشور  
 های غیرمتعهد" در پی ضمیمه طبقه کارگر  
 و خلقها برآمده و میکوشید تا از انقلاب یوده ها  
 علیه یورژوازی حاکم جلوگیری نماید. تیتو-  
 ئیسم بر آن بود تا بگوید که کشورهائی که وارد  
 بیجان نظامی ورشورنا تونشده اند، مستقل از  
 جهان امپریالیستی بوده و این کشورها می-  
 توانند از طریق فشار، انحصارات امپریالیستی  
 را کام به کام محدود ساخته و بنا بر این در گونی  
 بنیادی و واژگونی طبقه ارتجاعی حاکم لزومی  
 ندارد. این تئوری میکوشد تا طبقه کارگر و  
 خلقها را از مبارزه واقعی علیه امپریالیسم و  
 ارتجاع حاکم منحرف ساخته و رژیمهای مرتجع  
 حاکم در کشورهای تحت سلطه را "مترقیسی"،

"دمکرات"، "ضد امپریالیستی" و حتی "سوسیالیست"  
 وانمود سازد.  
 بریا به این تئوری امپریالیستی بود که  
 تیتو کوشید برخی از شخصیت های کشورهای تحت  
 سلطه را بدنیا ل خود کشیده و با کسب وجهه ،  
 خلقهای جهان را بغیر بید و امپریالیسم یورژوا  
 زی را از زیر ضربات مبارزات انقلابی یوده-  
 ها برهانند. تیتو به همراه نهرو، نارو سوکارنو  
 از جمله بنیان گذاران "جنبش کشورهای غیر  
 متعهد" شدند. اولین کنفرانس "غیرمتعهد" ها  
 در سال ۱۹۵۵ در شهر با ندونگ در اندونزی  
 تشکیل شد. در میان این کنفرانس دوا غلامیه  
 ما در میشو که در یکی از امپریالیسم آمریکا  
 و شوروی دعوت شده بود که برای اجتناب از یک  
 برخورد جهانی با هم تماس برقرار نکنند در  
 دیگری که "منشور کشورهای غیرمتعهد" نامیده  
 شد آمده بود که دولتهای شرکت کننده در این  
 کنفرانس ترا جتناب با پذیر بودن جنگ و با حتی  
 جنگ سرد را رد میکنند و اصول همزیستی مسالمت-  
 آمیز را تنها انتخاب در مقابل جنگ سرد و خطر  
 احتمالی یک فاجعه بزرگ ناشی از جنگ هسته ای  
 بشمار میآورد. بدین ترتیب کنفرانس بر ما هیست  
 امپریالیسم یوده ها ترا نداخته، جنگ را گذاشت  
 امپریالیسم است اجتناب پذیردا نسته و بجای  
 مبارزه انقلابی خلقها علیه امپریالیسم "اصول  
 همزیستی مسالمت آمیز را تنها انتخاب بشمار  
 می آورد. حال آنکه از نظر ما کمونیستها و از  
 نظریه کشورهای سوسیالیستی انترناسیونالیسم  
 پرولتری اساس سیاست خارجی یک قسندرت  
 پرولتری را تشکیل میدهد و خلقها هیچ راه دیگری  
 برای نجات ندارند جز مبارزه و انقلاب علیه  
 ارتجاع و امپریالیسم و آنها هرگز فراموش نمی-  
 کنند که تا زمانی که امپریالیسم هست جنگ وجود  
 دارد و جنگ امپریالیستی فقط با جنگ انقلابی  
 علیه امپریالیسم یونا بودی امپریالیسم از بین  
 میرود. کنفرانس "غیرمتعهدها" در پی آنست تا  
 جنگ را به عنوان محصول تضادهای طبقاتی  
 نادیده گرفته و از ذهن خلقها آنرا دور سازد و  
 صلح اجتماعی در شرایط حاکمیت امپریالیسم  
 و یورژوازی را تبلیغ نماید. جالب است که  
 جلسات اقتصادی "غیرمتعهدها" که در سال ۱۹۶۲  
 در قاهره تشکیل میشود طی صدور یک اعلامیه از  
 "کشورهای صنعتی تقاضای کمک اقتصادی می-  
 نماید. به معنای دیگر اعلامیه همچنان خواستار  
 ادامه نفوذ کشورهای امپریالیستی در کشور-  
 های تحت سلطه گردیده و ما هیست تجا وزگرا نه و  
 توسعه طلبانه امپریالیسم را می پوشاند .  
 نگاهی به کنفرانس اخیر "کشورهای غیر  
 متعهد" که با شرکت ۹۶ کشور در دهلی نو برگزار  
 شد، یکبار دیگر ما هیست ارتجاعی این کنفرانس  
 را آشکار میسازد و نشان میدهد که نه تنها کشور-  
 های شرکت کننده در آن متعهد به امپریالیسم  
 جهانی هستند بلکه علاوه بر آن، این کنفرانس از  
 برداشتن کوچکترین گام ضد امپریالیستی نیز

## قیام ۲۹ بهمن تبریز، پیش درآمد قهر انقلابی زحمتکشان علیه سرمایه داری وابسته

توده به در یوزگی از بارگاه جلاذخلفای ایران مشغول بودند. مردم زحمتکش با حمله به مظاهر ستم و استعمار بردارستی بر خصلت قهرآمیز بودن مبارزه بر علیه رژیم شاه صحنه گذاشتند و با سبب اینکه حرکت انقلابی مردم تبریز، اعتراض حزب ورشکسته توده را که سالها خیاالت او را هیتیش را روشن کرده بود، برانگیخت و این حزب ضد خلقی در ورق پاره های خود، قیام شورا تکیه زحمتکشان تبریز و آتش زدن با ننگهای وابسته به امپریالیسم، سینماها و دفاتر حزب رستاخیز ساها را، که رعدای "ساواکی" و "ماجراجو" گه "قصد بر همدان آراشی و ایجا دآشوب" دارند قلمداد نمود و با ردیگر خیاالت خود به خلقهای ایران را به اثبات رسانید.

شکوه و عظمت خیزش انقلابی تبریز در این بود که بعد از سالها خفقان و استعمار ربنسرای اولین بار رژیم ضد خلقی شاه با حرکت عظیم یکپارچه و متحد مردم و روبرو شد، حرکتی که در صورت خود، مبارزات عمدتاً مسالمت آمیز توده ها ابعاد قهرآمیز با شکوهی بخشید و آتش انقلاب در سراسر ایران را دامن زد. آری، زحمتکشان ستمدیده تبریز در نبرد رویا روی با رژیم شاه با شهادت قهرمانان خود حماسه ها آفریدند و این امید که هر آنچه که مظهر ستم و استعمار طبقاتی است برانداختند و به اساسی ترین خواست خلق که همانا نابودی سیستم سرمایه داری وابسته بود، دست یابند، اما بعینت عدم وجود حزب طبقه کارگر و رهبری تا به آذر انقلابی آن، بر جنبش خلقهای ایران، سازگاران و عوام فریبانی بر موج انقلاب توده ها سوار شدند که هدفی جز حفظ سیستم ضد خلقی و استعمار گران سرمایه داری وابسته نداشتند و جز به استعمار زکارگران و زحمتکشان و خلقها و سرکوب مبارزات آنها نمی اندیشند.

اکنون سه سال از روز قیام خونین و حماسی مردم تبریز میگذرد و بعد از دو سال که رژیم شاه سرنگون شد و رژیم جمهوری اسلامی جای آنرا گرفته، زحمتکشان تبریز همچون دیگر خلقهای زحمتکش سراسر ایران، در مقابل مبارزات خویش برای تحقق خواسته های انقلابیشان، جز سرکوب و کشتار و خفقان چیزی نصیبشان نشده است. ما ضمن گرامی داشت این روز با شکوه که سر آغاز جنبش حماسه آفرین دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران بود، از تجربیات گرا نقد رقیام تبریز و خلقهای سراسر ایران، درس مبارزه و مبارزه برای ایجا دحزب طبقه کارگر و تاسیس رهبری این طبقه برانقلاب توده ها، مبارزات خود را بر ضد ارتجاع حاکم و در جهت خواست انقلابی، شهادت قیام تبریز عمق می بخشیم

سال ۱۲۵۶ اولین جوانه های جنبش انقلابی توده ها در مبارزات خارج از محدوده زحمتکشان بی مسکن در اعتراضات کارگری، مبارزات انقلابی دانشجویی و... شکوفه میزند. تظاهرات انقلابی مردم مبارز و شهادت عده زیادی از آنان، آغاز انقلابی پر شکوه را نوید میدهد. روز ۲۸ بهمن است، کارگران و زحمتکشان ستمدیده تبریز که قاتلان از بار سنگین سالها فقر و ستم و استعمار رژیم ضد خلقی شاه خمیس شده گشته است، همدیگر را به شرکت در تظاهرات ۲۹ بهمن دعوت میکنند. در کارخانه ها، خیابانها کوچکها و بزارها فقط یک سخن است: "فردا شپردی بی امان با رژیم وابسته - امپریالیسم شاه در پیش است. باید دروازه های انقلاب را گشود، بیروزی از آن کارگران و توده های زحمتکش خلق است."

روز ۲۹ بهمن ۱۲۵۶ آتش قیام از زیر خاکستر خفقان سر برآورد و مردم زحمتکش تبریز به خیابانها ریختند، زن و مرد پیر و جوان همه و همه خیابانها را به عرصه نبرد خود با رژیم ضد خلقی شاه تبدیل کردند. جنبش انقلابی مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۵۶ طلیعه با شکوه طوفان انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران بود. در این روز بعد از شهادت یکی از زحمتکشان تبریز در مراسم بزرگداشت شهدای قم در ۱۹ دی موج خشم و نفرت انقلابی بی پایان خلق سراسر تبریز را فرا گرفت. مردم زحمتکش هر آنچه را که نشانی از رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در آن یافت میشد به آتش کشیدند و هر آنچه را که مظهر سرمایه داری وابسته و منشاء سالها فقر و ستم و گرسنگی بودند نابود کردند و با ننگها، سینماها، مراکز وابسته به رژیم را بدست توانای خود به آتش نفرت انقلابی خود سوزاندند. آنها بی پروا و مصمم متحد و یکپارچه به ارتش ضد خلقی مستقر در خیابانها حمله کردند و توده ها نفرات آنها را به لاکت رساندند. در این روز صدها نفر از زحمتکشان تبریز در خون خویش در غلظیدند. آری، قیام مردم تبریز جزقه ای بود که مبارزات خلقهای سراسر ایران را به انقلابی قهرآمیز و به طوفانی تبدیل کرد که در قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۵۷ طومار عسمر ننگین ۵۵ سال رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی را درهم پیچید.

حرکت انقلابی و یکپارچه مردم زحمتکش تبریز، با سخا انقلابی و دست رده بر سینما سازگاران و رویزیونیستهای خاشاکساز شده بود. جنبش قهرآمیز مردم زحمتکش تبریز بر تمام می توطئه ها و حیلها می سازگاران خط بطلان کشید و نشان داد که تنها و تنها در ستم قیامی انقلابی قهرآمیز می توان انقلاب را پیش برد. در آن زمان که لیبرالها و حزب خاشاک

ناتوان میباید شد و عملاً محترقا بشه های کشورهای وابسته و بی تمایل به یکی از دو قدرت امپریالیستی یعنی امریکا و شوروی بشمار می آید. در حقیقت همکشورهای شرکت کننده در کنفرانس به طرق مختلف وابسته به سرمایه جهانی بوده و فراتر از آن یکسری از این کشورها سرسپرده به یکی از دو قدرت بزرگ امپریالیستی میباشند. آیا مصر، پاکستان، عربستان سعودی، اندونزی غیر متعهد به امپریالیسم هستند و یا کارگزار مستقیم امپریالیسم جهانی را امریکا بشمار می آید؟

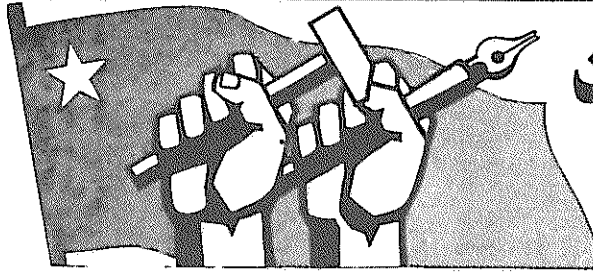
آیا افغانستان، کوبا، اشیوی، یمن جنوبی مستقل میباشند و یا کشورهای متعهد و وابسته به امپریالیسم جهانی را شوروی محسوب میشوند؟ این کشورها از نقطه نظری سیاسی، اقتصاد و نظامی و دیپلماتی کاملاً در چارچوب منافع امپریالیستی حرکت کرده و فاقد هرگونه حرکت مستقل میباشند. آیا کشورهایی مانند یوگوسلاوی، هند، سوریه، ایران، عراق، الجزایر مستقل و غیر متعهد هستند؟ نگاه به ماهیت طبقاتی و اقتصادی آنها کم در این کشورها و مناسباتی که میان این کشورها و جهان امپریالیستی وجود دارد، نشان میدهد که این کشورها نه تنها جزو لاینفک اردوگاه امپریالیسم بوده، بلکه بسیار صدها رشته اقتصادی و سیاسی به جهان امپریالیستی پیوند میخورند. این رژیمهای سرمایه داری که مدافع بوز و آوی مرتجع بوده، طبقه کارگر و زحمتکشان را بشدت و بطور مستمر سرکوب کرده و هزاران قرارداد اقتصادی و فرهنگی با امپریالیستها امضا کرده اند هرگز غیر متعهد نمی ترسند با شهادت رژیمهای مرتجعی که حافظ شرکتها و بانکهای امپریالیستی در کشور خود بوده، مدافع نظامی میباشند که نه تنها تا مبین کننده سودها کثرت آنها را بلکه سرکوب کننده طبقه کارگر و خلقها میباشند. نه مترقی و مستقل هستند، نه دموکرات و انقلابی بقیه در صفحه ۱۷

### سیل در زاهدان

در روز شنبه ۷ بهمن ۵۹ بدنبال ریزش باران مداوم، محله با بلائیان را که در دامنه کوه قرار دارد سیل فرا گرفت. و بیش از ۵۰ خانسه ویران و بدهها خانه دیگر آسیب جدی وارد نمود. رژیم جمهوری اسلامی که شب و روز دم زحامت از شتمنغین" و... میزند کمترین توجه را به سیل زدگان ننموده است. این محله از محلات زحمتکشان زاهدان است. و جاری شدن سیل خسارات جدی بزندگی آنها وارد نموده است.

بدنبال جاری شدن سیل رفقای زاهدان بیاری سیل زدگان شتافته و در جدا مکان به آنان کمک رسانندند. مختصر شده از نشریدیلوج شماره ۶۵ (ضمیمه)

# هنرمقاومت هنرپرولتری

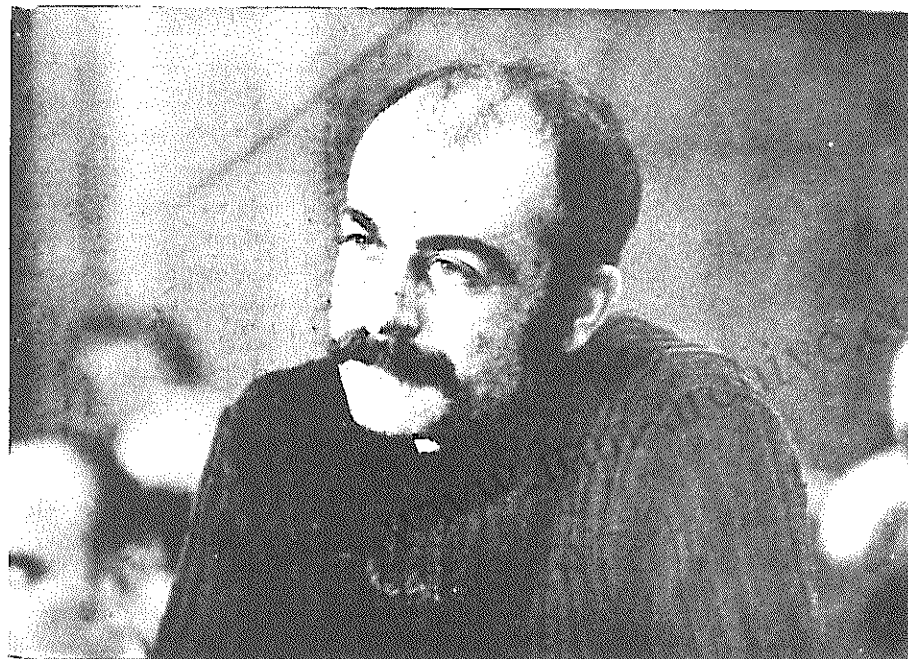


## خسرو گل سرخی: سرود خوان انقلاب تا آخرین قطره خون

شکسته و سفالین شمال، در آوازه‌های خاموش ما هیگیران، درون کپرها، خاشیه کویسرها، در کارخانه‌ها و کشتزاران از خلیج تا خزر از کناره ارس تا ساحل کارون زنده ماند.

اما زندگی این رفقا نه تنها بمنا به یک انقلابی، بلکه بعنوان یک آفرینشگر هنرمند و در سهای گرانبها شایسته است که با پدیده‌های مندان خلق آنرا فراگیرند و در خدمت انقلاب پروولتا ریای توده‌های زحمتکش قرار دهند.

ما اکنون قدمان آثارهای مختصر به میراث گل سرخی در زمینه هنر و یادآوری دست آوردها و محدودیتهای هنراست. زیرا هیچ ستایشی برای یک شاعر کمونیست، عظیم تر از آن نیست که اجازه ندهیم، زندگی اش به افسانه‌ای



سپیده دم ۲۹ بهمن هر سال، خاطره‌ای حویس و پرافتخار برای کارگران و توده‌های، زحمتکش ما زنده میشود. ۷۰ سال پیش در چنین صبحگاهی رفقا خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان، بیس از محاکمهای که برای میلیونهای از مردم مسموم دیده‌ما، نمایشی قهرمانانه جهت رسوا نمودن گنبدی سرما پیداری، از سوی دو کمونیست بود، بدست دژخیمان رژیم آمریکا شایسته، تیرباران شدند.

چرا تیرباران رفقا گل سرخی و دانشیان، آنچنان اشرفرا موش نشدنی و پرافتخار کننده بر طبقات تحت ستمیاتی نهاد؟

پاسخ روشن است. زمانی که هزاران هزارتن از استعمارشوندگان، در سیستم سرما پیداری وابسته به امپریالیسم، متحمل ددمنشانترین ستمهای می‌گشتند و تا زمانهای رژیم جلاد شاه، دمایی بیگوارنجدیده‌شان را آلوده نمی‌نهاد، آن زمان امکان یافتند با چهره فرزندان دلاوری آشنا شوند که وفادار به آرمانهای سرخشان گام در راه مبارزه‌ای قهرمانانه نهادند و تا پای جان سازشنا پذیر و سربرافراشته از خلقشان دفاع نمودند. وزمانی که رژیم پیداری پوچ سرراه انداختن نمایشی بیروز میندا نه جهت بی اعتبار کردن آرمانهای سرخ انقلاب و قدر قدرتی ستمگران، آن شعبده بازی را در بیدار دگا ه خود بر راه انداخت، آنان جلسات محاکمه را بیهوده دادگا ه خلق برای درهم کوفتن قدرت جنا بکارانه سرما پیداران و امپریالیستها تبدیل کردند. توده‌ها بر صفحات تلویزیون، در قلمت استوار دو کمونیست، زندگی سرفرازانه خود را دیدند، زنده بودن آرزوهایشان را دیدند، اجتنابنا پذیری مرگ ستمگران و نابودی طبقات ارتجاعی را دیدند، عشق و ایثار آتشین در راه انقلاب را دیدند و دفاعیاتی را شنیدند که چون آفتاب بی، تیرگی‌های نا آگاهی را میدریسد و روشنائی حقایقی انکارنا پذیر را آشکار میساخت. آنان در وضعیت مرفیق خسرو فریاد فرو خورده خود را می یافتند: شما ایمان داشتید با شیدکه حکومت غیرقانونی‌تان... دیربازود انقلاب قهرآئین توده‌های ستمکشیده ایران درو وواژگون خواهد شد.

● هیچ ستایشی برای یک شاعر کمونیست، عظیم تر از آن نیست که اجازه ندهیم، زندگی اش به افسانه‌ای مرده تبدیل شود و پیکر او در دستاوردها و محدودیتهایش را با زشتا سیم تا هرچه استوارتر راه کمونیستی اش را پی گیریم.

مردم تبدیل شود و پیکر او در دستاوردها و محدودیتهایش را با زشتا سیم تا هرچه استوارتر راه کمونیستی اش را پی گیریم. در عرصه هنر، اهمیت رفیق گل سرخی در آفرینش هنری است که در آن عشق به مبارزه، وفاداری به آرمانهای توده‌های ستمکشیده، ستایش انقلاب، برانگیختن احساسات آتشی، نا پذیر، ضدیت با همه جوانب هنرا رتجاعی و ضد انقلابی، تجلی با رزی یافتند است. در واقع رفیق گل سرخی در عرصه هنر، در قالب شاعری ظاهرا که بنحویش نا پذیر با قید و بندگی هنر، با موازین و سیاستهای بورژوازی در هنر، با دیدگا ههای منحن زبانی - شناسانه و با هنری که از فرط ملال و تن بروری و بی‌سودگی کراشی به منتهی درجه ورتکسسه شده بود به مبارزه برخاست. او در زمینه هنر هم چون زندگی خود، با

آنان در دفاعات رفیق کرامت رای تاریخی را می یافتند: "ایمان مایه بیروزی جنش نویسن ایران و سراسر جوامع طبقاتی جهان عظیمترین قدرت است و این را بگیریم که ما رکیسم هیچگاه موردخوشایند طبقه کارم وواستگان آنها نیست". چگونه میلیونها مردم تحت ستم، کارگران و دهقانان و زحمتکشان، کسانی که هرگا ه ذره‌ای رفاهت و فداکاری در فردی بیابند، بر سوزترین حق شناسی ایثارگران را نشان میکنند میتوانستند در اعماق قلب خود جانی برای این دو فرزند آگاه خویش با رنگشایند؟ وزمانی که جانیان، رسوا شده و شکست خورده از شعبده بازی خویش، رفیق کرامت و رفیق خسرو را بدرگبارهای کینه بستند، توده‌ها رنگان نشان را با زک خود ندانستند خون دلبر و جوانان کمونیستی آنان در شنشان جاری شود، آنگاه میلیونها گل سرخی، میلیونها دانشیان، در خانه‌های نمودر ووا دبه، زیر سقفهای

شما عتی کم نظیر علیه سلطه بلامنازع موازیسن  
هنری جا کم سبب و بر ضرورت هنری که سبب  
انقلاب و مبارزه ما زش تا بدیر همستکمی  
تا کستنی داشتند شدا کیدورزیید .

مبارزه کلسرخ علیان ابدها ثنی گد در  
سالهای ۴۰ آشکارو بیان ، برستدکی هنر سرفرود  
آورده و میکوشید روحیات ارتجاعی در هنر را  
بمنا به اصولی ابدی و مطلق وانمود سازد ،  
بواع مبارزه ای ارز مند و بیو رجعت رسد و  
با اندکی هنرا انقلابی بنما رسد ، ان همان  
هنسبب مهم و مضمون درختان و بیسترو فعل است  
رفیق خسرو در رشته هنر ، همان سیرات زنده و بیسر  
ارجی است که با انداز آن آجوت .

درواقع در عرصه هنر کلسرخ ، در برابر هنر خود  
بسی محکم از معیارهای رسائی شما سبب  
بورژوازی میدید ، بستن ترس این موازیسن  
بمنا به مناسب ترین انکال هنری در رژیسم  
سرما به اداری واسته و در زیر چکمه های رژیسم  
منحط شاهان مکان وسیعی برای سلطه خود می -  
با فتنه و سرما به ازان و مزدوران امپریالیسم  
و در راه همه دربارها به ما شرت شهیا نسوی  
"هنر پرور" با بخار ج میلیونی که از خون ورنج  
خلق مستعیده تا مین میکست ، امکان آن را فراهم  
کرده بودند که بسوی سه ترین انواع هنرا ارتجاعی  
و بورژوازی را بمنابه عالیترین نمونه ها از  
حقایق هنری به توده ها پیشکش کنند و بدین  
وسیله در راه تحقیق آنان بکوشند . هنر مستندان  
لیبرال که نقاب دروغین بر چهره ها کشند و انمود  
میکردند که حسابشان از دشمنان رسوای خلق جدا  
است و گویا در آستین تحفه ای دیگر دارند ، آنها  
در عرصه هنر هم همچون همه عرصه ها ، چیزی نبودند  
جز نما بندگان بورژوازی فدا انقلاب که بحض  
اناره ، در جشنواره ها و جشنها به دست و سببی  
علیا حضرت می شتافتند و کالای فاسدان را برای  
مسموم کردن و فریب اذهان توده ها به ارمغان  
میبردند .

کلسرخ در چنین اوضاعی سفا بله جدی بسا  
افکار بوج و محکوم به زوال بورژوازی در هنر  
برخاست و کوشید با بلند کردن برحم انقلاب  
در هنر ، استنطاقات انقلابی را طی مقدمات  
متعدد رواج دهد ، کلسرخ در قالب یک منتقد  
کمونیست امکان آن را یافت تا مسائل مرسوم  
هنر را در جا مع خود سنگافد ، همه محدودیتهای  
عینی و ذهنی که جهت ارا نه یک تحلیل عمیقاً  
ما رکیستی - لنینیستی در آن زمان از مسائل  
گوناگون برای روشنفکران انقلابی وجود  
داشت ، را مسائل سیاسی - ایدئولوژیک گرفته  
تا عوامل معرفتی ، مانع تلاش او جهت کشف و  
بیان مسائل هنر و مبارزه در راه هنرا انقلابی  
نگشت .

او این نظریه را که "هنر سار نیست ، هنر  
نمیخوا ند به مسائل و جریانهای روز رهنه کند"  
بمنا به نظریه ای فدا انقلابی ارزیابی کرده و با  
خشم آنرا در هم کوبید و با حشا سینی در خورستایش

شعر منتشر نشده ای از رفیق شهید  
خسرو کلسرخ بخط : **شودش :**

ای صبح گلشن ، شکره آینه !

ابروز

اس عشق ماست ، عشق به مردم

ملازم

رضی سرخ ،

زیبای تیرا بنام

من گریه نمیکنم ،

با بدتر از آنم ، می دانم

اما گریه هست ،

حای ریزان تو

رفیق که سر بر سر من برده

و خاک خراب ترا حراج می کند -

با بیهوشی که خنک من از خن من

بنا کرد

بنای آزادی ،

کی برگ می خوردن

کی میسوزد شسته ؟

سه سبزه ای گم می برم

اس است عشق من

می دانی !

من ، ایرانم

ضرورت تغییرات عمیقی که با نفی تئوری های  
بورژوازی ، می با بست در ادبیات و هنر پیدا بد  
بی برد ، او نوشت : "جای هیچگونه تردیدی برای  
تا باقی نمی با نده که با بد در سندان خنکسان  
ادبیات مبارز و مترقی بود و این بنای نو ، جز  
با نا بودی برجسب های حقارت بر این ساختمان  
و جزا نظریق ثلاثی بیکر هر مستندان و روشنفکران  
مردم کرا و اصل جوان امکان پذیر نیست . . . . .  
سا حتما ادبیات مردمی بر اساس تئوری های  
فرهنگ بورژوازی امکان پذیر نیست . . ."

رفیق کلسرخ در فعالیت عملی خود در زمینه  
آفرینش شعر به این اصل وفا دار بود و سروده های  
او سرود قهرمانی ها ، مبارزات ، کینه علیسه  
دشمنان خلق و امید به آینده ای متحول میباشد  
که با بد مفلا در فرصت مناسب به آن پرداخت ،  
اما با بد توجه داشت که تمام این دستاورد -  
های انقلابی ، بر ستر شرایط مادی و ذهنی معینی  
پدیدار گشت ، از اینرو هنر رفیق کلسرخ تحت  
تا شیر عوامل پیچیده گوناگون که مهر خود را بر  
اشعارش میکوفت ، دارای محدودیتهائی است  
که نمیتوان آنرا نادیده گرفت .

کلسرخ یکی از خاص ترین نمایندگان

هنری دوره ای است که جنبش کمونیستی در مسیر  
التهابات مشی آوانتورستی چریکی راه می -  
سپرد ، بودن در نظر گرفتن تا تیرات عمیق و دو -  
کانه مشی چریکی - آشتی نا پذیری انقلابی و  
خملت جدا از توده آن - بر اشعار کلسرخ ، سخنی  
از سناخت حقیقی آنرا و نمیتوان گفت ، هر چند  
که او سبب از تمامها عران کمونیست آن دوران ،  
در اشعارش توده ها را مورد نظر قرار داد ، ما بسا  
مطالعه سیرات او میتوان بدستی بی برده که  
آنجه بیش از هر چیز کلسرخ را به آفرینش هنری  
سرمی اسبخت ، ستایش پیکار انقلابیون منفرد  
بود ، اشعار او بدستی عواطف و احساسات ، خشم و  
غضب آتشین روشنفکرانی را منعکس میا زد که  
توان بیوند عمیق با توده ها را نداشتند .

این سر نوشت غریبی است و سیمای هنر کلسرخ  
را در سناختی آشکار و فرو میبرد ، در آثار او از  
یکسوا احساس تنفروا نرجا ر عمیق نسبت به ستم -  
ها ثنی که بر توده ها روا میشود موج میزند و قهری  
شعله و در سرا پای آن زبان می کشد و از سوی  
دیگروقتی به میدان میاید اغلب بنحود آوری  
چندر نوع احساسات ، چه در مضامین و چه در زبان  
از توده ها جداست .

در اشعار رفیق خسرو تئوری عظیم و احساسی  
جوشنده از رنجی که میرو و از امید روشن سخن  
رانده میشود ، لیکن اینهمه به معنی آن نیست  
که همه این احساسات و عواطف برای توده های  
تحت ستم مفهوم بوده و توده ها در تجربیات عا طفی  
و درونی این روشنفکران انقلابی منفرد شریک  
بودند ، این احساسات حامل نبرد تن به تن  
انقلابیون سازش نا پذیر ، اما منفردی بود که  
میلیونها تن از ستم دیدگان ، کارگران و زحمتکشان  
و . . . . ، بدلیل عدم شرکت در چنین مسابزه ای  
نمیتوانستند در چنین عواطفی شریک پیروان  
مشی چریکی باشند ، علاوه بر این حقایق ، اثر  
آیده های پوپولیستی را که در دوران مشی  
چریکی بر بخش وسیعی از جنبش کمونیستی سایه  
افکنده بود ، در اشعار رفیق کلسرخ میتوان  
یافت ، با همه آنکه آخرین اشعار او با تمام  
کارگران در آمیخته ، اما عموماً در سروده های  
رفیق کمتر مرسومیا لیسرا میتوان یافت .

با اینهمه رفیق کلسرخ ، شا عرا انقلاب است و  
همچون همه کمونیستهای دهه گذشته ، رودر روی  
جاگران نقابدار بورژوازی ، قرار گرفته است ،  
زندگی او و هنر او هیچ سازشی با دشمنان  
زحمتکشان نیست و جز آرزوی آتشین نا بسودی  
سلطه سرما به دستم چیزی در آن موج نمیزند ساز  
همین روست که شعبده بازی های حقیرانه  
خا شتین به ما رکسیم - لنینیسم جهت پیوند  
دادن رفیق کلسرخ به خود و بهره گیری از نام  
"بی خطر" قهرمانی که امروز فا در نیست خود از  
خوبیشتن دفاع کند ، جهت کسب اعتبار برای چهره  
رسوای خویش ، ما به تنفر است ، کلسرخ ها ،  
دانشیا نا ها ، صدها و . . . فرزندان راستین خلق  
خود بودند ، و همه رویزیونیستهای یکپارچه دشمنان  
خلق اند ، میان ایند و جز نفرت چه ارتباطی ای  
میتواند موجودا شد ؟



نقد و بررسی ۱۲ **تداوم** ...

منش شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و انجام مبارزه ایدئولوژیک به حول خط منی و بر پایه میراست و هرگز نمیتوان بوسیله یک تشکیلات **اشتلافی** از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و بطریق اولی از مبارزه ایدئولوژیک اصولی سخن گفت -

آنچه باید از نتایج عملی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" جمع بندی نمود، ما رکیستی "تشکیلات دوران گذار" را جمع بندی نمود، بناگزیری بوجود آمدن بحران در این "تشکیلات دوران گذار" است. آنچه که امروز در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، نتایج محتوم تن دادن به این تئوری ضد مارکسیستی است. بحرانی که امروزه در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، بحران یک تشکیلات اشتلافی، انحلال طلبانه و پوپولیستی است. اگر رفقا بخوانند بر بحران کنونی که نتیجه مستقیم ایجاد تشکیلات دوران گذار "وحدت انقلابی" است فاش آیند، راهی جز منفی دیدگاه های اشتلافی موجود در خود منفی تئوری "تشکیلات دوران گذار" و به تبع آن منفی عملی و تئوریک "تشکیلات وحدت انقلابی" ندارند. هرنگرشی که بر عامل اصلی اینجا دکننده بحران در "وحدت انقلابی" سربوش گذاشته و آنرا نادیده بگیرد هرگز نخواهد توانست به راه حلی اصولی برای برطرف ساختن بحران نا امل آید و هم از اینروست که می بینیم رفقا هنوز نتوانسته اند به راه حل بحران واقف گشته و بجای منفی اشکل خود و تئوریهائی که وجود آنها تئوریزه می نمایند، به اشتراک مبارزه ایدئولوژیک غلبی بعنوان راه حل پرداخته اند.

نگاهی به محتوای مبارزه ایدئولوژیک غلبی "وحدت انقلابی" بخوبی نشان میدهد که چگونه حتی رفقاتی که به منفی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" دست یافته اند (دیدگاه سوم)، هنوز با تفکرات انحلال طلبانه پیشین قطع کامل پیوند ننشوده اند و انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی خود بهترین گواهِ آن است.

انتشار غلبی دیدگاه های موجود در وحدت انقلابی بمثابه سه سیستم فکری نشان میدهد که اختلافات سیاسی، ایدئولوژیک در دوران این تشکیلات "اشتلافی" تا چه حد عمیق است و بعد از درک این واقعیت بلافاصله این سوال مطرح میشود که این رفقا چگونه نتوانسته اند این همه اختلاف، فعالیت واحدی را دنبال نمایند و برآستی این رفقا حول کدام یک از دیدگاه ها به تبلیغ و ترویج و سازماندهی دست زده اند؟ اگر سه دیدگاه موجود را از نظر گرایش سیاسی تقسیم بندی کنیم باید بگوئیم بنظر ما دیدگاه سوم انقلابی ترین و سالمترین نظرات سیاسی، ایدئولوژیک را نمایندگی میکند (علیرغم برخی اشکالاتی که دارد) و دیدگاه دوم پورتونیستی ترین نظرات را در دوران "وحدت انقلابی" نمایندگی میکند و دیدگاه اول مواضعی سائریستی و بینا بینی دارد.

آنچه از بررسی سه دیدگاه درنگاه اول برمی آید سه موضعگیری متفاوت در برخورد به ساخت جا معه، قدرت سیاسی و وجود دارد. دیدگاه سوم رژیم حاکم را از وجناح بورژوازی لیبرال و سوداگرها نسته، هر دو را ارتجاعی و ضد انقلابی میداند و تا کنون کمونیستها را بدرستی مبارزه علیه هر دو وجناح ارزیابی میکند. ساخت جا معه ایران را نیز بدرستی سرما به داری ارزیابی نموده و تفکری را که هدف انقلاب را رشد سرما به داری آزاد میداند، به باد انتقاد میگیرد. در برخورد به تز "وحدت" نیز بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک تکیه کرده و تئوری "تشکیلات دوران گذار" را منفی میکند.

دیدگاه دوم که تئوریزه کننده تشکیلات دوران گذار است، ساخت جا معه را وابسته میداند و به آنچه باید از نتایج عملی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" جمع بندی نمود، ناگزیری بوجود آمدن بحران در این "تشکیلات دوران گذار" است. آنچه که امروز در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، بحرانی که امروزه در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، بحران یک تشکیلات اشتلافی، انحلال طلبانه و پوپولیستی است.

سرما به داری بودن مناسبات تولیدی اعتقاد ی ندارد. (البته آنجا که در این نوشته خود ادعا میکند، هنوز در مورد ساخت جا معه ایران موضعی ندارد) و این دیدگاه معتقد است هدف انقلاب دمکراتیک جایگزین نمودن مناسبات تولیدی دیگری (بورژوازی آزاد؟) بجای مناسبات تولیدی حاکم (بورژوازی وابسته؟) است.

این دیدگاه قدرت سیاسی حاکم را آنچنان در راهلهای مفرور برده است که سختی میتوان فهمید چه میگوید. خمینی را نوعی بنا پارسیم خوانده و در انتها نیز همچنان هویت طبقاتی او و حزب را مسکوت میگذارد. چنین بنظر میرسد که جناح حزب را همانند حکومت یعنی هائی فاشیست عراق ارزیابی می نماید. لیکن ما منتظر می مانیم تا نظریات این جناح در این باره روشنتر شود. همچنین در مورد "جریان موسوم به بورژوازی لیبرال" منتظر روشن شدن نظرات اینان هستیم. این دیدگاه گویا اساسا جناح بورژوازی لیبرال حاکم را لیبرال نمیداند. (شاید آنرا بورژوازی ملی میداند!) و همواره از جناح بنی صدر بعنوان جناح موسوم به "بورژوازی لیبرال" یاد میکند و مبارزه با آنرا در این شرایط بصورت مستقیم درست میدانند. این دیدگاه چنین اعتلائی توده ها را منفی نموده، تکامل جنبش کمونیستی ایران را نکست خوانده! و پارسیفیسم ویاس را تئوریزه می نماید!

دیدگاه اول جناح حزب را نمایندگی میکند و فکودالها، مینا، مدولیرا، لیا را نیز ارتجاعی دانسته و معتقد است کل حکومت ارتجاعی است، لیکن در این شرایط نمود جمله های پدیده حزاب با شوکتی که هر دو جناح را یکسان میگویند دچار رجب روی شده و عملا به بورژوازی خدمت

میکند. او..... هرکس با خواندن دیدگاه ها و پی بردن به عمق اختلاف نظر سه جناح در مورد مسئله وحدت، ساخت جا معه، آرایش طبقات، ماهیت قدرت سیاسی، چشم انداز و... (اگرچه مواضع جناح سائریستی دیدگاه اول - همانند جناح دوم و سوم که بیشتر با هم مغایرت است، روشن نیست) بلافاصله از خود خواهد پرسید علت این عمل (انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی) و حفظ تشکیلات "وحدت انقلابی" چیست؟

برآستی سه جناح جدا هدفی را از این مبارزه ایدئولوژیک غلبی دنبال میکنند که حتی از جنبش کمونیستی انتظار دارند از آن استقبال نماید؟ اولین نکته ای که باید در نظر داشت، این

مسئله است که با غلبی شدن مبارزه ایدئولوژیک در "وحدت انقلابی" انحلال تشکیلات علنا رسمیت یافته و شدیدتر گشته است. چه در حقیقت به چول سه دیدگاه سه فراکسیون شکل گرفته است. طبیعتا هیچکس حاضر نخواهد بود، نظرات دیگری را تبلیغ و ترویج نمایند، از اینرو انتشار مبارزه ایدئولوژیک درونی بصورت غلبی، امکان تبلیغ و ترویج سازماندهی بر اساس یک مضمون واحد را از این تشکیلات گرفته و آنرا در مبارزه طبقاتی شدید پایبوتی از آنچه هست می نمایند این امر چیزی جز تداوم و تشدید انحلال عملی تشکیلات نبوده و موجودیت آنرا بجز سوال میبرد. با در نظر گرفتن این نکته، اکنون باید پرسید، هدف از انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی چیست؟ آیا این امر با زهد مردم خدمت تداوم انحلال طلبی قرار ندارد؟ آیا همچنان که در بالا گفتیم این انحلال طلبی بصورت کاملاً شدیدتر، دنبال نمی گردد؟ آیا این فراکسیونها که خود عملی انحلال طلبانه است گسترش نمیدهد؟

فرض کنیم که با سخ چنین باشد که ما هنوز مواضعمان را کاملاً تئوریزه ننموده ایم و این مبارزه ایدئولوژیک غلبی در خدمت منسجم تر نمودن نقطه نظرات هر یک به منظور جلب توده های بیشتری از "وحدت انقلابی" بگردان نظرات و در پی آن انشعاب است.

بنظر ما چنین درکی اگر وجود داشته باشد، تداوم همان تفکرات کادمیستی و انحلال طلبانه در برخورد به مرتدین تئوری انقلاب است چه اولاً زمانی که حیات یک جریان سیاسی از مبارزه طبقاتی قطع گردد و تشکیلات واحدی وجود نداشته باشد که بتوانند به حول سیاست واحدی، فعالیت

منتشر شد

کارخانه صنعتی مبارزات دلاورانه  
طبله کور و شلقه های ایران  
علیه امپریالیسم و رژیم جمهوری استالی

مکتب پرولتاریه ایسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

کتابخانه جنبیاتی دو سالگی رژیم جمهوری استالی

مکتب پرولتاریه ایسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

تظاهرات...

بهدارمفجد ۳۰  
لارم ساد آوری اس که زور عمل (دشمنه ۵۹/۱۱/۲۱)  
نیزیک راهیسانی موضعی به همین مناسبت در  
خیابان شریعتی از سوی هواداران سازمان  
ترتیب داده شده بود.

همزمان با انجام این تظاهرات در محله  
صمدبهرنگی یک درگیری بین پاسداران جهل  
و سرمایه از یک طرف و مجاهدین خلق از سوی دیگر  
جریان داشت که در آن یک مادر مجاهدین پس از حسی  
شدن فرزندش و کلاوز شدن با پاسداران دچار  
ساراخنی قلبی شده و شهید مسکود. محله مرورنا  
امروز ۲۵ بهمن همجان در محاصره است و تعدادی  
در نتیجه تیراندازی پاسداران رخمی شده اند.  
ضمنا برخی از محلات رشت در معرض محاصره  
و خانه گردی است تنها تیراندازان مترصدند  
امراد جوان عابرا مشکوک قلمداد کرده دستگیر  
نمایند.  
عسرمفتارها، زده و خوردها و تنها دنیای  
مبارزات حقیقتا نه توده های خلق در جهت ادامه  
انقلاب ادامه دارد.

اس از اسرود درون این سکیلات هرگاه دو  
نظر متفاوت و متضاد دست به این مسئله وجود  
داشته باشد که در اینجا خود را در برابر مبارز  
سریان خواهد داد (که همان داده است) لیکن  
تنها عامل وحدت بخشنده به اصلی ترین عامل  
ایجاد بحران و اختلاف تبدیل شده است و این  
خود به تنهایی کافی است تا ادامه حرکت  
"وحدت انقلابی" را زیر سوال ببرد.  
با توجه به آن محدودیت محض که قسم ما می -  
توانیم مبارزه ای بدولت علی بن ابی طالب  
"وحدت انقلابی" را با یک ماسی به حل معضلات  
آنان ارزیابی نمائیم و آنرا هر چند مدتی که به  
طول انجامد، جز در خدمت انحلال طلبی، با سیستم  
آسی طلبی و مبارزه ای بدولت آکا دمسی  
نمندا سم و سوزده رفقای حامل دندکاه سوم  
کوسر دمکم که سرخلاف نظر شما و سرخلاف نیست  
نما ادا به چنین روندی، همان مطالبات  
لیبرالیستی (در عملی کردن مبارزه ای بدولت) که  
آنتی طلبانه و آکا دمک و انحلال طلبانه های  
است که دندکاه دوم مطالب آن است و بی جهت  
سیت که او نیز از مبارزه ای بدولت علی بن  
فعالانه دفاع کرده است، با اینهمه برخوردیه  
بروسه معدی حرکت "وحدت انقلابی" امری است که  
نصمم آن مربوط به خود "رفقای وحدت انقلابی"  
مناسدا اما ماسی شک خود را موظف به تقویت و  
ارتقاء مواضع دندکاه سوم که از ناسیبل  
انقلابی سراسر سیستمی بر جود را است و افشای  
نظرات حاجای دیگر و سوزده دندکاه ایبرونستی  
دوم میدا سم و در این راه مبارزه ای بدولت یک  
را سهم جوددا می خواهد در عین حال که از  
کوسر برای توضیح در کپای نادرت و انحرافی  
رفقا را انجام ما این مبارزه ای بدولت علی بن  
کوبای نخواهم کرد.

بدا و موجودیت خود را سوچه می نما بند و آنتی  
- طلبی را به ما می نمیکند از ماسی که جز -  
وجود در هر جریانی نیست  
اختلاف نظر ماسی سیاسی - اندولتیک با اتحاد  
بدا و همزیستی و سایرین بعبان عدم انجام  
همه مواضع سیاسی، شوریک عملا بوسی است  
برای ندا و آنتی طلبی موجود در برخوردیه  
وحدت انقلابی سر همجان که می سیم اختلافات  
سین دندکاه های موجود ماسی است و سدا و م  
موجودیت این شکل، از طریق ماسی با یک فعال  
رفقا در مبارزه طبقاتی منبود و از طرف دیگر  
آسی طلبی را مطلق نمودن امر انجام  
سیاسی - اندولتیک مواضع ندا و می بخشد  
اراسر و سطر ما علی کردن مبارزه ای بدولت  
دروسی، راه هر طرف نمودن بحران وحدت انقلابی  
سوده و سها انحلال طلبی، آکا دمسی و آنتی طلبی  
را بحث بوشن بوشن ندا و می بخشد.  
از اسر و سطر ما رفقای وحدت انقلابی به  
حول مبارزه ای بدولت یک دروسی که براده انداخته -  
اند، می نایست، از یکدیگر جدا شده، و اگر خط  
می برولتری در جنبش کمونیستی می ستانند،  
و در بروسه مبارزه ای بدولت یک دروسی بنا  
آن بروسه منظور سیاسی به وحدت نده و در غیر  
اینصورت می با ندا علام موجودیت نموده، ضمن  
سرکت در مبارزه طبقاتی به مبارزه ای بدولت یک  
با سایر جریانیهای حسی کمونیستی برداخته و  
بدریج ضمن مسخ بر نمودن مواضع خود، در امر  
ندوبین شوری انقلاب و ارکانال آن در تحقیق  
وحدت حسی کمونیستی بکوسد.  
در میان با بدروی این موضوع بکجه قسم  
که آنچه "وحدت انقلابی" را بهم جوش داده است  
توافق دندکاه های مربوط به مسئله وحدت بوده

واحدی را دنبال نماید، آنکاه با بدروسه آن  
مبارزه ای بدولت یک که صورت بگیرد، جدی  
جز آکا دمسی و درک روسفکارانه ارمسار  
ای بدولت یک است؟ و وضعیت این است که  
"وحدت انقلابی" عملا به سه فراکسیون تبدیل  
گشته است و مضمون و سیاست واحدی سرفعالست  
آنها حکم فرمائی می نماید، اکنون با بدروسه  
سین سکیلات بعبان اسرا ما دست بخشدن به  
سیاست حاکم بر آن چه منبود؟ حرفی و انحلال  
آن؟ جز اینکه باقی سکیلات و حدکده ای بر سرکت  
در مبارزه طبقاتی است، مبارزه ای بدولت یک  
عملا از مبارزه طبقاتی جدا گسوده و فعالیت  
آکا دمک و روسفکارانه تبدیل نمود، آن ماسی  
جز ندا و انحلال طلبی است؟ انجام مواضع سیاسی -  
ای بدولت یک هر یک از اسر حنا حها، سها در  
بروسه سرکت فعال در مبارزه طبقاتی است که  
حامل میتود، نمیتوان اسرکت در مبارزه  
طبقاتی و تبلیغ و برویج و سازماندهی خود -  
داری نمود و عملا معول "انجام محسین" که  
مواضع بود، این درک که انجام مواضع  
ای بدولت یک - سیاسی را جدا از بروسه طولانی  
سرکت فعال در همه ایفاد مبارزه طبقاتی  
دنیا می کند، به سها درکی آکا دمسی و  
انحلال طلبانه است، بلکه مسئله انجام مواضع  
سیاسی - ای بدولت یک را مطلق میکند. رفقا  
آیا استعاب اقلیت فدائیان از اکثریت می -  
بایست موقوف به انجام همه جا به سیاسی -  
ای بدولت یک کلیه مواضع آنان میکنند، آیا  
جنبش درکی، دید مطلق بکراهی را نسبت به  
مسئله انجام مواضع سیاسی - ای بدولت یک  
نشان میدهد و توسط همین مطلق کردن انجام  
همه جا به مواضع سیاسی - ای بدولت یک عملا

سابقه از صفحه ۳۱ ملاحظات

عمل درپوشش ولایت فقیه‌وسنن قدیمی بصورت "فرستاده مبلغین وداغیان دین" درمیاید اکثر "بینمیرا سلام" نامه خسرو پرویز و فقیه مرموم فرستا دو آنها را به اسلام فراخواند البته که آیت الله خمینی با اتکا به همان تصورات و اتویی ها در عصر اتم می توان نزدیک به ۳۰ هیئت تبلیغی به "بلاد کفر و دیگری بلاد" فرستاد حالا کدام دیوانه اطربشی مثلا در میدانی حضور خوا هدیافت تا حجت الاسلام با هنر برای او از قوا شد دین داری و اسلام و "انقلاب اسلامی" ایران سخن بگوید معلوم نیست و همینطور در آلمان و فرانسویکن و بلغارستان و ایتالیا و...!

برای رژیم هم اطلاق این حرفها مهم نیست قرار دادها میماند و تصفیه سفا رتخانه ها از کسانیکه مکتبی نیستند (دیدید که بنی صدر چگونه در میدان آزادی دادش درآمده بود؟) و خلاصه برآوردن نیازهای سرمایه داری وابسته ایران .

شعار "اسلام را به جهان بیاور" بشناسانیم" کپسولی است که مصرف داخلی دارد و هدف اصلی همان بازسازی سرمایه داری وابسته است . اختیاراتی که به هیئت ها داده شده گویای آن است که موضوع از حدود دعوت به اسلام بسیار فراتر است و همان دعوت هم در خدمت آن هدف .

فخرالدین حجازی که میشناسیدش با رئیس جمهور ایتالیا ملاقات خواهد کرد! وحسن غفصوری استنادا مرشدیبا وزیر خارجه انگلستان دیدار میکند. بخوبی معلوم است که هدف "دعوت به اسلام" نیست و بهتراست بگوئیم این شکل جدیدی از نژاد منگاری به "خسرو پرویز" میباشد. ضمنا بر اساس خبری که روز جمعه ۲۴ بهمن از را دیویش شد مگرکی، سفیر ایران در مسکو ضیافتی به افتخار هیات "تبلیغ اسلامی" (بریا سیت جلال فارسی) ترتیب داده است که در آن سفرای کشورهای اسلامی، کشورهای آسیا و آفریقا و البته کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی شرکت داشته اند. آیا همان مهمانیهای چند صد نفره و بیشتر آن که سفارتهای ایران در دوره شاه ترتیب میدادند اینبار در پوشش "اسلام" خود تکبزار میشود؟ پیشنها میشود برای "مکتبی" شدن این ضیافتها نام آنها را به ولیمه تبدیل کنند.

سابقه از صفحه ۲ مقاله

بازه برای توده های توضیح دهند. توضیح رفقا و برخورد ایدئولوژیک با آن در عین حال که میتوانند زمینه ای برای برخورد با مسائل اساسی تر را بوجود آورد، بنسوبه خود، شرایط مناسبی را برای جمع بندی کاملی از چگونگی اتحاد عمل کمونیستها در اینگونه مراسم و فعالیتها بوجود خواهد آورد و زمینه را برای حاکمیت همه جانبه یگ نگرش اصولی و انقلابی در این زمینه در جنبش کمونیستی و استفاده از آن برای حرکتهای بعدی فراهم خواهد ساخت .

موضوع مادر قبایل "قانون سود ویژه"

۱- قانون "سود ویژه" که از طرف رژیم منفور پهلوی و با مشاوران مستشاران آمریکائی به تصویب رسیده قانونی ضد کارگری بوده و میبایست با افزایش میزان دستمزدها لغو شود .

۲- سود ویژه در واقع قسمتی از دستمزد کارگران است که با اهداف کونا کون ضد کارگری بصورت جداگانه ای برداخت شده است . کارگران ما رژیم پهلوی در جهت افزایش میزان سود ویژه چه در دوره شاه شاه و چه در دوره رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مبارزات گسترده ای را همواره ادامه داده اند .

۳- رژیم سرمایه داری، ضد کارگری جمهوری اسلامی بعد از قیام نه فقط این قانون ارتجاعی را لغو ننمود، بلکه در جهت کسر کردن میزان سود ویژه کارگران کوششهای بسیار کرده و این خود موجب اعتراضات گسترده کارگری در اسفند ماه ۵۷ و اسفند ماه ۵۸ گردید .

۴- رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در ادامه نوظطنه های خائسانه خود بر علیه کارگران در صدد است که قانون سود ویژه بدون افزایش میزان دستمزدها را لغو نموده و بجای آن فقط ۲ ماه بعنوان عیدی و با ادای سالانه پرداخت نماید .

۵- از آنجائی که کارگران ما رژیم پهلوی

طی مبارزات گسترده خود در جهت افزایش میزان سود ویژه - در واقع در جهت افزایش دستمزد خود - موفقیت های بسیار کسب نموده و توانسته بودند میزان متوسط سود ویژه را به ۴ ماه در سال افزایش دهند .

۶- و از آنجائی که طی حیات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی دستمزدهای کارگران بطور مطلوب اما فکشته و برعکس، بر اثر بحران روز - افزون اقتصادی و فتنه و مکتب فلاتک با رتوده - های کارگران اخیرا مصائب خانمان برانگیز از جنگ، کارگران هر روز خانه خراب تر میشوند و دستمزدها چیز آتانی سهیوجه کفاف حداقل ما بحتاج زندگی آنان را نمی دهد. بیبا بر این با توجه به آنچه گفته شد :

۷- در برابر حذف سود ویژه، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی میباید معادل ۴ ماه دستمزد کارگران یعنی ۳۵٪ به دستمزد کارگران اضافه نماید. و تا قبل از اضا فیه نمودن ۳۵٪ به دستمزدها باید همان ۴ ماه دستمزد کارگران را بعنوان سود ویژه برداخت نماید .

"تا قبل از اضا فیه نمودن ۳۵٪ به دستمزد کارگران، ۴ ماه بعنوان سود ویژه پرداخت باید کرد."

۱۳۵۹/۱۱/۲۵

سابقه از صفحه ۲۲ بنی صدر

"زادی برای محرومان ما از زمان شب واجب تر است" ما کیست که ندانند منظور او از آزادی، آزادی برای لیبرالهاست . مگر تظا هرات نیروهای انقلابی و کمونیست همیشه مورد سرکوب قرار نگرفت؟ مگر تظا هرات ۲۲ دیما مورد سرکوب واقع نشد؟ مگر تظا هرات ۱۹ بهمن بخون کشیده نشد؟ مگر تظا هرات کمونیستها در ۲۲ بهمن مورد یورش ارتجاع قرار نگرفت؟ چرا بنی صدر به این سرکوبها اعتراض نکرد؟ جواب روشن است چون او موافق سرکوب جنبش و نیروهای کمونیست می - باشد و به همین خاطر اگر مستقیما در سرکوب شرکت نکند همیشه با نوظطنه سکوت و لبخند رضایت آمیز سرکوب خونین کمونیستها و توده ها را تا نهدمی - کند ما نند قاضیه جناست آمیز ترور رهبران خلق

ترکمن، آری بنی صدر در مقابل هزاران جنایت با سداران و ارتش سکوت میکند، اما در مورد فشار حزبها بروی لیبرالها فریادش به آسمان میرود آری این واقعیت نشان میدهد که بنی صدر نه طرفدار آزادی و دمکراسی برای توده ها بلکه طرفدار آزادی برای لیبرالهاست . و اگر امروز به برخی از سرکوبها در مورد مجاهدین بطور ضمنی اعتراض میکند، بخاطر آنستکه مجاهدین سازش با بورژوازی لیبرال را در دستور قرار داده اند . و پرواض است که در برابر قربانی کردن منافع انقلاب توسط مجاهدین با ایدامتیازات حقیرانه

بای به آنها اهداء نمود! واقعا جرال لیبرالها امتیازات جزئی به مجاهدین ندهند، در زمانه که مجاهدین امتیازات کلان به آنها داده و توده ها را در سالگرد قیام ۲۲ بهمن که با خیانت لیبرالها متوقف شد، به حمایت از لیبرالها قیام میخوانند؟ براسی جرال لیبرالها به مجاهدین امتیازاتی ندهند زمانی که مجاهدین طوسی اعلامیه ای جهت شرکت در سخنرانی بنی صدر این لیبرال خیانت پیشه، لیبرالها را نبروهای مردمی قلمداد می نمایند؟

البته بنی صدر در سخنرانی خود حزب خائن توده را مورد حمله خود قرار داد. اما سن حمله از موضع دنیروی مدانقلابی است . همانطور که میدانیم حزب خائن توده و اکثریتی های مرتد از حزبها حمایت کرده چرا که در آنها "استعداد" سمگیری بسوی سوسیال امبرالیسم را می بینند و بنی صدر دقیقا به خاطر همین موضوع است که به حزب می تا زد. اما اگر همین حزب پس فرباد حمایت از لیبرالها بیلند شود (که در شرایطی احتمالی وجود دارد) بنی صدر حملات خود را متوقف خواهد ساخت . اما بنی صدر و همه بورژواها می دانند با نیروی که نمی توانند به سازش برسند کمونیستها و جنبش توده های است که برسایستی انقلابی به پیش میبرود و به همین خاطر بنی صدر از سرکوب کمونیستها و جنبش توده ای مانند جنبش مقاومت خلق کردیه و جدی آیدویای میگوید و با تمام قوا در این سرکوب شرکت میکنند .

# پیکار

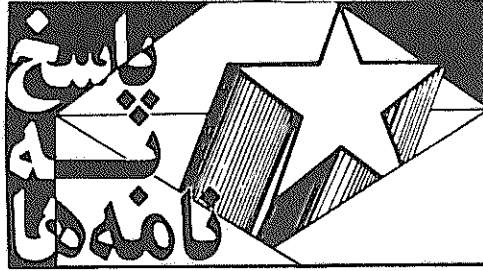
## درباره تظاهرات مشترک

عده‌ای از رفقا پرسیده اند علت آنکه ما با رفقای "نبرد" تظاهرات مشترک ۲۳ دسامبر را نگذاستیم چیست؟ رفقا! همانطور که قبلاً نیز توضیح داده‌ام ما تظاهرات مشترک و با هر فعالیت مبارزاتی مشترک دیگر را در رابطه با دوغامسل یعنی یکی عامل ایدئولوژیک - سیاسی که اولویت بر جوردان است و دیگری عامل مسائل نیروی و در نظر میگیریم از نظر ما اولویت محسوسه عامل ایدئولوژیک - سیاسی، خود را در برابر مباحث میان‌سیاسی و سایرهای رزمنده یک فعالیت مشترک برورداده و بر این اساس که نیروهای سیاسی معین می‌توانند به اتحاد عمل مشخص دست بزنند، بدین ترتیب در هر اتحاد عمل مشخص عامل سیاسی - ایدئولوژیک جزو لاینفک آن به شمار آمده و کسانی که بعضی اساسی این عامل را نی بینند در انحلال طلبی در سیاست و ایدئولوژی می‌باشند.

اما از نظر ما مسئله به اینجا محدود نمی‌شود، علاوه بر عامل ایدئولوژیک، عامل شناخت نیرو نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ممکنست جریانهایی کمونیستی ای وجود داشته باشند که از نظر گرایش سیاسی - ایدئولوژیک نسبت به برخی دیگر نزدیکتر باشند اما این امر به تنهایی برای سرک آن جریانه در اتحاد عمل معین کافی نیست. اتحاد عمل نیروها باید یکدیگر معنی مسخ می‌دارد و آن عبارت از ازاری که کیفیت معینی در پی می‌شود و پرواضح است که این امر مناسب با اوضاع جنبش کمونیستی اسرائیلی - نوان و نه با هدف گریب نیروی که تظاهرات میسب احساسی و با فاش شدن سر محیط در حرکتها نیستی شبیه تظاهرات مشترک ۲۳ دسامبر، وارد اتحاد عمل نمیشود. نگذارید برای روشن کردن مطالبه نمونه تظاهرات ۲۳ دی را مورد ارزیابی قرار دهیم آیا میبایست رفقای سیرد که سرک و با عدم سرکشان در این تظاهرات سخن نمیسند محسوسه در کسرش میزان سرد آن نداشت، در کمیته سرکزاری شرکت میبهدند؟

از نظر ما چنین درخواستی نوعی تسبیح طلبی کاذب و دروغین است چرا که اساس و با کدام منطق میتوان پذیرفت که جریانهایی که نقش محسوسه در پی می‌گیرد آوری نیرو برای انجام اییین تظاهرات را ندارند، خود به عنوان یکپایه اصلی آن قلمداد شده، در تصمیم گیریها مربوط به هدایت آن شرکت کنند عملاً از همان حقوقی برخوردار گردند که نیروی دیگر؟

کسانی چون رفقای سیرد که عامل نیروی به معنای دیگر تناسب نیرو را در نظر نمی‌گیرند، کربار در یکی انحلال طلبانه بوده و دچار تسبیح طلبی خرده بورژوازی میباشند چگونه ممکن است نیروی که دارای کیفیت معینی اریوانانی در پی می‌شود هم با بدون نیروی که تا تهمین معینی در پی می‌شود و ندارد، دارای حقوق برابر



با سند و هر دو بعنوان بای اصلی یک اتحاد عمل وارد همکاری کردند. جنبش سروها نی باید و می‌تواند بطریق کونا کون از جنبش اتحاد عمل - های معینی حمایت و پیسناسی نماید. اسما فرصت طلبی و بورژوازی خواهی بود اگر در هر اتحاد عمل بمتابه با دست بجندن به درستی و اندیشه عامل مناسب نیروی در نظر گرفته نشود، عاملی که با عامل سیاسی - ایدئولوژیک (که در برابر مباحث سیاسی مشترک بحکم می‌باشد) رابطه ای سنگینک دارد.

**● رفیق ف، ه، پ،**  
این رفیق در مورد جان داده خود که آرسی است و بنده فالانژو سب با او مخالف اند، از مسما راهمنانی خواسته است، رفیق نوشته است شیوه برخورد به خانواده آن رفیق دختری که در بیکار درج شده بود را خوانده، ولی نتوانسته بیکار گیرد.

**رفیق! اگر محسوسه ایدئولوژی و تحول خانواده را بدارد و در عین حال فاصله مضاف طیفانی را حس میکند و راهی برای همیستی که به فعالیت تولید میزندنداری، باید مستقل نوی و فعالیت را به این ترتیب دنبال کنی، ما هرگز بگفته ایم همیستی با خانواده سخت هر شرایطی که باشد، محاز است.**

**● رفیق کاف:**  
در مورد تظاهرات ۲۳ دی، بعنوان یک سرک کننده اسنادی را مطرح نموده است و کسلا خراسانی اسنادی از شرح تظاهرات سیرد و در آنها پرسیده است اگر اس سرخورد ها فاش اسنادها است، آنرا ذکر کنیم رفقای نظیر او برخورد فعلی بیما بنده.

**رفیق! نوشته است** مورد اسما ده فرا گرفت، در ضمن با بدگوشیم اصولاً امر جمع بندی از مبارزات، بررسی بطفه ضعفها و... وظیفه هر سازمان کمونیستی است. ما خود سرد را بس رسد کوسی نموده ایم، در عین حال اس سده تشنه و طبعه یک سکتلاب کمونیستی، بلکه وظیفه کله هو داران سوده های آگاه و انقلابی است که در مصعبا و اسکالاب سروهای سیاسی اسفاد کرده و اسنادات خود را برای اس سروها بسا بفرسند. از اسروما من ساکزاری از اسن حرکت سو، ار کله هو داران، سوده های آگاه و انقلابی و سروهای کمونیستی دکر محو هم که اصولاً تمامی فعالیتها را مان زامسورد سرخورد و بررسی قرار دهند. **سروزی باش!**

**● رفیق منصور:**  
اسما دیده است که چرا ما سدغنی اکبر - سرورس را بدون درج منبع آن ذکر نمودیم و ما که اسما ده را اسما داسا بیروهای سیاسی را بدون ذکر ما خا بیرونی خواهی بودیم، پس چرا اس سدا که بگفت رفیق، وحدت انقلابی چند ماه پس مستتر کرده است، بدون ذکر منبع درج کردیم.

**رفیق! ما را اس مطلب که رفقای وحدت انقلابی سدا را در تاریخ ۵۹/۲/۸ مستتر کرده اسناد اطلاعاتی سداسیم و این سند توسط رفقای هوا دار سازمان برایمان ارسال شده است.**  
**سروزی باش!**

**● آرس از سروزار:**  
طی نامه اس ضرورت اسنا زلمست کتب کلاسیک مد ل در رابطه با نشوریهای روبریوستی را ه رسد غیر سرما به داری و... همچنین در رابطه با سوسال امیرا لیسم و ترسده جان و... را از اسما ن خواسته است.

**رفیق! ما در اولین فرصت در مورد اییین بیهنجا به توافق اقدام خواهیم نمود.**

**\* - رفیق احسان -** کارگر چاپ در رابطه با مقاله "دمکراسی انقلابی چیست" انتقاداتی مطرح کرده است. از جمله پرسیده است چرا گفته ایم دولت کارگران و زحمتکشان و خرده بورژوازی متوسط نامی نبرده ایم، همچنین در مورد فرق بین جمهوری دمکراتیک و سوسیالیسم رفیق انتقاد کرده که توضیح کافی داده نشده است.

**رفیق! در مورد اول که از دولت کارگران و زحمتکشان نام برده شده، حسب اصطلاح و تهبیجی و ساد سگاری مورد توجه قرار گرفته است لیکن همانطور که توانا ره کرده ای در جمهوری دمکراتیک خلق، خرده بورژوازی متوسط نیز در قدرت نیاسی بهیم است و منظور مقاله ابدا این نبوده است که خرده بورژوازی متوسط را حذف نماید، در مورد فرق جمهوری دمکراتیک خلق و سوسیالیسم از اسما که محور اصلی مقاله، توضیح دمکراسی انقلابی بورژوازی از دیدگاه کمونیستها و مقایسه آن با سیرا به لیبیرا لها بود، به شرح و بررسی اختلاف آن با سوسیالیسم نبرداخته است.**  
**موفق باش!**

**● رفیق AB:**  
در مورد صورت دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی مطالبی را ذکر کرده است و پس به عدم اسنا رساننده زندانیان سیاسی صدا میبیا - لیت - فدا رساج "در بیکار انتقاد کرده است و ذکر کرده که دو سار با کتون خودنی اسن بیا نیه ها را برای ما ترساده است.

**رفیق! در مورد آنچه که سوهی ما نبردا ترو موافقم، لیکن محتاط اطلاع نویا بدگوئیم چنین ساسه هانی برای ما ارسال شده است در اساره حسب بگیری کن!**

**سروزی باش!**

به روشنی چشم ۵/۱ میلیون آواره جنگ :

## بنیاد مستضعفین : هتل های تهران در اختیار خوشگذرانهای مکتبی

هنگامیکه خانه های زحمتکشان در تهران پارس به دست رژیم خراب میشوند ،  
 - هنگامیکه آوارگان جنگزده و زحمتکش خوزستان در جا درهای نمناک بسر میبرند ،  
 - هنگامیکه مصادره آپارتمانهای سرمایه داران فراری از طرف آیت الله خمینی "عمل حرام" نامیده شده و سرکوب میشود ،  
 - و با لاجرم هنگامیکه مشکل مسکن، یکی از مشکلات اساسی توده های زحمتکش ماست ،  
 بنیاد مستضعفین در روزنامه ها آگهی میکند که هتل های تهران برای استفاده "شما" ( منظور سرمایه داران و خانواده های ورفه است - پیکار ) آماده میباشند و "شما" میتوانید با پرداخت ۲۹۵۰ ریال برای دوشب ( برای هرنفوس یک شب حدود ۱۵۰ تومان میشود ) پیکار در اتاقهای یک نفره یا دوتنفره زوید شو، حمام سونا استخر سربوشید و همچنین برنا مه های سینمایی هتل استفاده کنید. " اما زحمتکشان ما بجویی میدانند که این هتلها از راه غارت و استثمار آنان ساخته شده و در نتیجه به آنان تعلق دارد، و با بدبیا مصادره انقلابی هتلها خود را با سهولت مشکل مسکن بپردازند .  
 هتلها و دیگر اماکن سرمایه داران با یستی بوسیله زحمتکشان مصادره انقلابی گردیده است که بصورت اماکن خوشگذرانی طبقات و اقشار مرفه در آید .  
 اطلاعات ۸ بهمن ۱۳۵۹

### بقیه از صفحه ۷ از مبارزات...

میلرزدا و رادبرقه میکنند در این بین نام چندتن از دانش آموزان انقلابی خوانده می شودومی گویند شما هم اخراج هستید (عنفور) اما توده های انقلابی با به عقب نمی نهیند. مدیر میگوید اگر به تحصن ادا مدهید فردا مدرسه منحل میشود و فریاد : " تعطیلی مدارس ، توطئه ارتجاع و... از هر سو شنیده میگردد .  
 در این زمان خیر میرسد که چاقو را در به مدرسه شریعتی - پسرانه - حمله برده اند و می خواهند مدرسه ما هم بیایند .  
 مدیر مدرسه هم اعلام میکنند ز فردا مدرسه منحل است ، اما دانش آموزان قرار می گذارند فردا به زور مدرسه را با زنگا هدازند ، البته اکثریت معلمین هم به اخراج دانش آموزان معترض بودند و زدرس دادن خودداری میکردند .  
 روز بعد مبارزه دانش آموزان ادا می یافتند و آنان با شعار محمل اخراجی حمایت میکنند معلم ، محمل ، پیوندتان مبارک ... به دهسان همه مرتجعین میگویند شما دران دانش آموزان انقلابی همه حمایت از فرزندانشان آمده و فریاد " درود بر تو ما در مبارز " صحن مدرسه را

### فراگرفت .

البته قابل توضیح است که این روزها دانش آموزان برای جلوگیری از انحلال مدرسه کلاسها را با زنگها شته و در آن به افشاگری و دادن آگامی های انقلابی مشغول بودند ، و مطابق معمول هم مبارزه دانش آموزان انقلابی با اعضای انجمن اسلامی و همدستان رویزیونیست شان ادا مدها شد .  
 از روز بعد با ز مدرسه پرازا علامیه و اوزالید میشود ، دانش آموزان با نیروی مبارزه حق فعالیت سیاسی علنی را بدست آورده و انجمن اسلامی و مورشریبتی و... کاری از دستشان ساخته نبود ، از شش تن دانش آموزی که اعلام کرده بودند اخراجی هستند ، تنها یک نفر اخراج شده بود .  
 کمیته مشترک با صدور قطعنامه به مبارزه - اش ادا مدهد .  
 ۱- آزادی فعالیت سیاسی بدون هیچگونه قید و شرط  
 ۲- بازگشت دانش آموزان اخراجی و جلوگیری از هرگونه اخراج دانش آموزان انقلابی  
 ۳- تشکیل شورای واقعی

## تظاهرات پیکارگران بمناسبت سالروز قیام در اهواز

در اهواز نیز همچون بسیاری از نقاط دیگر کشور ، رفقای ما به مناسبت بزرگداشت قیام ما - شکوه ۲۲ بهمن راه پیمایی انجام دادند . راه - پیمایی از ساعت ۴ بعد از ظهر زیر باران شدید از محله حصیرآباد یکی از محلات کارگری و فقیر - نشین اهواز آغاز شد . پیشاپیش راه پیمایان پرچم سرخی که روی آن " برقرار باد جمعه - سوری دمکراتیک خلق " نقش بسته بود ، به اهتزاز در آمده بود . راه پیمایان در صفوف فشرده ای به طرف فلکه زیتون اهواز حرکت کردند در انتهای مسیر راه پیمایی عده ای از جا قوگشان رژیم جمهوری اسلامی به صفوف تظاهرات حمله کردند اما با خشم و نفرت کوبنده راه پیمایان و مردمی

که به حمایت از تظاهرات برخاسته بودند و بر سر شده و عقب نشینی کردند .  
 پیکارگران کمونیست در طول راه هیماپی با دادن شعارهایی از قبیل " ادا مده قیام سرخ بهمن ، نبرد زحمتکشان - علیه ارتجاع است " و " رژیم فدا خلقی است - سرکوب پیکارگران قتل عام کردستان ، کشتار در خوزستان گواهی است " وحشت بردار ارتجاع افکننده و با تکرار شعار " علیه حزب جمهوری ، علیه لیبرالها ، زنده باد پیکار توده ها " توده های زحمتکش را به ادا مده انقلاب فرامی خواندند . بعد از تمام راه پیمایی با صدایان به منطقه حمله کردند اما بغلت هشاری رفقا ، کاری از پیش نبردند تظاهرات رفقای ما علاوه بر استقبال مردم جنگزده اهواز از آن جهت اهمیت بسیاری دارد که رفقای مادرشراپیگ جنگی با دیگر میثاق انقلابی خود توده های زحمتکش در جهت دفاع از دستاوردهای قیام و همدند خلقیهای ایران را تجدید کردند .

**هتل های تهران تقدیم میکند**

با راهی و تقاضای اوین

نشانی : تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۰ - طبقه اول - هتل های تهران

تلفن : ۹۰۰۰۰۰

۱۳۵۹

سراوان ، مینا - از کمیته کوه مطلات جنوب غرب تهران ، AK ، ستار ، د - خ از دانش آموزی غرب م - هوا دار از هیما هنگ ، م - کارگزاران ما شهر ، ص - ن ، ایوب از تهران ، ن ، امر از اهواز ، ف - الف از لاهیجان ، قره باغ از تبریز ، دبیر ریاضی از تبریز ، بهروز ، جمع دانش آموزی از کرمان ، ۲۵ از تبریز ، ر - ف - الف ، فرزانه از قزوین ، ف - ح دانش آموز ، دانش آموزان از غرب تهران ، ر - ص ، ۱۴ ، F ، رضاد ، بهزاد ، ح - ر ، ج - ب ، ر - ص ، هوا دار ، م ، مادی مهربان با اشعاری به لهجه خراسانی ، مسعود الف ( کزاش ) ، م - ب جنگزده خوزستانی با شعر و ۲۵۰ ریال ، دانش آموزی یک طرح ابتکاری درباره جمع آوری کمک مالی همراه با ۲۰۰ ریال با دروهای کمونیستی دست همه رفقا را میفشاریم

س - س معلم ، رضا از اصفهان ، مرتضی از سقز ، فریبا ، معلم هوادار عبدالله ، س - ر از روستای اوچ تپه قلعه میاندوآب ، م - م ، کارگر مبارز حسنعلی از آوارگان برو جرد ، H ، از توزیع ، رفیق عبدالله ، رفقای ما زندران ، م - ن - ک از اهواز ، م - کار از برو جرد ، ا - ج - م عباس از حوزه کارگری قزوین ، م - ن ، م - ۶۰ ، هستند دانش آموزی از آستانه ، ا - ن از اصفهان ، د - د ش معلم ، ب - د - ف از اصفهان ، م - ۲۲ تهران ، ر - ص از لاهیجان ، احمد از تبریز ، B - H ، جواد ، ح از لاهیجان ، رفیق کارگزاران اهواز ، دللاور از لالی ، یکی از آوارگان برو جرد ، رفقای ارومیه ، م - ر ، ۴ - ۲۴ رفقای توزیع ، ف - فرشته ، رفقای تدارکات ، الف - م - ح از تهران ، H ، بیک رفیق معلّم از

● مادر عزیز ، زانما مهات بدستمان رسید ، نوشته بودی این چندمین نامه است که میفرستی لیکن جوابی دریافت نداشته ای . نامه های شما بدستمان نرسیده است . اما درباره محتوای نامه سرینما اقدام خواهیم کرد و به محض کسب خبر از طریق همین صفحه پاسخ خواهیم داد .  
 ● سایر رفقای که بر ایمان نامه فرستاده اند : رفیق ، رفیق ناهید ، فرهاد ، ک - م - ن ، آ - از مشهد ، ب - پرستار و معصومه ، رفیق مادر اعظم ، ن



پنجاه و پنجمه ۲۲

بازگشت...

چرا که امروز رژیم عراق نسبت به رژیم جمهوری اسلامی در موضع برتر قرار دارد و سوز مینهای ساری نخب کبیرل او میسایدا ما علمبرگم رجزخوانی های بسیار و علیرغم وضعیت فزون رژیم دینی آنست تا راه حلی پیدا کرده وحشی با دادن امتیازاتی ارضی مسئله را منجمد کرده دهد. ارسال هیات نمایندگی حزبی جهت شرکت در کنفرانس کشورهای متعهد به امیریا لیسیم در چهار چوب همین هدف قرار میگیرد.

البته هم اکنون برای رسیدن به "صلح آبرومندان" همه جناحهای رژیم موافق میباشد اما این بار با دردست گرفتن امروز ارتخارج و دیپلماسی بین المللی توسط حزبها، حزبها در این اقدام مستقیم میباشند. در حقیقت می توان گفت اصلی ترین مسئله ای که رژیم ایران در کنفرانس تعقیب می نماید، همین مسئله جنگ ایران و عراق است. و مسائلی از قبیل طرح محکوم کردن تحا و زروسها به افغانستان و طرح محکومیت رژیم مصر برای رژیم ایران ثانوی و فرعی بشمار می آید و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند. در کنفرانس هیات نمایندگی جمهوری اسلامی کوشید تا رژیم صدام توسط کنفرانس محکوم گشته و در عرصه بین المللی کسب وجهه نماید. اما تناسب قوا در کنفرانس اجازه نداد تا رژیم صدام محکوم گردد چرا که اکثر کشورهای شرکت کننده چه طرفدار شوروی و چه محتایل به غرب، خواستار این محکومیت نبودند. همانطور که میدانیم امروز شوروی تا مین کننده اصلی سلاحهای عراق است و آمریکا نیز تا

ایران دارای "مناسبات کاملاً صمیمانه ای" می باشد و به همین لحاظ عراق مورد محکومیت قرار نگیرد. سنسنا موضعی که کنفرانس اتخاذ نمود اظهارات سدا رجب ایران و عراق خود با لفظ این امر بی سواست اهداف رژیم جمهوری اسلامی را پاسخ گوید. البته کنفرانس مقرر نمود با هاسی متکمل از نمایندگان هند، کوبا، زامبیا و سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل گردد و مسئله چگونگی رسیدن به "صلح" را بررسی نماید.

رژیم جمهوری اسلامی که به هدف خود با شل نگریده در عین حال که این امر را مورد حمایت قرار میدهد، ارتخارج را میخواستند تا موضع صریح تری نسبت به جنگ ایران و عراق اتخاذ نماید و به معنای دیگر ارتخارج را میطلبید تا عراق را محکوم نموده و آنرا وادار به عقب نشینی فوری نماید. اما آنچه روشن است اینست که کنفرانس با توجه به تناسب قوا و غیر متعهد نبودن کشورهای چنین موضعی را اتخاذ نخواهد کرد. کنفرانس با تاخیر قدرتهای بزرگ امیریا لیستی مانند آمریکا و شوروی و با وساطت برخی کشورهای خواه کوشید تا "صلح آبرومندان" که جزئیات به خلقهای عراق و ایران نخواهد بود برقرار کنند. "صلحی" که به نفع بورژوازی دو کشور خواهد بود و جزا عمال ستم طبقاتی بر کارگران و توده ها معنای دیگری نخواهد داشت. ارتخارج یک جنگ ارتجاعی بوده و صلح میان رژیم ایران و عراق نیز ارتجاعی و برسان خلقها و پرولناریا خواهد بود.

ملاحظات کوتاه

جمعه (و با حدودی هم میماند) اما بنظر نمی رسد اینها برنده شوند هر چند "امتیاز" هائی کسب کرده اند در واقع عموم "مکتبی" ها و حزب البیخی - ها هم از دور مسابقه خارج نیستند ولی بنظر نمی رسد که با توجه به معیار اصلی حزب توده یک نفر برنده شود. معیار اصلی را همه میدانند: آنکه به "مسکو" نزدیک شود، آنگاه شوروی را "کشوری انقلابی" بدانند و اولین مسافرت رسمی را به سوی قیله گاه حزب توده آغاز کنند.

برنده مسابقه کسی غیر از جلال الدین - فارسی نیست. او کسی است که اگر نه با حزب توده و پس با ابایدی آن درخا و رمیانه (که با لطف جاسوس سوسیال امیریا لیسم شوروی بودند) مثل محمود بنیان در عراق رابطه داشته و با سالها زیستن در سوریه و گلبان "فوائد" روابط با شوروی را از نزدیک لمس کرده است و لذا با اطمینان خاطر در سخنرانی روزاربعین - امسال، از ضرورت خرید سلاحها می گوید که می توان با آنها "تا و گنا" آمریکا را از منطقه راند "در اختیار لبیبی و کوبا هم هست (جواب معما را متوجه شدید؟) صحبت به میان آورد و البته در دل حزب توده یک من قندآب شد. "بیرا در جلال فارسی" که کیا نوری لابد و را بزودی به لقب تا و اریش (رفیق بدروسی) مفتخر خواهد کرد تمیل از عزیمت به "شمال" گفت که شوروی "کشوری انقلابی" است و ما هم "انقلابی" هستیم (بیلهدیک بیلهدیک چغندر!) و با پیدا زتجارب انقلاب اکتبر استفاده کنیم. آقای فارسی البته در شوروی جز بلاشاه آن تجارب رو برنخواهد شد. زیرا اگر در آنجا تجارب انقلاب کبیر سوسیالیست اکتبر زنده بود

هشدار به انقلابیون: گشتی های "ساواک" بازگشته اند

نیروهای انقلابی و زحمتکش ایران جنایات گشتی های کمیته مشترک "شهریانی - ساواک" را باخا طردا رند. آنان بیاد میاورند که چگونه مزدوران رژیم شاه در کوچ و خیا بان به شکار انقلابیون میپرداختند و به کوچکترین حرکت مردم مشکوک شده و آنان را مورد تعقیب و آزار قرار میدادند. اکنون رژیم جمهوری اسلامی تجارب جنایتکارانه ساواک را با یکا ر گرفته و در خیا بانها به تعقیب و شناسائی انقلابیون میپردازد. گشتی های رژیم که از ۳ الی ۴ نفر تشکیل شده و در میان آنان ما مورین زن نیز دیده شده است، افرادی با تجربه در کار تعقیب و مراقبت مبارزین هستند و مسلح در اتومبیلهای سواری در شهر حرکت میکنند. در میان آنان افراد ارتشی و رزیده نیز چشم میخورد. این مزدوران که ظاهراً با سدا رتیبین آنها وجود دارد به محض دیدن مورد "مشکوک" در محل فسرده مورد نظر را شدیداً کتک زده و با خود میبرند. از این نظر مبارزین انقلابی بدون آنکه ذره ای از آنجا مینمایند زات انقلابیشان بنگا هد، با بدبسا

هشیاری تمام حرکات خود را تنظیم کرده و توسطه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را با شکست مواجه سازند. مورد دیگری از اعمال سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، بازید و تفتیش اتوبوسهای مسافری و اتومبیل ها در جاده های خارج شهر است که پس از جنگ تحمیلی شدت پیدا کرده است. با سدا ران چهل و سوما به مثل دزدان سرگردن اتومبیل ها را متوقف کرده و اقدام به تفتیش میکنند و به محض یافتن نشانه یا مدرک انقلابی، صاحب آنرا دستگیر میسازند. البته در تفتیش اتوبوسهای مسافری این ما مورین مرتجعاً مقاومت و خشم مردم پیدا را مواجه میشوند و در برخی موارد ناگامی میگردند. وظیفه نیروهای کمونیست و کلیه انقلابیون است که با دامن زدن به اقدامات آفاکارانه در مورد جنایات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و شیزافزایش هوشیاری خود عملیات سرکوبگران را با شکست مواجه سازند.

نامه به خسرو پرویز!

رژیم سرمایه داری وابسته ایران که قبیای "ولایت فقیه" استن کرده است بسیاری از نیازها و برنامهای خود را در همین قالب رفع میکنند و به عمل در میاورد. مثل دعوت مردم به پیوستن کذاشتن در بانک به کمک فتوا! رژیم که حزب جمهوری اسلامی در آن غلبه دارد باید مناسبات خارجی این را خود - بدون حضور رقیب های لیبرال - سروا مان دهد و با یک تنها هم گسترده سفارتهای ایران در خارج و فرارادها و روابط خارجی را سرینا سح کنترول خود درآورد. این

# بازگشت نبوی از هند و دستی که پر نیست!

# یادداشت‌های سیاسی هفته

# اعتدال در برابر حزب بنی صدر سرکوب خلق

بعدا ز روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز به عضویت کنفرانس کشورهای غیر متعهد درآمد. اگر چه رژیم حاکم در پی آن بود تا جنبین و انبوسا زد که شرکتش در این کنفرانس نشانه "عدم تمهید و وابستگی نظام جمهوری اسلامی" و بیابکر "خط مشی سیاسی شرقی نه غربی" ایران است اما پرواضح است که این کنفرانس نه تنها نشانه عدم وابستگی کشورها به امپریالیسم نیست بلکه ابزاری است در خدمت امپریالیسم و ارتجاع جهانی جهت به انحراف گنا نمودن مبارزات خلقهای جهان. ورژیم جمهوری اسلامی اگر چه کارگزار رنیت اما نه تنها مستقل و غیر متعهدنی باشد، بلکه در عین حال از شرکت در این کنفرانس جز فرباد آن بوده ها و تحقیقی اهداف فدا انقلابی طبقاتی خویش هدف دیگری را تعقیب نمی کند و جز این هم نمی تواند باشد. رژیم جمهوری اسلامی در کنفرانس اسلامی طائف که در ماه گذشته در عربستان برگزار شد شرکت ننمود. اگر چه تمایل حقیقی هیات حاکمه ایران در جهت شرکت در کنفرانس طائف بود، اما تضادهای خمینی و حزبها با مدام حسین مانع از آن شد که ایران در کنفرانس شرکت کند اگر چه لیبرالها علیرغم حضور مدام خواهران شرکت در آن بودند. اما از آنجا که رژیم حاکم از نقطه نظر نظامی در موضع ضعف قرار داشت (و دارد)، و از آنجا که در این کنفرانس سران می -

بایست شرکت میکردند و بمعنای دیگری صدر میبایست حضوری یافت. خمینی و حزبها به خاطر وجود مدام و یوسف دبیر لیبرالها حاضر در شرکت در کنفرانس ننگینند. اما این بار رژیم حاکم با توجه به اوضاع نابسامان اقتصادی و معطلات و مشکلات عدیده اش، در پی بیان دادن به جنگ است و از همین جهت شرکت خود را در کنفرانس توجیه میکند. در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی در جنگ با رژیم مرتجع مدام به حالت استیصال افتاده است. ادا مه جنگ پیش ازین در هم ریخته گسی اقتصاد دو ایستاده و ورنگ شده ایران را گسترده تر ساخته و فقر و فلاکت توده ها و در نتیجه مبارزات آنان را دامن زده و خوا هزد. اگر چه رژیم بار این جنگ ارتجاعی را به دوش کارگران و زحمتگنان تحمیل کرده است، اما گسیختگی بیشتر اقتصاد و دیگری نیست مریزات رژیم را به وحشت انداخته است. اگر چه رژیم در ابتدای جنگ با تبلیغات شوینستی توده های وسیعی را متوهم ساخت و حمایت آنان را نسبت به خود جلب نمود، اما امروز زیر فشار فقر و فلاکت توهمات پیش ازین فروریخته و توده ها از رژیم کنده میشوند. این شرایط رژیم را بر آن میدارد تا بگوید بنحو "برومندانهای" جنگ را خاتمه دهد. البته این خاتمه دادن کارآسانی نیست چرا که تضاد منافع دوسو رزوازی مطرح است و

سازمندی روز آزمائی میان حزبها و لیبرالها در مورد سدس گرفتن روز ۲۲ بهمن، با لاجرم بنی صدر و فرستحایی را کنار زد و سخنرانی ۲۲ بهمن در تهران را به خود اختصاص داد. هر یک از جناحها در پی آن بودند تا با انجام سخنرانی سدان آزادی به ما نور قدرت در مقابل دیگری برخاسته و عوا مفریانه جنین و انبوسا زد که وارت قبا مودنا وردهای آن است. بنی صدر بنما به سر کرده لیبرالها اگر چه ما متحد حزبها جز خیانت نسبت به قیام کار دیگری نکرده است، اما در این مسابقه بیروز بیرون آمده و موقعیت خود را برای سخنرانی ۲۲ بهمن تثبیت کرد. خمینی که میداند است این سخنرانی محتمل دیگری از آنها جم لیبرالها به حزبها خواهد بود مانند همیشه به پشتیبانی از حزبها بلند شده و میگوید بنما بدهد دیگر را بگزید و بنجه بروی هم بزنید و اگر غیر از این باشد "من به هر کس هر چه داده ام میس میکرم" و به این ترتیب بنی صدر را دعوت به عدم تعرض علیه حزب جمهوری اسلامی می کند و تهدید به پس گرفتن "عطا شده ها" خمینی بر آنست که همه بخشهای بورژوازی امروز در مقابل جنبش اوج گیرنده با بد متحد باشند، اما همزبونی از آن حزب باقی بماند. ولی از آنجا که میبیند لیبرالها خاموش ننشسته و مدام به تعرض خود ادامه میدهند و خواستار امتیازات بیشتر میباشند خطراب سسه حزبها میگوید: "شکر اکتید به روحا نبونی است که در دادگاهها، گمته ها، جها دسا زندگی و دیگر ارگانها اشغال به خدمت دارند. که ولا دراموری که ملاحظیت آن را ندانند به جوجه دخالت ننگینند که دخالت آنان علاوه بر آن که از جهت عدم ملاحظیت آنان غیر مشروع است از جهت بدین شدن ملت به روحا نسبت و در نتیجه جدا شدن ملت از شما...." خمینی بدین ترتیب به انتقاد از حزبها پرداخته و قول امتنا ز منخمی به لیبرالها میدهد. براساس این مقدمات است که بنی صدر سسه سخنرانی مسرد از دو جانب اعتدال را در پیش میگرد. تهدیدات و قول و قرار خمینی یعنی بر امتیازات بیشتر بنی صدر را در حرکتش محدود ساخت، البته بنی صدر کماکان به حزب حمله نمود اما نه بر اساس طرح اولیه اش و با زهم بطرزی عوا مفریانه به استناد حزبها حمله کرده و خود را طرفدار آزادی حساب می آورد. و میگوید:

بقیه در صفحه ۳۱

## مجموعه سرودهای قیام از انتشارات جدید سازمان



رزم کارگران، دهقانان و زحمتگنان ما ست که ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی را به زبان شعر و موسیقی بیان میدارد و تبلیغ سوسیالیسم را در زمینة هنر و آواچ میدهد. ما تلاش بر سرور و خستی نا پذیر رفقای کمیته هنری، بویژه رفقای گروه موسیقی را که با آهنگها و کوریر شور و خروش و سرنار از روح مبارزه و کمونیسم خود، نقش ارزنده در بریدن آرزوهای و ایده های انقلابی و سوسیالیستی به میان کارگران و زحمتگنان و خلقهای فیرمانان بعهده گرفته اند با امیداریم و آرزو میکنیم هر چه بر توان ترو مصمم ترو با کار کمونیستی. در عرصه هنر، پیش ازین وظایف خود را در راه انقلاب، پیروز شده اند به بیش برند.

بنما سبت دومین سالگرد قیام ۱۲م سرود در یک کاست، از سوی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، انتشار یافته است. این سرودها، با مضمون کمونیستی خود، بنغمه های سرخ و خونین

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

بقیه در صفحه ۲۷